

آموزش ابتدایی

رشد

| برای آموزگاران دبستان، دانشجویان دانشگاه فرهنگیان و کارشناسان آموزشی |
| دوره‌ی نوزدهم | فروردین ۱۳۹۵ | شماره‌ی پیاپی ۱۵۶ | ۴۸ صفحه |
| ماهنامه‌ی آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی ۱۰۰۰۰ ریال |



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
مركز نشریات و تکنولوژی آموزشی

هدیه‌ی روز زن

در این کلاس شاد باشید

در لیاس ماه





تلنگری برای تفکر

مسابقه‌ی شماره‌ی ۷

سال تحصیلی ۹۵-۹۴

مهلت ارسال پاسخ‌ها
۲۵ اردیبهشت‌ماه
۱۳۹۵

سوالات مسابقه‌ی تلنگری برای تفکر را کارشناسان شورای برنامه‌ریزی مجله، از لایه‌های مهم‌ترین مطالب انتخاب می‌کنند و به بحث می‌گذارند. پاسخ‌های تفصیلی‌تان را تا زمان تعیین شده و ترجیحاً به ایمیل یا به نشانی پستی دفتر مجله بفرستید. در مسابقه‌ی شماره‌ی ۷ دو سؤال مطرح شده است که در ادامه ملاحظه می‌فرمایید.

صاحب‌نظران عرصه‌ی تعلیم‌وپرورش بر رعایت برخی ملاحظات اساسی در فرایند آموزش تأکید می‌کنند. آن‌ها معتقدند، تحقق یادگیری معنی‌دار در دانش‌آموزان به چگونگی بهره‌گیری از این ملاحظات بستگی دارد. از جمله‌ی این ملاحظات می‌توان به «توسعه‌ی فضای یادگیری از کلاس درس به محیط زندگی» و بنا نهادن آموزش بر رویکرد «پژوهش» اشاره کرد که این اندیشه در طراحی آموزشی به‌وسیله‌ی خانم دکتر سلیمان‌نار و خانم گودرزی در مقاله‌ی «یادگیری از کلاس درس تا باغچه» به خوبی مشهور شده است.

اکنون برای همراهی ما در این فعالیت، به پرست‌ها پاسخ دهید:

۱. مطالعه‌ی این تجربه‌ی آموزشی چه دستاورد جدیدی برای شما داشت؟

۲. پس از مطالعه‌ی این تجربه، چه تغییرات جدیدی را در فرایند تدریس و در کلاس خود ایجاد خواهید کرد؟

آموزش ابتدایی

۷

رشاد

برای آموزگاران دبستان، دانشجویان دانشگاه فرهنگیان و کارشناسان آموزشی
دوره ی نوزدهم/ فروردین ماه ۱۳۹۵/ شماره ی بی دربی ۱۵۶
ماده نامه ی آموزشی، تحلیلی و اطلاع رسانی



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی
دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی

یادداشت سردبیر هر کسی نان از عمل خویش خورد/ اصغر ندیری / ۲/

سردبیر شما بد گنجشک و عقاب / سمانه رضازاده / ۳/

گفت و گو جامعه پذیری، رابطه ی آموزشی، سازوکارها / محمود اردوخوانی / ۴/ ● حس دوستی در بخش آشپزی /

معصومه حبیب پور / ۷/ ● نوآوری از طریق آموزش غیرمستقیم و مهارتی / دکتر ابوالفضل بختیاری / ۱۴/ ●

صمیمی و جدی / نصرالله دادار / ۳۷/

آموزش نقش هنر در بهبود عملکرد تحصیلی دانش آموزان / افشین چمن آرا / ۸/ ● نقش آموزشی بازی

در پرورش علم / دکتر نیره شاه محمدی / ۱۰/ ● سفر به اعماق زمان / شهلا فهیمی / ۲۲/ ● یادگیرنده حق انتخاب

دارد / زری آقاجانی، فاطمه رضاپور / ۲۶/ ● آزمون های عملکردی / هدی هدایتی / ۲۸/ ● سرمشق زندگی / شکوه

تقدیسیان / ۳۰/ ● حل مسئله در ریاضیات / مترجم: نسرين امامی زاده / ۳۲/ ● اندازه گیری / مریم احمدی / ۳۴/ ●

اعداد اعشاری / بهزاد قباخلو / ۳۵/ ● یادگیری از کلاس درس تا باغچه / دکتر لیلا سلیقه دار، مهرآور گودرزی / ۴۰/

خاطره خانم کفش ندارد / تبار که رجبی / ۱۳/ ● آبروداری دانیال / معصومه ارنندان / ۱۷/

● هدیه ی روز زن / زهره پیرهادی / ۱۸/ ● عبور از بحران / صفوره قرشی خامنه / ۴۴/

شعر در لباس ماه / عبدالعظیم صادی / ۱۶/

تجربیه ی سبز تقویت املا در پایه ی اول / جمال کیانی / ۱۹/ ● جعبه ی امانت / پرستو توانا / ۴۳/ ●

آموزش حجم های هندسی و سطوح جانبی / زهرا بیات / ۴۳/

تربیت بدنی و سلامت هدف گذاری برای سواد حرکتی / غلامرضا سراج زاده / ۲۰/

هنر نوشتن گزارش نویسی / ناصر نادری / ۲۴/

کتابخانه ی مدرسه آموزش ریاضیات در دبستان / ۳۳/ ● رشد و پژوهشگری / منصوره محمدی پرفکر / ۴۶/

یادداشت خلاقیت معلق / دکتر مهدی چوبینه / ۳۶/

بژوهش در این کلاس شاد باشید / اختر سعادت، فاطمه اسماعیل پور / ۳۸/

نامه مدرسه ی عشق / حبیب اله طالب احمدی / ۴۵/

همراهان ما پاسخ به نامه ها و نوشته های خوانندگان / ۴۶/

مدیر مسئول: محمد ناصری
سردبیر: اصغر ندیری
شورای برنامه ریزی:
فاطمه رمضانی، سیده زهرا یاسینی، یدالله رهبری نژاد
صادق صادق پور
مدیر داخلی: شهلا فهیمی
ویراستار: کبری محمودی
طراح گرافیک: علیرضا پورحقیقه

نشانی دفتر مجله:
تهران، ایرانشهر شمالی، پلاک ۲۶۶
صندوق پستی ۱۵۸۵۵ / ۳۳۳۱
تلفن: ۸۸۳۹۱۷۸ - ۸۸۳۱۱۶۱ - ۰۲۱ (داخلی ۴۲۹)
نمابر: ۸۸۳۰۱۴۷۸

وبگاه: www.roshdmag.ir

roshdmag:

پیامنگار: ebtedayi@roshdmag.ir

تلفن پیام گیر نشریات رشد:

۸۸۳۰۱۴۸۲

کد مدیر مسئول: ۱۰۲

کد دفتر مجله: ۱۰۹

کد مشترکین: ۱۱۴

نشانی امور مشترکین:

تهران، صندوق پستی: ۱۶۵۹۵/۱۱۱

تلفن امور مشترکین:

۰۲۱ - ۷۷۳۳۶۶۵۶ و ۷۷۳۳۶۶۵۵

شمارگان: ۳۰۰۰۰

چاپ: شرکت افست (سهامی عام)

عکاس روی جلد: اعظم لاریجانی



قابل توجه نویسندگان و مترجمان:

- مقاله هایی که برای درج در مجله می فرستید، باید با اهداف و رویکردهای آموزشی تربیتی فرهنگی این مجله مرتبط باشند و نباید قبلاً در جای دیگری چاپ شده باشند. ● مقاله های ترجمه شده باید با متن اصلی هم خوانی داشته باشد و متن اصلی نیز همراه آن ها باشد. چنانچه مقاله را خلاصه می کنید، این موضوع را قید بفرمایید. ● مقاله يك خط در میان، بر يك روی کاغذ و با خط خوانا نوشته یا تایپ شود. مقاله های می توانند با نرم افزار word و روی CD و یا از طریق پیامنگار مجله ارسال شوند.
- نثر مقاله باید روان و از نظر دستور زبان فارسی درست باشد و در انتخاب واژه های علمی و فنی دقت لازم مبذول شود. ● محل قرار دادن جدول ها، شکل ها و عکس ها در متن مشخص شود. ● مقاله باید دارای چکیده باشد و در آن هدف ها و پیام نوشتار در چند سطر تنظیم شود. ● کلمات حاوی مفاهیم نمایی (کلید واژه ها) از متن استخراج و روی صفحه ای جداگانه نوشته شوند. ● مقاله باید دارای تیتیر اصلی، تیتیرهای فرعی در متن و سوتیتیر باشد. ● معرفی نامه ی کوتاهی از نویسنده یا مترجم همراه يك قطعه عکس، عناوین و آثار وی پیوست شود.
- لازم به ذکر است مجله در رد، قبول، ویرایش و تلخیص مقاله های رسیده مختار است. ● مقالات دریافتی بازگردانده نمی شود. ● آرای مندرج در مقاله ضرورتاً مبین رای و نظر مسئولان مجله نیست.

هر کسی نان از عمل خویش خورد

اصغر ندیری

به نظر من برعکس، او خیلی هم تیزهوش بود و قواعد کلاس را رعایت می کرد. نگاه مهربان و تحسین آمیز آموزگار ما همیشه با او بود. الان که یادم می افتد، می بینم تعداد ناهنجارها، شاگردان بینابین یا حتی مرزی در آن کلاس خیلی بیش از آن بود که بتوان تصور کرد و در آن میان بود که توجه من به این یکی جلب شده بود. نکته اینجاست که روند طبیعی فرایند یاددهی - یادگیری به هم نمی خورد. ما هم به مدرسه می آمدیم، و او و امثال او هم می آمدند. پیش هم می نشستیم و حرف می زدیم یا درس ها را مرور می کردیم و بالاخره امتحان می دادیم و



ارزشیابی می شدیم. آب از آب هم تکان نمی خورد و آخر سال نیز هر کسی نان از عمل خود می خورد.

هر چند به گمانم بیش از سه دهه از آن سال می گذرد، اما بسیار علاقه مندم این پسر را ببینم. حرف اول نام کوچک او، آخرین حرف اسم من بود. این هم یک یادگاری تاریخی - ادبی از او بود. روزی از ردیف اول به عقب برگشتم و به من که در ردیف سوم می نشستم گفتم: «می دانستی حرف اول اسم من، آخرین حرف نام توست و اولین حرف فامیلی تو در پایان فامیلی من آمده است؟» و ما به اصطلاح «زبل های کلاس» به شدت به او خندیدیم که داشت به زعم ما معما می گفت. بعدها و ناخواسته من روی این عبارت بسیار دقیق شدم تا آن را رمزگشایی کنم. تا این سن هم هیچکس چنین بازی یا مقایسه ای با نام و حرف و نام فامیل من انجام نداده بود. از همان روزها بود که من معنا و جایگاه اسم و حرف و حتی جمله را به خوبی درک کردم. و بالاخره اینکه در طول سال های بسیار، من و دانش آموزان زیادی با سطوح و ویژگی های متفاوت پیش هم درس خواندیم و از مدرسه خارج شدیم...*

*این روایت تحت تأثیر طرح «شهاب» نوشته شده است.

این طرح را بنیاد ملی نخبگان در سال ۱۳۸۶ تصویب کرده است. در دوره ابتدایی تحصیلی، استعداد پایه و عمومی افراد از خود تظاهراتی دارد و آغاز فرایندهایی است که شخصیت و توان دانش آموزان را نشان می دهد. شهاب فرایند شناسایی استعدادهای برتر در محیط طبیعی مدرسه است.

این استعدادها اما هیچگاه نباید از لحاظ درسی و مزایای تحصیلی از کلیت کلاس جداسازی شوند؛ هر چند توسط آموزگاران پشتیبانی خواهند شد. یادداشت نشان می دهد که کلاس ها گاهی ظرفیت تحمل یک طیف صفر تا صد را دارند، اما در این روند آموزگار، نظام آموزشی، خانواده، برنامه درسی و دیگر عوامل چقدر تأثیر گذارند؟

خوب که فکر می کنم، می بینم هر کسی می تواند روی نیمکت کلاس بنشیند. در یکی از سال های دانش آموزی، یک هم کلاسی داشتیم که به نظرم می آمد در طول زمان کلاس دارد با خودش حرف می زند. وقتی آموزگار سر کلاس نبود، او خودش را از این سر به آن سر نیمکت می کشاند و دوباره سر جایش برمی گشت. نگاهش همیشه در حال دویدن از روی این دانش آموز به آن دانش آموز بود؛ به نوبت انگشت هایش را می شمرد یا می شکست. بیشترین تصویری که از او در ذهنم مانده است، جدای بی قراری زیر پوستی اش، این بود که با آمدن آموزگار حرکاتش ضعیف تر می شد، ولی متوقف نمی شد. همچنین، با بودن آموزگار در کلاس، او چهره ای واقعی یک دانش آموز خوب و درس خوان را نشان می داد، بی آنکه چندان در مدرسه کتاب به دست بگیرد و تکلیف عقب مانده ای داشته باشد.

نمی دانم چرا گهگاه به یاد او می افتم. شاید با خیلی ها فرق داشت! بیشتر که فکر می کنم، یادم می آید او در زنگ ورزش خیلی شرکت نمی کرد. اطراف جمع بچه ها راه می رفت و اگر مثلاً گروهی به بازی فوتبال مشغول بودند، در صدد بود از خارج زمین ضربه ای به توپ اوت شده بزند و باز همان حرکات؛ کمی با خود حرف زدن و راه رفتن در طول و عرض محوطه با آن ژست خاص که یک دستش در جیبش بود و با دست دیگر با مخاطب خیالی در حال مباحثه بود. زنگ تفریح هم چندان وضع متفاوتی نداشت. بیشترین شیرین کاری ها و تحرک های او آویزان شدن از میله ی بارفیکس و زرمه های کودکانه بود.

فکر نکنید او کم هوش یا ناهنجار بود یا با موازین و یافته های امروزی باید او را در ردیف بیش فعال های کلاس قرار می دادیم. نه.

گنجشک و عقاب

سمانه رضازاده

آموزگار دبستان شهید مطهری، منطقه ۱۵ تهران



بود. احساسم را با آن‌ها در میان گذاشتم و گفتم که چقدر توانمند هستند و دقیقاً به همان هدف استاد اشاره کرده‌اند. از آن روز تصمیم گرفتم محور دانایی و دانش را سرلوحه‌ی کارم قرار بدهم و مهم‌تر از همه بدانم که من نسبت به تمام دانش‌آموزانی که دارم و خواهم داشت مسئولم؛ مسئول نحوه‌ی درس خواندن، احساسات، روند تفکر، مسئول تشویق بیشتر آن‌ها به دانایی، مسئول دادن اعتماد به نفس و نگرش امیدوارانه به آن‌ها، و مسئول واداشتن آن‌ها به تفکر؛ جدای از حفظ طوطی‌وار و آماده کردن درس‌هایشان!

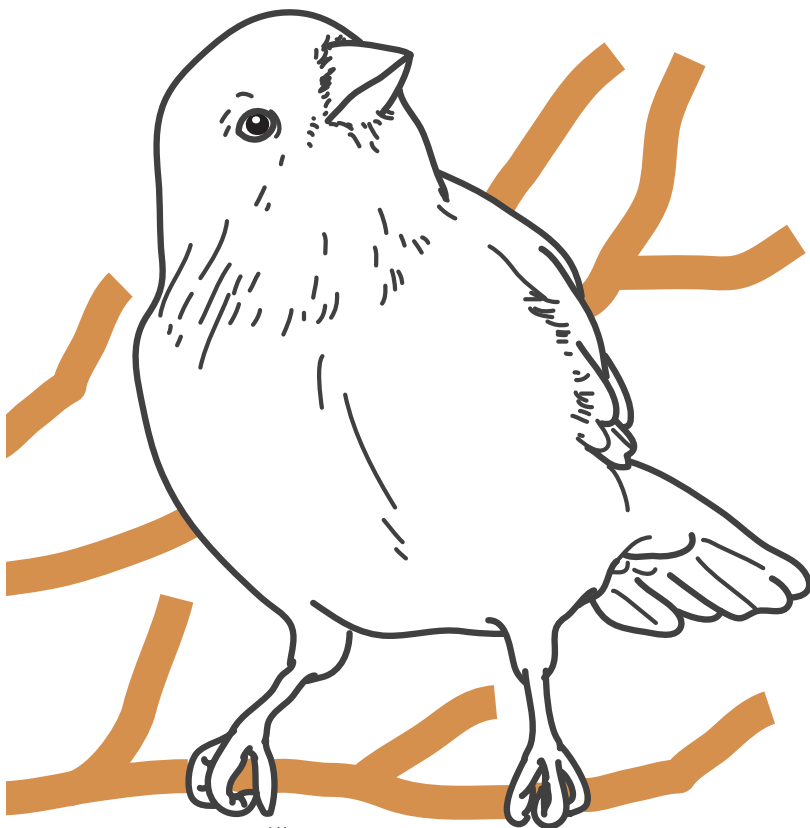
از روزی که این اتفاق تکان‌دهنده در کلاس افتاد، حس شیرین آموزگاری در من شیرین‌تر، جذاب‌تر و البته پرمسئولیت‌تر شده است.

اوایل زمستان سال گذشته بود. من و برخی از همکارانم از طرف مدرسه‌ای به یک سمینار دعوت شدیم. استادی که برای سخنرانی آمد، در همان ابتدا جمله‌ای روی تخته نوشت و از آموزگاران حاضر خواست معنی و مفهومی را که از آن برداشت می‌کنند، بنویسند. آن جمله که دیدم نسبت به دانش‌آموزانم عوض کرد، این بود: «گنجشکی که به دنبال عقاب پرواز می‌کند، گمان می‌کند عقاب از او می‌گریزد.» این جمله و اتفاقات بعد از آن، برای من که تازه سه سال از تدریس و دوران خدمتم گذشته است، یک تلنگر بود؛ تلنگری برای اینکه دانش‌آموزانم را باور کنم.

فرزاد آن روز تصمیم گرفتم جمله‌ی استاد را برای دانش‌آموزانم مطرح کنم و نظرات آن‌ها را بخواهم. من به آن‌ها، نظرات خوب و توانایی‌هایشان ایمان داشتم و همیشه سعی می‌کردم سر کلاس ذهنشان را درگیر مسائل کنم تا خودشان به فکر کردن وادار شوند. قبل از ورود به کلاس، ذهنم بسیار درگیر بود. با خود می‌گفتم شاید این عنوان برای دانش‌آموزان پایه‌ی چهارم کمی سنگین باشد، شاید آن‌ها نتوانند درک کنند و شاید...

غالباً بعد از گفتن املا، موضوعی را روی تخته می‌نویسم و از بچه‌ها می‌خواهم نظرشان را در مورد آن بنویسند. این کار باعث می‌شود ترس آن‌ها از نوشتن ریخته شود و گامی در جهت پیشرفت بردارند. جمله را روی تخته نوشتم و از آن‌ها خواستم بعد از املا نظرانشان را برابرم بنویسند. در حین نوشتن بچه‌ها تمام فکر من این بود که آن‌ها چه خواهند نوشت.

املاً که تمام شد، دفترها را یک به یک تصحیح کردم. واقعاً شگفت‌انگیز بود. اکثر دانش‌آموزانم (۲۰ نفر از ۳۴ نفر) به همان نظر استاد اشاره کرده بودند: **دانایی!** اینکه گنجشک نمی‌داند و گمان می‌کند عقاب از او می‌گریزد. آن قدر خوشحال شده بودم که فضای کلاس برای فریاد از سر شادی کافی نبود. دانش‌آموزانم به دانش و دانایی، که امروزه محور اساسی کار ما معلمان است، اشاره کرده بودند. برای من، نگرش دانش‌آموزانم به این موضوع عالی



جامعه‌پذیری، رابطه‌ی آموزشی ساز و کارها

نشستی با دکتر مرتضی منادی درباره‌ی جامعه‌پذیری دانش‌آموزان

محمود اردوخوانی
عکاس: غلامرضا بهرامی

اینکه دانشگاه ونسن را انتخاب کردم، روش‌های آنجا بود که تحلیلی و کیفی است. اما در سوربون نیز روش‌ها کمی و اثبات‌گرایانه است. یکی دیگر از نکات مهمی که مرا به دانشگاه ونسن ترغیب کرد، کارهایی است که در این مرکز علمی روی خانواده انجام شده است. و از سال ۷۶ که به ایران آمدم، تا به امروز در دانشگاه الزهرا مشغول تدریس هستم.

در کارهای پژوهشی نیز فعال هستم. بیش از چهار مقاله‌ی علمی پژوهشی و هشت جلد کتاب در حوزه‌ی آموزش و پرورش، خانواده و جوانان تألیف کرده‌ام.

به نظر شما آموزش در دوره‌ی ابتدایی چگونه باید باشد.

بنده در کشوری مثل فرانسه تحصیل کرده‌ام که به‌طور اتوماتیک سنت فکری آن‌ها و آموزش و پرورش آنجا را در ذهن خود دارم. آموزش و پرورش ما تا حدی حافظه محور است. در بین دانش‌آموزان رقابت بر اساس میزانی از اطلاعات است که حفظ می‌کنند و آن‌ها در حالی که خسته هستند وارد دوره‌ی آموزش عالی می‌شوند. این خستگی از حفظ اطلاعات فراوان و از طرفی پشت‌سر گذاشتن رقابتی سخت ناشی می‌شود. ضمناً بچه‌های ما تفکر

اشاره

دکتر مرتضی منادی، استاد دانشگاه الزهرا و دانش‌آموخته‌ی علوم تربیتی و جامعه‌شناسی، خانواده و آموزش و پرورش و جوانان است که مدارج علمی را در دانشگاه‌های سوربون و ویشن فرانسه گذرانده است. در این نشست، نظرات وی را درباره‌ی جامعه‌پذیری دانش‌آموزان و آموزش آن، همچنین، مطالعه و ترویج و تبلیغ مطالعه در بین دانش‌آموزان و آموزگاران و عوامل تأثیرگذار در جامعه‌پذیری جویا شدیم.

جناب دکتر منادی لطفاً از سوابق تحصیلی، علمی، شغلی، مقالات و تألیفاتتان بفرمایید.

تحصیلات خود را در دوره‌ی کارشناسی «رشته‌ی علوم تربیتی از دیدگاه جامعه‌شناسی» در دانشگاه ونسن پاریس - کارشناسی ارشد را در علوم تربیتی از منظر جامعه‌شناسی در دانشگاه سوربون دوره‌ی دکترا را در جامعه‌شناسی آموزش و پرورش حوزه‌ی خانواده در دانشگاه ونسن گذرانده‌ام. علت





تحلیلی ندارند، اما در کشوری مثل فرانسه نسبت به آموزش و پرورش ما، اطلاعات کمتری به دانش آموزان می دهند. آنجا برای بچه های سال های اول و دوم معلمی را از آموزش و پرورش مأمور می کنند تا در طول یک هفته به آن ها آموزش هایی بدهند. مثلاً در مورد زندگی انسان های اولیه و شرایط و آداب و رسوم آن ها، از بچه ها می خواهند با استفاده از اطلاعات پدر و مادر و کتاب های موجود، رسانه و اینترنت، اطلاعاتی به دست بیاورند و هر کدام وسیله ای از زندگی انسان اولیه را بسازد. مثلاً بچه های به کمک پارچه و چوب های کوچک خانه درست می کند. این فعالیت به بچه ها قدرت تحلیل و تعمق می دهد.

آیا در حال حاضر روش های تحلیلی را، با توجه به جنبه های مثبتی که به نظر شما دارند، برای آموزش و پرورش ما مناسب می بینید؟

بله، اما می دانید که در دانشگاه های ما سلطه با روش های کمی و اثبات گرایانه است. بنابراین محققان ما هم از این روش استفاده می کنند. آموزش های معلمان هم بر اساس این نظام و روش ها بوده است. دکتر قاسمی پویا موضوع اقدام پژوهی را مطرح کردند و مدتی هم در مدارس اجرا شد. این یک روش کلیدی و تحلیلی است. آیا همه ی معلمان ما آموزش های ضمن خدمت یا آموزش های قبل از ورود به آموزش و پرورش را با این روش گذرانده اند؟ به نظر من، من معتقدم که ما توانایی خوبی داریم. نکته ای که همواره می گویم این است که توانمندی کارهایی را داریم، به شرط اینکه از این ظرفیت ها استفاده کنیم.

آموزش از نظر زمانی چه اثری در هدایت یا بی انگیزه کردن و احتمالاً پزهکاری دانش آموز برجای می گذارد؟

این سؤال را در کالبدشکافی جامعه پذیری دانش آموزان پاسخ خواهیم داد. چون نکته ای که می فرمایید، همان جامعه پذیری است. جامعه پذیری یعنی تبدیل فردی که

فرهنگ جامعه ای را نمی شناسد، به فردی که با فرهنگ آن جامعه آشنا می شود. آن را درونی می کند و می پذیرد. بنابراین آن را اجرا می کند. لذا نسل جوانی که در جامعه ای بزرگ می شود، نسبت به فرهنگ جامعه ای خود جامعه پذیر می شود. اگر این نسل به جامعه ای دیگری برود، طبیعتاً فرهنگ آن جامعه را می پذیرد.

ما در عرصه ی جامعه پذیری با سه مقوله روبه رو هستیم:

۱. منابعی که در تمام دنیا وجود دارند. اولین آن خانواده، دوم نهاد آموزش و پرورش و سومین منبع که امروزه در تمام دنیا از جمله در جامعه ای ما، از سنن کودکی، حتی طفولیت وجود دارد، رسانه ها هستند؛ رسانه های تصویری که بچه های ما زمان زیادی را صرف آن می کنند، کارتون هایی که هر کدام پیام دارند، شبکه های دوستان و فضاهای فرهنگی که در جامعه وجود دارند و بچه ها از آن ها گذر می کنند.

برای مثال، بچه ای که از منزل تا مدرسه می رود، اگر در بین راه از مقابل مغازه های کتاب فروشی عبور کند یا از مقابل ویتترین های لباس فروشی یا مسجد یاسینما گذر کند، از هر کدام از آن ها تأثیر می گیرد. بنابراین، این ها می شوند منابع جامعه پذیری که نمی توان به سادگی از آن ها گذر کرد. ۲. محتوای جامعه پذیری: همه ی این منابع در صدد انتقال فرهنگ مورد علاقه ی خودشان هستند. یعنی هم خانواده و نهاد آموزش و پرورش و هم رسانه ها فرهنگ مورد علاقه ی خود را تبلیغ می کنند.

۳. سازوکارهای جامعه پذیری: ما سه نوع سازوکار داریم: ۱. تقلید؛ ۲. تلقین؛ ۳. آموزش. هر سه مورد در تمام دنیا در حال اجرا هستند. کودک چگونه غذا خوردن را از پدر تقلید می کند. چگونه راه رفتن و چگونه نشستن را حتی تکیه کلام های پدر را پسر و تکیه کلام های مادر را دخترها می آموزند. بنابراین، تقلید و تلقین وجود دارد. آموزش نیز هست. مهم ترین این سه مقوله، سازوکارها هستند. یعنی منابع و محتوا در همه جا هستند، اما بحث اصلی ما سازوکارها هستند؛ در حالی که خیلی ها فکر می کنند محتوا اصلی است. اما چرا یک رسانه با محتوای مفید نمی تواند موفق شود و چرا رسانه ای با محتوای مبتذل موفق می شود! چون از سازوکارهای درستی استفاده می کنند یا نمی کنند. بنابراین، به زعم من سازوکارها مهم ترین بخش جامعه پذیری هستند.

نقش عامل انسانی را در سازوکار چگونه می دانید؟

عامل انسانی نقش بسیار مهمی دارد. توجه کنید. مادری از من در مورد غذا خوردن فرزندش می پرسید. او پرسید همسرتان چگونه غذا می خورد. او گفت همسر من هم بد غذاست. خب، این یک الگو برای فرزند است. اول باید الگو درست شود. مادری می گفت دوست دارم فرزندم کتاب بخواند. گفتیم آیا شما و همسرتان کتاب می خوانید یا خوانده اید، گفت نه. خب این بچه اول باید کتاب خواندن را

ببیند تا وقتی به او می‌گویید کتاب بخوان، بخواند. البته موارد دیگری نیز در کنار آن لازم است. بنابراین، مهم این است که در وهله‌ی اول برای فرزندان جامعه‌مان یک زمان آموزشی داشته باشیم؛ استاد من که از شاگردان لفه - فیلسوف فرانسوی - بود، کتابی دارد به نام «رابطه‌ی آموزشی». می‌گوید آموزش‌دهنده، یعنی (خانواده، والدین، معلم و رسانه که خود یک دانشگاه و منبع آموزشی است و به سنین مختلف آموزش می‌دهد، مثلاً من می‌گردم می‌بینم. خانم‌ها برنامه‌ی کارشناسی و بچه‌ها کارتون. همه‌ی این‌ها آموزش هستند.) باید با آموزش‌گیرنده رابطه‌ی آموزشی داشته باشد. این رابطه شامل سه مورد است: زمان آموزش، رابطه‌ی آموزشی که در کتاب جامعه‌پذیری‌ام توضیح داده‌ام و تسلط آموزش‌دهنده به مقوله‌ی آموزش.

به نظر می‌آید عامل زمان را در کنار سایر گزینه‌ها کم اثر می‌دانید؟

عامل زمان خیلی مهم است، ولی عوامل دیگری هم می‌توانند جامعه‌پذیری مورد نظر ما را موفق یا ناموفق کنند. فرد آموزش‌دهنده باید به موضوع تسلط داشته باشد. مثلاً زمانی که فرزند از من سؤالی در مورد دین می‌پرسد، وقتی اطلاعاتی ندارم، نباید به او پاسخ بدهم، چون پاسخ من او را گمراه می‌کند. باید او را به سراغ منبعی مطلع بفرستم که بر موضوع تسلط داشته باشد. پس یک عامل تسلط است. عامل دیگر این است که آموزش‌دهنده به آموزش‌گیرنده تحمیل نکند، بلکه پیشنهاد بدهد، اگر او دوست داشته باشد می‌پذیرد وگرنه نمی‌پذیرد. تجربه هم این را ثابت کرده است. به‌عنوان معلم نباید در کلاس چیزی را تحمیل کنیم و بگوییم این خوب است، به این دلیل که من می‌گویم.

انتخاب یا عدم تحمیل را طرح کردید. آیا دانش‌آموز انتخاب می‌کند یا قبل از آن می‌پذیرد؟

نکته‌ی بسیار جالبی است. ببینید، یک

واقعیت هست. وقتی که ما از کودک سال اول دبستان شروع می‌کنیم، آنجا قدرت انتخاب او کمتر است، چون اطلاعات زیادی ندارد. بنابراین، باید به‌گونه‌ای آموزش و پیشنهاد بدهیم که دانش‌آموز مجاب شود. و این را هم بدانیم، من الگوی دانش‌آموز سال اول یا دوم هستم. بر اساس تحقیقی که صورت گرفته است. بچه‌ها در خانه کارهایی را انجام می‌دهند و می‌گویند خانم معلم یا آقای معلم گفته است. بنابراین، نقش معلم بسیار حساس است، ولی هر چه بچه‌ها بالاتر می‌روند، با منابع بیشتری ارتباط پیدا می‌کنند. اینجا باید نقش پیشنهاددهنده را داشته باشیم. این را هم باید بگوییم، چارچوبی وجود دارد. معلم حق ندارد هر چیزی را توضیح دهد یا پیشنهاد کند. در تمام دنیا چنین است. به هر صورت، نهاد آموزش و پرورش نهادی رسمی و شکل گرفته است که در چارچوبی مشخص و بر اساس سیاست فرهنگ آن جامعه حرکت می‌کند.

نکته‌ی دیگر اینکه وقتی به‌عنوان آموزگار به دانش‌آموز می‌گوییم کتاب بخواند، باید در لابه‌لای حرف‌هایم کتابی را که خوانده‌ام معرفی کنم. تا متوجه شود که معلمش این کتاب را خوانده است یا نه؟

چگونه می‌توانیم فرهنگ مطالعه را در میان دانش‌آموزان و آموزگاران جا بیندازیم؟

باید بپذیریم، جامعه‌ی ما اهل مطالعه بوده است. تاریخ تمدن را که نگاه می‌کنیم، شعراء، متفکران بزرگ و منابعی غنی که داشته‌ایم و امروز به ما به ارث رسیده‌اند، نشانگر این هستند که جامعه‌ی ما جامعه‌ای پر مطالعه بوده است. به‌قول پیروگوردیو، جامعه‌شناس فرانسوی، باید به الگوها توجه کرد. این‌ها مورد قبول اکثر جامعه هستند. این الگوها در بین هنرمندان، ورزشکاران، یا ستاره‌ها، نخبه‌ها، روحانیون و سیاستمداران و روشنفکران وجود دارند. متأسفانه وقتی ما به این اقشار تحلیلی نگاه می‌کنیم، در بین اکثر آن‌ها مطالعه

خیلی کم است؛ مثلاً در بین هنرمندان، به همین نسبت در بین قاطبه‌ی مردم و والدین و معلمان ما همین‌طور است.

باید تبلیغ کنیم. برای مثال در فرانسه کتاب‌فروشی‌ها با کارت‌شناسایی به استادان تخفیف‌های خوبی می‌دهند. بنده با کارت استادی در فرانسه کتاب را با تخفیف خریداری می‌کنم. در کشوری مثل آلمان خرید محصولات فرهنگی به‌صورت سبکی است و خریداران کتاب با سبدها در مقابل صندوق‌ها صف می‌کشند، چون از مالیات آن‌ها کم می‌شود.

با این روش‌ها مطالعه و خرید کتاب ترویج می‌شود. الگوها و سمبل‌های جامعه همگی اهل مطالعه هستند و به این شکل مطالعه را تبلیغ می‌کنند. وجود کتاب‌خانه‌های بزرگ و کتاب‌فروشی‌های فراوان هم مؤثر است.

به‌عنوان آخرین سؤال، نقش تکنولوژی‌های جدید (سیستم‌های مجازی) را در کاهش یا افزایش مطالعه چگونه می‌دانید؟

مجبورم مثالی از فرانسه بزنم. آنجا ۷۵ میلیون جمعیت دارد. ما حدود ۸۰ میلیون هستیم. تعداد دانشجویان فرانسه ۳۰ درصد کمتر از دانشجویان کشور ماست. در فرانسه اینترنت پرسرعت در اکثر مناطق به‌طور رایگان در اختیار مردم است. کتاب به‌مراتب گران‌تر از ایران است؛ البته نسبت به حقوقشان. من امسال کتابی خریدم به قیمت ۳۷/۵ یورو، معادل صدوسی تا صدوچهل هزار تومان. ولی در ایران بهترین کتاب‌هایمان از ۱۰ تا ۱۵ هزار تومان است و در رشته‌ی خود من در نهایت با ۵۰ تا ۶۰ هزار تومان می‌توان کتاب خرید. پس با وجود فناوری بالا در آنجا، کتاب در فرانسه شمارگان بالایی دارد. یکی دو سال پیش روزنامه‌ی کتاب هفته نوشته بود در سال‌های ۲۰۰۹ و ۲۰۱۰ در فرانسه ۴۶۸ میلیون جلد کتاب فروش رفته است، بنابراین فناوری در جامعه‌ی ما اثر منفی گذاشته است، ولی چرا در جامعه‌ی غرب که خودشان مبتکر فناوری هستند، این اثر را نگذاشته است.



حس دوستی در بخش آشپزی

با نرگس سقا، آموزگاری از شهر اراک

معصومه حبیب‌پور / عکس: امیر قادری

اشاره

با نرگس سقا در دبستان عبدالله صابری از ناحیه‌ی دو اراک گفت‌وگو کردیم. لیسانس است و ۲۳ سال سابقه‌ی تدریس در پایه‌های چهارم، پنجم و هفتم‌ششم ابتدایی دارد. آموزگار و سرگروه آموزش پایه‌ی ششم است و در دبستان‌های دخترانه و پسرانه فعالیت‌های آموزشی و پرورشی انجام داده است. به‌عنوان آموزگار پایه‌ی ششم نظرات وی را درباره‌ی کتاب‌های تفکر و پژوهش و برخی ویژگی‌های پایه‌ی ششم بخوانید.

از این «مسافت» را با روش‌هایی توضیح می‌دادیم. اما در این شیوه بچه‌ها به چالش کشیده می‌شوند و سپس رفته‌رفته به نتایج خواسته شده می‌رسند. کاربرد روش‌های حل مسئله در کلاس من که بچه‌ها به صورت گروه‌های پنج نفری فعالیت می‌کنند، مفید بوده است.

آیا خاطره‌ای از دوران تدریس دارید؟

دانش‌آموزی داشتم که پدر و مادرش از هم جدا شده بودند. او با پدر و مادر بزرگش زندگی می‌کرد. به مرور دیدم به لقمه‌ی بچه‌های دیگر ناخنک می‌زند.

پس از بررسی متوجه شدم به غذاهای رژیمی و بی‌مزه‌ی سرپرستان خود علاقه ندارد و به‌خاطر گرسنگی چنین عملی انجام می‌دهد. بنابراین، برای او غذا درست کردم و با پدر و مادر بزرگش هم صحبت کردم. نتیجه این بود که به مرور این مشکل او رفع شد. منظورم این است که تجربه‌ی معلم و علاقه‌ی او روزی به کارش می‌آید.

آیا دانش‌آموزان شما مجلات رشد دانش‌آموزی را مطالعه می‌کنند؟ این مجلات چه اثری بر آن‌ها دارند؟

بله. من هم، به‌عنوان راهنما، مطالبی را که با زندگی یا کتاب درسی آن‌ها در ارتباط است، مانند دوستی یا تصمیم‌گیری و مشورت، به بحث می‌گذارم. وقتی بخش آشپزی این مجلات را با بچه‌ها کار می‌کنیم، می‌بینم حس دوستی و همکاری جمعی میان آن‌ها تقویت می‌شود.

خانم سقا با تشکر از حضور شما در این گفت‌وگو، بفرمایید نقاط ضعف یا قوت افزودن پایه‌ی ششم به دوره‌ی دبستان چیست؟ امروزه انعطاف در روابط میان آموزگار و دانش‌آموز بیشتر شده و شیوه‌های تدریس به سوی دانش‌آموزمحوری رفته است. بنابراین، لازم است در پایه‌ی ششم آموزگاران با تجربه‌تر تدریس کنند. در این سن، خصوصاً دختران بالغ می‌شوند و به همین خاطر نیاز است آموزگاران آن‌ها با روان‌شناسی این دوران آشنا باشند. در این مسیر باید از تعصب دوری کرد و برای انعکاس آن راهکار ارائه داد.

از نظر من، افزوده شدن پایه‌ی ششم به این دوره، آموزش‌های پنج سال قبل را کامل کرده است. این دوره برای بچه‌ها عجیب نیست، اما شاید چالش برانگیز باشد.

نظر شما درباره‌ی کتاب تفکر و پژوهش چیست؟

این کتاب به راه‌های حل مسئله می‌پردازد. مثلاً در ریاضی تا پیش



نقش هنر در بهبود عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان

ترجمه و تألیف: افشین چمن‌آرا
کارشناس ارشد برنامه‌ریزی درسی

سایر هنرها بر همه چیز، از پیشرفت سلول‌های مغزی و نمرات امتحانی گرفته تا عادات مطالعه و علاقه‌مندی دانش‌آموزان به مدرسه، تأثیر مثبت دارد. به نظر آن تیچ (یکی از اعضای آموزش‌وپرورش تگزاس) برای بسیاری از دانش‌آموزان، آموزش‌های هنر مدرسه را جالب‌تر می‌کند، زیرا دانش‌آموزان را به خلاقیت و بروز احساسات وامی‌دارد و فرصت‌هایی برای درگیر شدن سایر حواس پدید می‌آورد و نیز به یادگیری تحصیلی آن‌ها کمک می‌کند.

با این حال، با وجود ارزش انکار نشدنی هنرهای آموزشی، بسیاری از معلمان هنر می‌گویند که مرتب به آن‌ها تذکر داده می‌شود کارشان را طوری برنامه‌ریزی کنند که معلوم شود آنچه تدریس می‌کنند چیزی بیش از یک سرگرمی یا برنامه‌ی حاشیه‌ای برای تفریح دانش‌آموزان در بین کلاس‌های درس روزمره‌ی آن‌هاست. این امر، به‌ویژه در شرایط فعلی، با تأکید بر امتحان گرفتن و ارائه‌ی مواد درسی اصلی، صحت می‌یابد.

با وجود این، مربیان تعلیم‌وتربیت بر این باورند که هنر می‌تواند دانش‌آموزان را ثابت قدم‌تر کند و آن‌ها را به کار تیمی برای حل مسئله و دارد و از آن‌ها افرادی خلاق و مطمئن بسازد.

همگی ما در مورد دانش‌آموزانی شنیده‌ایم که از نظر عملکرد تحصیلی همواره از هم‌کلاسی‌هایشان عقب می‌افتند و علاقه‌ی آن‌ها نسبت به مدرسه، به دلیل نمراتشان، کم می‌شود. معلمان موفق و ماهر شیوه‌ی حل این مشکل را می‌یابند و با علاقه‌مندساختن دانش‌آموزانی از این دست به درس و مدرسه و موفقیت تحصیلی، آن‌ها را تضمین می‌کنند.

هنر برای بسیاری از دانش‌آموزان، کلید حل این مشکل است. بسیاری از بچه‌ها انگیزه، آمال و آینده‌ی خود را در کلاس‌های علوم، ریاضی یا زبان می‌یابند. اما برخی، در صورت قرار گرفتن در معرض موسیقی، تئاتر و سایر هنرهای بصری، متحول می‌شوند و فرصت درخشیدن می‌یابند.

جسیکا کاربن، آموزگار پایه‌ی دوم، در دانش‌آموزانی که در فعالیت‌های هنر شرکت داده شدند، تغییرات شگرفی را مشاهده کرد، به این معنا که دانش‌آموزان خجالتی از قالب خود بیرون آمدند، اعتماد به نفسشان بیشتر از قبل شد و خود را باور کردند. تحقیقات نیز نشان می‌دهد، آموزش موسیقی و





آیا به آموزش هنر در جهت ارتقای موفقیت اجتماعی و آکادمیک در مدارس بهای زیادی داده می‌شود؟ **ریچارد کسلر**، مدیر اجرایی مرکز آموزش هنر در نیویورک، بیان می‌کند که براساس مطالعه‌ی اخیر مرکز آموزش هنر، مدارس که بیشترین امکانات آموزش هنر را داشته‌اند، بیشترین میزان فارغ‌التحصیل را هم داشته‌اند. به عبارت دیگر، میزان اهمیتی که مدارس به درس هنر می‌دهند با چگونگی عملکرد این مدارس و دانش‌آموزان رابطه‌ی مثبت دارد.

طرفداران آموزش اعتقاد دارند هنر برای پیشرفت همه‌جانبه‌ی بچه‌ها ضروری است. جای تعجب نیست که بیشتر اوقات نابرابری‌های شگرفی در زمینه‌ی دسترسی به آموزش هنر وجود داشته باشد. مطالعات مرکز آموزش هنر نشان می‌دهد علت این که مدارس نیویورک پایین‌ترین میزان فارغ‌التحصیل را دارد، آن است که دانش‌آموزان حداقل فرصت را برای شرکت در کلاس‌های یادگیری هنر دارند.

از این رو، آموزش هنر در بین برنامه‌های درسی، جنبه‌ی اساسی در برنامه‌ریزی مدارس ابتدایی دارد و برای تحقق این کار، از طریق گفت‌وگوهای نمایشی، تئاتر خلاق و شعر و سرود می‌توان واژگان پیشرفته‌ای به دانش‌آموزان ارائه داد که در نمایش‌ها از آن‌ها استفاده کنند. هنر به دانش‌آموزان یاد می‌دهد به‌طور گروهی کار کنند، خود را باور داشته باشند و استعدادهایشان را بشناسند تا در عملکردشان در کلاس درس موفق باشند.

ارتباط دادن هنر به برنامه‌ی درسی

آموزش هنر وقتی مؤثر است که چند هنر نظیر شعر و نمایش و موسیقی با هم ترکیب شوند. برای مثال، معلم هنر مدرسه می‌تواند دانش‌آموزان را وادارد پروژه‌هایی براساس دوره‌های تاریخی که در مقدمه‌ی نمایش یاد گرفته بودند، ارائه دهند. به‌علاوه، هنر دانش‌آموزان می‌تواند در محیطی چون موزه به معرض دید والدین گذاشته شود.

دستیابی به نشاط و پویایی در زنگ هنر

با جمع‌بندی مطالب بالا می‌توان گفت، نقاط ضعف زنگ هنر مدرسه‌ی ابتدایی به دلایل زیر بستگی دارد:

- نامشخص بودن قلمرو اهداف در درس‌های هنری.
- ناآشنایی برخی آموزگاران با روش‌های تدریس هنر.
- بی‌توجهی به درس هنر و استفاده از ساعات این درس برای جبران درس‌های عقب‌افتاده.
- نبود تنوع در درس‌های هنری.
- ناآشنایی برخی از معلمان با روان‌شناسی تربیتی و شناخت ذهنی، زبانی و روحی کودکان.

- بی‌توجهی به تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان
- بی‌توجهی برخی از آموزگاران هنر به راه‌حل‌های شکوفاسازی

استعدادها و خلاقیت‌های کودکان.

- بی‌توجهی به علاقه‌ها، انگیزه‌ها و توانایی‌های دانش‌آموزان به هنگام تعیین موضوع برای نقاشی و کاردستی
 - نداشتن معیار مشخص در ارزشیابی درس هنر.
- اگر این معضلات برطرف شوند، به یقین می‌توان گفت هنر به‌عنوان یک برنامه‌ی درسی توان آن را دارد که محور سامان‌دهی در دوره‌ی ابتدایی باشد. زیرا همه‌ی معلمان این دوره برای تدریس از هنرهای گوناگونی مثل نمایش، کاردستی، شعر، سرود، قصه و نمایش استفاده می‌کنند. در دوره‌ی ابتدایی معمولاً یک معلم آموزش همه‌ی درس‌ها را بر عهده دارد، پس لازم است توانایی آموزش همه‌ی دروس را داشته باشد و آموزش مفاهیم و مهارت‌های دروس را به گونه‌ای سامان دهد که دانش‌آموزان نگرش‌ها و تجربه‌های مورد نیاز برای زندگی را به دست آورند. بنابراین، لازم است به درس هنر به‌عنوان زیربنای سایر درس‌ها توجه شود تا شاهد توسعه‌ی مهارت‌های یادگیری کودکان باشیم.

منبع

S. Glass, Roger (2010) Arts is essential to well- rounded education, American Teacher, February, Vol 94, No4.

نقش آموزشی بازی در پرورش علم

اشاره

یکی از ارزش‌های مهم بازی برای دانش‌آموزان ارزش آموزشی آن است؛ دانش‌آموزان در خلال بازی به‌ویژه بازی‌های آموزشی، به مفاهیم ذهنی جدیدی دست می‌یابند، دایره‌ی لغات آن‌ها افزایش می‌یابد و با رنگ‌ها، شکل‌ها، اشیای گوناگون و جهت‌ها آشنا می‌شوند و تجربه‌های ارزنده‌ای به‌دست می‌آورند. در حین بازی، مطالب آموختنی، بدون اجبار و با رغبت فرا گرفته می‌شوند. به همین دلیل، برخی مربیان تعلیم و تربیت معتقدند مطالب درسی را فقط باید در حین بازی به دانش‌آموزان آموزش داد. آموزش به‌صورت بازی به دانش‌آموز کمک می‌کند دنیایی را که در آن زندگی می‌کند بشناسد، بفهمد، کنترل کند و میان واقعیت و تخیل فرق بگذارد، میزان توانایی‌های خود را با دیگران مقایسه کند و به این ترتیب، مفهومی روشن‌تر و واقع‌گرایانه‌تر از خود به‌دست آورد.

دکتر نیره شاه‌محمدی

نقش و اهمیت بازی در علم

بازی و علم جنبه‌های مکمل روش علمی مشکل‌گشایی هستند. بازی افراد را برمی‌انگیزد که تمام تجربه‌ی خود را برای یافتن راه‌حل مشکل یا مسئله به‌کار گیرند. بازی آگاهی فرد را بالا می‌برد، به رشد و باز شدن فکر کمک می‌کند و بینش و بصیرت را در شخص می‌افزاید. همچنین، به کسانی که به حل مسائل می‌پردازند، کمک می‌کند در کنج‌کاوی خود برای یافتن راه‌حل ایستادگی و مداومت کنند. برای مثال بازی کودک با پدرش را تصور کنید که با جعبه‌ای مقوایی که ته آن سوراخی وجود دارد و چند شیء غلتیدنی (کروی، تخم‌مرغی شکل یا بیضی) انجام می‌شود. در این بازی، کودک کشف می‌کند چگونه با کج نگه داشتن جعبه، جسم را

در جهتی معین به حرکت درآورد تا از سوراخ جعبه عبور کند و به پایین بیفتد. همچنین، کشف می‌کند چگونه شکل یک جسم، در مسیری که آن جسم طی می‌کند، تأثیر می‌گذارد. از طرف دیگر، مسیر علمی متوجه ساختمان، مقصود و انتخاب راه و یافتن مراحل است که به حل مسئله منجر شود. علم، رفتار منظم را تقویت می‌کند، در حالی که بازی، رفتار خلاق را در شخص پرورش می‌دهد و هر دو عامل (بازی و علم) برای مشکل‌گشایی لازم و اساسی هستند (کپ، کارل، ۲۰۱۳). از طرف دیگر، مسیر علمی متوجه ساختمان مقصود و انتخاب راه و یافتن مراحل است که به حل یک مسئله منجر شود. علم، رفتار منظم را تقویت می‌کند در حالی که بازی، رفتار خلاق را در



شخص پرورش می‌دهد و هر دو عامل برای انجام یک مشکل‌گشایی مؤثر، لازم و اساسی است.

بازی و روش علمی مشکل‌گشایی

در طول بازی، کودک از دستیابی به یک سلسله تجربه لذت می‌برد. در خلال این تجربه‌ها، وی حس می‌کند، فکر می‌کند، با موفقیت و شکست و عکس‌العمل‌های سایر افراد برخورد می‌کند و با اشیا و مواد سروکار پیدا می‌کند. این‌ها تجربه‌هایی هستند که بعدها کودک می‌تواند در مشکل‌گشایی و حل مسائل به آن‌ها تکیه کند. به این جهت، ارزش اولیه‌ی بازی این است که بعدها به‌عنوان پایه و مبنایی برای اعمال مربوط به ادراک و حیطة‌ی شناختی به درد می‌خورد و مورد استفاده قرار می‌گیرد.

در مدرسه، در فضای آزاد بازی، دانش‌آموز می‌تواند فی‌البداهه و به‌طور آنی و موقت حکم و قضاوت کند، راه‌حلی را دنبال و نسبت به پیشنهادها و راه‌حل‌های گوناگون برخورد و نگرشی مثبت پیدا کند.

بازی با مشکل‌گشایی ارتباط دارد، زیرا کودک را برمی‌انگیزد اطلاعات و رفتارها را ذره ذره گرد آورد و آن‌ها را به صورتی جدید و غیرمعمول مرتب کند. به امکانات و اجزای ظاهراً غیرمرتبط و مجزا از یکدیگر توجه کند و برانگیزنده‌ی خویش، خودکار و خودجوش بار آید. در همان حال، بازی به مرور ترس از شکست را در کودک کم می‌کند و احساس دستپاچگی و ناتوانی و ناامیدی را در وی کاهش می‌دهد.

بازی کودک صرفاً بازی نیست

بازی به روان شدن و باز شدن فکر و پرورش و بسط قابلیت انعطاف کودکان در حل مسائل و انگیزش آنان کمک می‌کند. این‌ها مهارت‌ها و نگرش‌هایی هستند که برای حل مسائل علمی لازم‌اند. توانایی فکر کردن و به وجود آوردن راه‌حل‌های متعدد یا به عبارت دیگر خطوط کردن راه‌حل‌های بسیار به مخیله‌ی شخص،

برانگیخته شدن یا انگیزش

دانش‌آموزانی که در بازی‌های گروهی شرکت می‌کنند، از خود منش یا ویژگی‌هایی بروز می‌دهند که نشانه‌ی نگرش مثبت به سمت یادگیری است؛ مثل: شوق و اشتیاق به کار؛ علاقمندی و خودانگیزی در کار؛ خودرهبری؛ بی‌نیازی نسبی از راهنمایی بزرگسالان؛ ابتکار و قوه‌ی تخیل قوی و فکر خلاق و زیا.

برانگیخته شدن (انگیزش) یک الزام عادی و عمومی است. با آنکه بازی به رشد و بسط مهارت‌های مسئله‌گشایی کمک می‌کند، در سال‌های اولیه‌ی مدرسه تأثیر به‌خصوصی دارد. از این جهت، این سنین ممکن است زمانی مناسب و ایده‌آل برای تلفیق و جای دادن بازی در درس‌های علوم و ریاضی باشد.

بازی مؤثر و هیجان‌انگیز

بعضی از انواع بازی‌ها در پرورش توانایی‌های کودک در زمینه‌ی مهارت‌های مشکل‌گشایی از سایر بازی‌ها مؤثرتر و هیجان‌انگیزترند. بازی وانمودسازی با اشیا و موضوعات، کنش‌ها و رفتارها یا شرایط و موقعیت‌ها، از آن نوع است. لازم است معلمان دانش‌آموزان را به بازی‌های پرحاصل و مفیدتری راهنمایی کنند. معلمان هم به اندازه‌ی کودکان نیاز دارند بازی‌های پربار و ثمربخش را فرا گیرند؛

اصطلاحاً «حضور ذهن یا فکر و طبع روان» نامیده می‌شود. بازی، مخصوصاً بازی‌های وانمودسازی و شبیه‌سازی، تعداد راه‌حلی‌هایی را که دانش‌آموزان ابداع می‌کنند، افزایش می‌دهد. این افزایش از طریق ممارست در انطباق راه‌حل‌ها، تشخیص راهنما و کلید راه‌حل‌ها انجام می‌شود. دانش‌آموزانی که این مهارت‌ها را دارند، نه فقط فکر بازتر، روان‌تر و روشن‌تری دارند، بلکه با نرمی و انعطاف بیشتری در زمینه‌ی مشکل‌گشایی به یافتن راه‌های علمی حل مسائل و مشکلات دسترسی و توفیق می‌یابند.

قابلیت انعطاف داشتن در مشکل‌گشایی و حل مسائل

دانش‌آموزی که می‌تواند راه‌حل‌ها و روش‌های متعددی را به فکر خود ابداع کند، قابلیت انعطاف دارد. دانش‌آموزانی که بازی‌های آزادی را که از روی مهارت تنظیم یافته‌اند، بازی کرده‌اند، در جست‌وجوی خود برای یافتن راه‌حل، راه‌های قابل انعطاف را به کار می‌برند، در حالی که دانش‌آموزانی که تجربه‌ی اندکی در بازی دارند یا تجربه‌ی آن‌ها بیشتر در بازی‌های قالبی و در بازی‌هایی است که جواب‌ها و راه‌حل‌های آن‌ها از پیش داده شده‌اند، راه‌های بسته و غیرقابل انعطاف‌تری را به کار می‌برند.



عدد چهار را کجا می‌خواهید بچسبانید؟ بگذارید دانش‌آموز به چسباندن اعداد روی درخت ادامه دهد تا وقتی راضی شود که درخت به اندازه‌ی کافی از عدد پر شده‌است. **نکته:** این تصویر را می‌توانید به دیوار بزنید. در آینده فرصت‌های مناسبی برای صحبت کردن در مورد اعداد فراهم کنید. منظور اصلی از این تصاویر، عادت دادن دانش‌آموز به دیدن شکل اعداد و شنیدن نام آن‌هاست.

قدم‌های بزرگ

هدف: گوش دادن، شمارش، دنبال کردن جهت‌ها.

اعداد و مفاهیم مورد استفاده: ۱، ۲، ۳ و... بزرگ و کوچک.

نکته: این بازی با چهار دانش‌آموز یا بیشتر انجام می‌شود.

سرگروه در انتهای اتاق می‌ایستد. بقیه‌ی دانش‌آموزان در طرف دیگر می‌ایستند.

هدف بازی گام برداشتن به اندازه‌ی کافی، برای رسیدن به سرگروه، است.

اولین دانش‌آموز به سرگروه می‌گوید: «می‌توانم یک، دو یا سه قدم بزرگ بردارم؟» سرگروه جواب می‌دهد: «بله، می‌توانی» یا «نه، نمی‌توانی، باید یک قدم کوچک برداری.» یا پاسخ‌های مشابه.

دانش‌آموز به همان اندازه‌ای که سرگروه گفته است، قدم کوچک یا قدم بزرگ برمی‌دارد. دانش‌آموز بعدی نیز همین کار را تکرار می‌کند. بازی تا زمانی که یک دانش‌آموز به سرگروه برسد ادامه می‌یابد. او برنده است و می‌تواند سرگروه جدید باشد.

دانش غیر ریاضی استفاده می‌کنند. معلم می‌تواند به‌طور چشمگیری برای کمک به پرورش نظریه‌پردازی‌های خلاقانه‌ی ریاضی کودک پیش‌دبستانی تا رسیدن او به سطح شخصی از آگاهی، برای فراگیری، فهم مسائل مهم ریاضی و پرورش دایره‌ی لغاتش در ریاضی، برنامه‌های مناسبی تهیه کند (Clemento, 2004).

در اینجا نمونه‌هایی از این بازی‌ها معرفی می‌شوند.

۱. درخت اعداد

مواد لازم: کاغذ رسم، قیچی، چسب، کاغذ سفید، مداد، مدارنگی یا ماژیک.

طرز ساخت: چندین بار اعداد ۱ تا ۹ را روی کاغذ رنگی بکشید و آن‌ها را قیچی کنید. برای راحت‌تر چسباندن، اشکال باید به اندازه‌ی کافی بزرگ باشند.

هدف: آشنا شدن با اعداد.

اعداد مورد استفاده: ۱، ۲، ۳ و غیره. به دانش‌آموزان بگویید: «بیا یک

درخت عدد بسازیم. اول تنه و شاخه‌های درخت را رسم می‌کنیم.»

به کودک نشان دهید چگونه باید این کار را انجام دهد.

بگویید: «حالا که ما تنه و شاخه‌های درخت را داریم، می‌توانیم اعداد را روی آن بگذاریم.»

اعداد رنگی را در مقابل دانش‌آموز روی میز بکشید. به دانش‌آموز نشان دهید چگونه باید چسب را روی یک عدد بمالد

و آن را روی شاخه‌ی درخت قرار دهد. در حال انجام کار و چسب زدن، درباره‌ی اعداد صحبت کنید و عدد مورد نظر را بخوانید.

برای مثال: دوست دارید اول چه عددی را بچسبانیم؟ این یکی؟ آن عدد چهار است.

گرچه نقش معلم بیشتر راهنمایی است تا بازی‌کنندگی. اگر معلم با صرف وقت یاد بگیرند خود مشاهده‌کنندگانی دقیق و حساس و رهبرانی ماهر باشند، آن‌گاه می‌تواند کودکان را تشویق کند مهارت‌ها و نگرش‌هایی را که از طریق بازی کسب می‌کنند، به مخزن مجموعه مهارت‌های مشکل‌گشایی خویش انتقال دهند.

با عنایت به آنچه در زمینه‌ی ویژگی‌های بازی‌های آموزشی ذکر شد، دانش‌آموزان می‌توانند هر روز از طریق

بازی، مطالب جدیدی را در زمینه‌های گوناگون به‌خصوص ریاضی، یاد بگیرند

و تجربه کنند. نکته‌ی مهم آن است که با برنامه‌ریزی نظام‌مند، این تجربیات با

مفاهیم موضوع درسی و تدریس ادغام شوند. برای مثال، کودکان خردسال با

مقایسه‌ی اشیاء و پیدا کردن اینکه آیا یک شیء، بزرگ‌تر، یا کوچک، یا کوتاه‌تر،

از شیء دیگر است، مقدار و اندازه را یاد می‌گیرند.

فعالیت‌های ریاضی کودک با اشیاء، طرح‌های ذهنی او را در رابطه با احکام

ریاضی گسترش می‌دهد و به کشفیاتی منجر می‌شود که او را به سمت ساخت و

ابداع دانش ریاضی رهنمون می‌کند (Spodek & Saracho, 1994).

کودک از مرحله‌ی درک و فهم به استفاده‌ی صریح ریاضی در بازی سوق داده می‌شود. یعنی

از آنچه باور دارد، به‌سوی آنچه دانش اصلی ریاضی است گذر می‌کند. کودک قبل از

ورود به مدرسه، توانایی‌های آشکاری در شمارش اعداد و هندسه دارد که شامل

ساخت اشکال می‌شود. آن‌ها از نظریه‌های ریاضی در زندگی روزانه‌شان برای پرورش

منابع

۱. ژان پیازه. بازی، رؤیا و تقلید در دانش‌آموز. نور تون. نیویورک. ۱۹۶۲.
2. Aldridge, S, & Badham, V. (1993). Beyond just a game. Pamphlet Number 21. Primary Mathematics Association.
3. Davies, B. (1995). The role of games in mathematics. Square One. Vol.5. No. 2
4. Gough, J. (1999). Playing mathematical games: When is a game not a game? Australian Primary Mathematics Classroom. Vol 4. No. 2
5. Oldfield, B. (1991). Games in the learning of mathematics. Mathematics in Schools. January
6. Dennis M. Adams, Simulation Games: An Approach to Learning (Worthington, Ohio: Charles A. Jones Publishing Company, 1973).



خانم کفش ندارد

تبار که رجبی

«چرا این حرف را به خانم گفتم! شاید ناراحت شود؟»
من گفتم: نه عزیزم، چرا باید ناراحت شوم؟
مجتبی گفت: «من می‌خواهم روز سه‌شنبه به مشهد بروم. از آنجا
برایتان به‌عنوان سوغاتی کفش می‌آورم. شماره‌ی پای شما چند است؟»
محمد هم گفت: «من می‌خواهم تعطیلات عید به کردستان بروم،
خانم شماره‌ی پای شما چند است برایتان کفش و چادر سوغاتی
بیاوریم؟»
من که قضیه را فهمیدم، برای دانش‌آموزانم جریان کفش‌های
طبی‌ام را تعریف کردم و گفتم: «تمی توانم کفشی به غیر از این‌ها
بپوشم. این باعث شده است که شما فکر کنید من چند سال است از
یک جفت کفش استفاده می‌کنم.»
بچه‌ها با تعجب دوباره به کفش‌های من نگاه کردند. تازه متوجه
شدند معلمشان از کفش‌های کهنه استفاده نمی‌کند.
هر وقت یاد محبت پاک و صادقانه‌ی دانش‌آموزانم می‌افتم، برای
مدتی چشمانم پر از اشک شوق می‌شود.

یکی از روزهای خدمتم، در دفتر مدرسه نشسته بودم. قبل از شروع
کلاس، بابک به دفتر آمد و گفت: «اجازه خانم، می‌شه کمی زودتر به
کلاس بیایید». تعجب کردم و نگران شدم نکند برای بچه‌ها اتفاقی
افتاده باشد! به سمت کلاس رفتم. به محض ورودم سر و صدای
بچه‌ها بلند شد. با دیدن برق شور و شوق شادی در چشمانشان
نگران‌ام به حسی لبریز از آرامش و خوشحالی بدل شد. دانش‌آموزان
با گفتن مبارک مبارک، شادی می‌کردند. حسین با لوح تقدیری
که به‌نظر می‌آمد خودش با دست‌های کوچکشان تزئین کرده
بودند، روبه‌رویم ایستاده بود. در میان سروصدای بچه‌ها گفت: این
لوح از طرف کلاس به خاطر زحمات بی‌دریغ و دلسوزانه‌ی شما و
ساعت‌هایی که از وقت استراحت خودتان زده‌اید و برای ما کلاس
جبرانی ریاضی گذاشته‌اید، تقدیم شما می‌شود.

ساعت بعد متوجه شدم سعید با لقمه‌ای در دست به زیر نیمکت
رفته است. از او پرسیدم چه کار می‌کنی؟ بدون آنکه جواب مرا بدهد،
از زیر نیمکت بیرون آمد و گفت: «هیچی خانم.»
علی که در طرف دیگر کلاس مشغول صحبت با دیگر بچه‌ها بود،
گفت: «خانم، آن‌ها می‌خواهند برای شما کفش بخرند.» با تعجب و
خنده پرسیدم کفش؟! سعید با لحن کودکانه گفت: «خانم، شما همه
چیز دارید اما کفش ندارید.» خنده‌ام گرفت. مجتبی به سعید گفت:

نوآوری از طریق آموزش غیرمستقیم و مهارتی

صحبت با شادی جمشیدی

مترجم کتاب‌های نوآوری آموزشی در اندونزی و کره

به کوشش دکتر ابوالفضل بختیاری
عکاس: اعظم لاریجانی

چه شد در زمینه‌ی فعالیت‌های نوآوری آموزشی دست به مطالعه و ترجمه زدید؟

چند سال پیش نسخه‌ای الکترونیکی از مجله‌ی پیام یونسکو را به زبان فرانسه دیدم و شروع به ترجمه‌ی آن کردم. همکاری‌ام ادامه یافت تا به مجموعه‌ای ۴۴ جلدی برخوردیم که مرکز «پژوهش‌های بین‌المللی آموزش و نوآوری آموزش یونسکو» آن را چاپ کرده بود. دو مورد را که مربوط به اندونزی و کره بودند، انتخاب کردم. نمونه‌ی اندونزی به شرایط کشور ما نزدیک‌تر و برایم جالب توجه بود. به این موضوع پی بردم که مشکلات آموزشی اندونزی مشکل بسیاری از کشورهای آسیایی است، اما راه‌حل‌های ارائه شده ممکن است با شیوه‌های دیگر کشورها متفاوت باشد.

اصل این کتاب که اداره‌ی توسعه‌ی آموزش وزارت آموزش و فرهنگ جاکارتا آن را به چاپ رسانده است، شامل چهار بخش اصلی است: ۱. نوآوری در زمینه‌ی برنامه‌ریزی، توسعه و ارزیابی آموزش؛ ۲. نوآوری در آموزش ابتدایی و متوسطه؛ ۳. نوآوری در آموزش غیررسمی؛ ۴. نوآوری‌های دیگر. در بخش اول درباره‌ی نوآوری در زمینه‌ی برنامه‌ریزی، توسعه و ارزیابی آموزشی و فعالیت‌های انجام شده در این زمینه، توضیحاتی داده می‌شود و همچنین درباره‌ی تحقیقاتی که درباره‌ی نیروی انسانی (آموزگاران و کادر آموزشی)، تقاضا برای آموزش (دانش‌آموزان)، مسائل مالی آموزش، مدیریت، تأسیسات، تجهیزات، روش‌های یادگیری و آموزش انجام شده است، مواردی بیان می‌شود.

رویکرد برنامه‌ریزی آموزشی در اندونزی به چه شکلی بوده است؟

کتاب می‌گوید، شرایط توسعه و مدیریت آموزش در اندونزی از این قرار است که تصمیمات مطابق با نیازها اخذ می‌شوند و

اشاره

حتی اذهان عمومی نیز اهمیت آموزش‌های مهارتی را تأیید می‌کنند و آن را در کنار آموزش‌های رسمی ضروری می‌دانند. در دو شماره از مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی، به «نقش افسانه و اسطوره در آموزش» و «کلاس‌های شناور» پرداختیم.

در مجموعه مقالات نوآوری در آموزش، تأکید ما بر افزایش همدلی و برخورداری از توان حل مسائل اجتماعی بود که به‌طور غیرمستقیم دانش‌آموزان و فراگیرندگان را با پیوند گروهی، روح خلاقیت و آثار عملی گفت‌وگو در زمینه‌ی نوآوری آشنا می‌ساخت.

در این شماره، طی گفت‌وگویی، با تجربه‌ی نوآوری آموزشی اندونزی از زبان یک مترجم روبه‌رو می‌شویم. شادی جمشیدی در سال ۱۳۹۴، متن مطالعه‌ای از «مرکز آسیایی نوآوری‌های آموزشی برای توسعه» مربوط به انتشارات یونسکو را درباره‌ی فعالیت نوآوری آموزشی اندونزی ترجمه کرده و به چاپ رسانده است. به گفته‌ی مترجم، هدف از این مطالعه احیای موضوع اقتصاد بوده است و اینکه اصلاحاتی در زمینه‌ی آموزش ایجاد کند. از جایی که وضعیت اقتصادی اندونزی به ایران نزدیک‌تر است، نظر تان را به پاسخ‌های شادی جمشیدی در این زمینه جلب می‌کنیم.

خانم جمشیدی فعالیت‌های شما در چه زمینه‌هایی است؟

من به زبان فرانسه آشنا هستم و در زمینه‌ی ترجمه‌ی کتاب و مقاله از فرانسه به فارسی و بیشتر با موضوع‌های فرهنگی فعالیت می‌کنم. ترجمه‌هایم در روزنامه‌ها و البته در مجلات خاص کودک و نوجوان یا خانواده چاپ می‌شود.

بدون ارزیابی شرایط واقعی و در نظر گرفتن نتایج یا تأثیرات ثانویه‌ی این تصمیمات، اجرای نظام آموزشی به صورت سطحی و بدون تفکر درباره‌ی آینده انجام می‌شود و این وضعیت، نیروهایی را که در جریان کار هستند آزاد می‌گذارد. به‌طور کلی، به‌هیچ‌وجه رویکردی یکپارچه و منسجم و با هدف توسعه و بهبود در نظام آموزشی در کل مجموعه‌ی آن، چه در مدت متوسط معمولی و چه در طولانی مدت، وجود ندارد.

از نوآوری‌ها در آموزش غیررسمی صحبت شد. این آموزش‌ها به چه صورت در این کشور انجام شدند؟

هنگام مطالعه‌ی این کتاب، بخش نوآوری‌های غیررسمی توجه مرا خیلی جلب کرد. شاید بتوانم بگویم که انگیزه‌ی اصلی برای ترجمه و چاپ این کتاب، هنگام مطالعه‌ی بخش آموزش غیررسمی در من ایجاد شد، چرا که به نظرم آمد برای کشور ما و مناطق دور از مرکز می‌تواند بسیار مفید باشد. شاید بتوان از این بخش برای آموزش در مناطق کمتر برخوردار استفاده کرد. در این بخش چنین می‌خوانیم:

با وجود گوناگونی در مذاهب و گروه‌های فرهنگی و زبانی، کشور اندونزی به سنت بسیار ریشه‌دار خود، یعنی «مشارکت متقابل»، وفادار مانده است؛ سنتی که به روشی بسیار تأثیرگذار در سطح ملی عمل می‌کند و به نیازهای گروه‌های محلی (شهرستان‌ها و روستاها) پاسخگوست. این سنت در نوآوری‌های آموزش نقش‌های مهمی را ایفا کرده است.

صدها هزار داوطلب که بسیاری از آن‌ها خودشان به سختی باسواد بودند، استخدام شدند و با استفاده از دوره‌های سریع آموزش دیدند و به روستاها فرستاده شدند تا در آنجا خواندن و نوشتن را آموزش دهند. چون این آموزگاران داوطلب هیچ



حقوقی برای کار خود دریافت نمی‌کردند، روستاییان غذا و مسکن آنان را تأمین می‌کردند. مردم خودشان پول لازم برای تهیه‌ی لوازم آموزشی اولیه را جمع‌آوری می‌کردند.

آیا توضیح بیشتری درباره‌ی آموزش غیررسمی و مثلاً همکاری میان مدرسه و مردم در این پروژه می‌دهید؟

این پروژه در نوع خود بی‌نظیر است و بخشی از پیچیده‌ترین مشکلی را که تقریباً همه‌ی کشورهای در حال توسعه با آن روبه‌رو هستند حل می‌کند. مسئله این بود که «چگونه یک نظام آموزش روستایی برقرار سازیم که نه تنها بچه‌ها را از زمین دور نکند، بلکه برعکس آن‌ها را تشویق کند که در منطقه‌ی خود باقی بمانند؛ مناطقی که اکثریت این بچه‌ها به آن‌ها تعلق دارند و زندگی در آن جزو سرنوشته‌شان است.»

نیروی محرکه‌ی این پروژه «بویاتی» است. بویاتی رئیس «رژانس» است. رژانس بخشی از دولت در روستاهاست که مستقیماً زیر نظر شهرستان قرار دارد. بویاتی راه‌هایی را می‌شناخت که از طریق آن، بزرگان روستاها، تعاونی‌ها، جنبش پیشاهنگی، کشاورزان، معلمان و کارمندان اداره‌ی کشاورزی را به پیوستگی با یکدیگر هدایت می‌کرد تا بتوانند سطح زندگی را بهبود بخشند و همچنین تجربه‌ای موفق در زمینه‌ی آموزش‌های کشاورزی کسب کنند.

بویاتی روستا را به عنوان واحد پایه‌ی طرح خود در نظر می‌گیرد. به‌طور سنتی، روستا به تنهایی پر تحرک و فعال نیست و پایگاه اقتصادی آن نیز خیلی بالا نیست، اما هر نظامی که بر چنین پایه‌ای بنا نهاده شود که هم‌زمان بتواند کشاورزان را متقاعد کند که این امکان وجود دارد که تولید کشاورزی افزایش یابد، بر پایه‌ی محکمی استوار است و چنین است که مشارکت روستاییان درست در قلب پروژه قرار دارد.

در نظام آموزش و پرورش اندونزی، آموختن مهارت‌های مهم، زندگی است. مدرسه فقط جایی برای آموزش‌های رسمی ادبیات، علوم و حساب نیست، بلکه آموزش‌های غیررسمی نیز در آن باید انجام شود. برای اینکه در مناطق کمتر برخوردار مانند برخی روستاها، دانش‌آموزان به دلایل اقتصادی روستا و آموختن را رها نکنند، گروه‌هایی تشکیل شده‌اند تا به امر آموزش غیررسمی بپردازند. این اقدام به‌منظور توسعه‌ی اقتصادی روستاست و سن و سال را عامل بازدارنده نمی‌داند و به همدلی و توانمندسازی روستاییان می‌اندیشد. آن‌ها می‌گویند بچه‌ها از زمین دور نشوند.

در لباس ماه



عبدالعظیم صاعدی

جشن تکلیف هر نوه‌ای کاش
باشم و پیشکش کنم ایبات
گر نبودم به من ببخشایید
کار دنیاست مات کردن، مات

حال برگ و گل و درخت و هوا
مثل حال تو روبه‌راه شده
نوهی من ستاره بود اما
در لباس حجاب ماه شده!

بعد از امروز در دلت نوری است
نور ایمان و آرزوهایت
می‌شود از دعای «مادر» تو
غرق لبخند شوق دنیایت

وقتی از اهل روزگار، شدی
خسته و سرشکسته و مأیوس
با امید دوباره‌ای برگرد
دست‌های «پدر» بگیر و ببوس!

یاد تو می‌کنم، اگر هر وقت
به گذشت زمان نگاه کنم
حال من خوب می‌شود وقتی
که نمازت ز جان نگاه کنم

دختر نازنین من! باشی
تا ابد در پناه لطف خدا
با دعایم تو را ستایش جان!
می‌سپارم به حضرت زهرا.

«جشن تکلیف» تو مبارک‌باد...
دختر نازنین، ستایش جان!
می‌نویسد پدر بزرگت باز...
نامه‌ای، نامه را بگیر و بخوان

وقت سرگرمی عروسک رفت
گرچه دنیا عروسکی پیراست
سعی کن! سعی! تا به دست آری
و نگرایی به هر «هدف» دیر است

هر چه گفتند یا که خواندی تو
فکر کن اول و سپس باور
گره‌ای گر کسی به کارت زد
عقل را، عقل را به یاد آور

دخترم! در مسیر زندگیا
با کلامی دل کسی مخراش
گر که قلبت گرفت از غم
با «دعا» زندگی کن و خوش باش!

بعد از این عهد با «خدا» بستی
عشق خود را به قلب تو پیوست
یاد تو باشد این که از «امروز»
کودک روز پیش «خانم» است!



آبروداری دانیال



معصومه ارندان

آموزگار دبستان آزادی قدس، منطقه‌ی ۱۸ تهران

آن روز دانیال توی کلاس خیلی شلوغ می‌کرد. اصلاً آرام و قرار نداشت. همه‌اش مزه می‌پراند و بچه‌ها را می‌خنداند. هر از گاهی هم می‌رفت زیر میز و بلند می‌شد. خانم معلم که دیگر اعصابش به هم ریخته بود، گفت: این دفعه اگر حرف برنی و حواس بچه‌ها را پرت کنی، از کلاس اخراج می‌شوی. ولی مگر حرف در سر او می‌رفت! تا اینکه کاسه‌ی صبر خانم معلم لبریز شد و مجبور شد از کلاس بیرونش کند. دانیال بیرون کلاس با مداد کوچکی که کنار دیوار افتاده بود، خیلی ریز روی دیوار نوشت «خانم دوستت دارم». آقای مدیر از گوشه‌ی سالن متوجه حرکت دانیال شد. و بلافاصله به سمت کلاسشان رفت و از خانم خواست دانیال را به کلاس راه دهد. خانم هم پذیرفت. بعد از رفتن آقای مدیر، معلم نوشته‌ی روی دیوار را خواند، ولی معنی این دوست داشتن و شلوغی را نمی‌فهمید.

چند دقیقه بعد، تا دانیال خواست شلوغی را شروع کند، معلم دستش را گرفت و فشرد. ناگهان دانیال تکه کاغذی از دفترش پاره کرد و داد به معلم. خانم معلم عادت داشت وقتی پشت میز می‌نشیند، پایش را از کفش دریاورد و هر وقت می‌خواست بلند شود، دنبال کفش‌هایش می‌گشت. او بعد از خواندن یادداشت دانیال، نگاه تیزی به پایش انداخت و سرش را پایین برد و تکانی داد و با احتیاط کفش‌هایش را پوشید. حالا خانم معلم فهمیده بود چرا وقتی پشت میز می‌نشیند، دانیال شروع به شلوغ کردن می‌کند. او دائماً می‌خواست حواس بچه‌ها را پرت کند. دانیال در یادداشتش نوشته بود: جورابتان پاره است و شصت پایتان زده است بیرون. نمی‌خواهم کسی ببیند و مسخره کند.

○ از هنگامی که نامه‌ی پرمهر یک پدربزرگ و البته شاعر بنام عبدالعظیم صاعدی به دست ما رسید، دیدیم ای دل غافل، ما گروهی خواننده و مخاطب پروپاقرص داشته‌ایم که آن‌ها را در شمار نیاورده بودیم.

آن قدر مسائل کاری و حرفه‌ای مجله ما را به خود مشغول کرده بود که تصور می‌شد این رسانه‌ی مکتوب، برای مثال نمی‌تواند پدربزرگ و مادر بزرگ‌های عزیزتر از جان را به خود جلب کند؛ بزرگانی که همیشه و همه جا به سان چراغی می‌درخشند و راهنما و برکت ما و زندگی‌مان هستند.

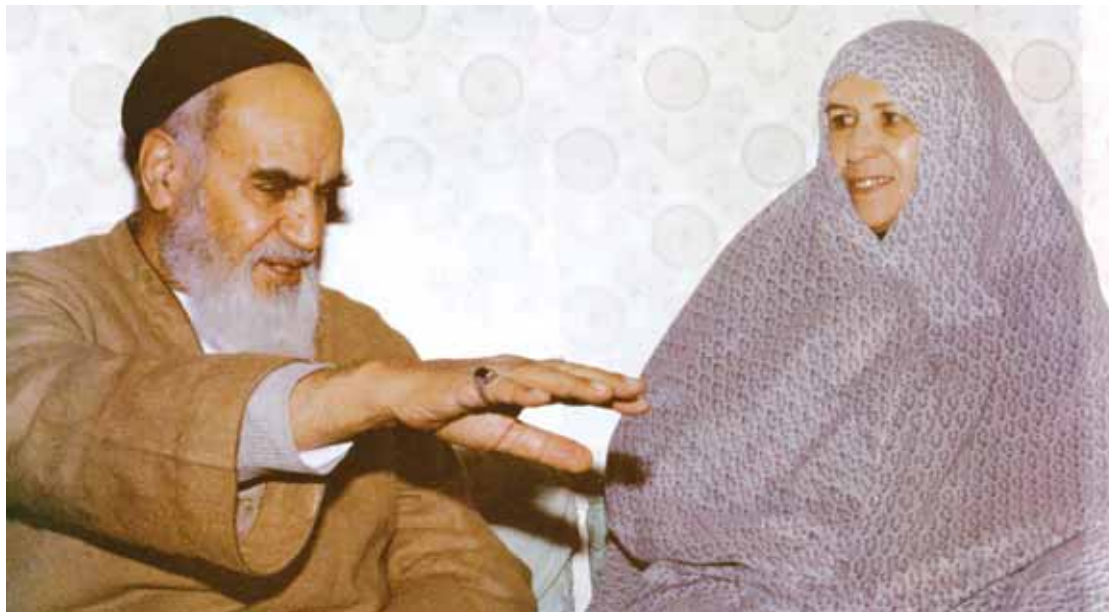
حتماً یادتان می‌آید که در شماره‌ی اسفند سال ۹۵-۹۴، یادداشت یک آموزگار را درباره‌ی دانش‌آموزش منعکس کردیم که به نکته‌ای حس برانگیز اشاره کرده بود! به پرواز آسمانی پدربزرگ در سرزمین امن وحی و اینکه حضور آن‌ها همیشه حس می‌شود و دوری‌شان تحمل کردنی نیست. و حالا یک پدربزرگ با ذوق درباره‌ی موضوعی شعر نوشته که فکر می‌کنم کمتر به ذهن ما خطور کرده است. اهمیت وجودی نوه‌ها و اهمیت دادن به رشد و بزرگ شدن آن‌ها. و اینکه این آینده‌سازان کشور، به ویژه اگر دختر باشند، چه شیرینی و چه نقشی در زندگی خانواده‌های خود دارند.

پدربزرگ نوه‌اش را مانند فرزند خود و بیش از آن دوست دارد. بالیدن او را می‌بیند و به خود می‌بالد. بال می‌کشاید و به بزرگداشت نوه‌اش «ستایش» زبان می‌کشاید که به سن تکلیف و جشن عهد بستن با خالق خود رسیده است.

اینجا صحبت از رشد و عهد و ماه و ستاره است؛ از عزیزی که بزرگ می‌شود و ستاره‌ای که در لباس نماز چون ماه می‌درخشد.

پی‌نوشت

عبدالعظیم صاعدی متولد سال ۱۳۲۴ است و بیشتر در حوزه‌ی ادبیات دینی شعر می‌سراید. از آثار اوست: مجموعه شعر «سلام بر بعثت»، «فتحه‌های سجود»، «کلید هفت آسمان» و «ارتقا بیدار عشق» و مجموعه شعر نیایش‌های کوتاه با عنوان «شاهنامه‌ی عبودیت» از انتشارات هنر رسانه‌ی اردی‌بهشت.



هدیه‌ی روز زن

۴ اردیبهشت (سال ۶۰) که مصادف بود با ۱۹ جمادی‌الثانی، امام خمینی طی پیامی به ملت ایران و سایر مسلمین جهان، سالروز تولد حضرت فاطمه (س) را که روز بعد یعنی ۲۰ جمادی‌الثانی بود، تبریک گفت. شاید عامداً یک روز زودتر پیام دادند تا مردم یادشان باشد که برای همسران و مادران خود هدیه تهیه کنند. اگر چه جنگ در جریان بود، اما در این سال گل‌فروشی‌ها و کادوفروشی‌ها خیلی پررونق شد. نمی‌دانیم آقا برای خانم هم هدیه‌ای تهیه دیده بود یا نه، اما دو بسته صدف‌تایی اسکناس ۵۰ تومانی به خانم داد تا کسانی که به دیدار ایشان می‌آیند، خانم نیز به آن‌ها عیدی بدهد. جالب آنکه خانم در این سال یک شیشه ادکلن به‌عنوان هدیه برای آقا تهیه دیده بود. شاید همه‌ی نوه‌ها نمی‌دانستند که مناسبت تهیه‌ی این هدیه چیست. خانم مجبور شد توضیح دهد که تولد آقا به تاریخ قمری در ۲۰ جمادی‌الثانی سال ۱۳۲۰، یعنی در سالروز تولد حضرت صدیقه‌ی کبری (س) است. اما هنگام هدیه دادن که نزدیک نماز ظهر بود، خانم آن را به دست دکتر بروجرودی داد که تقدیم آقا کند. تحلیل دکتر بروجرودی این بود که خانم می‌دانست آقا در هدیه گرفتن خیلی خجالتی است و اگر خانم بخواهد آن را جلوی بچه‌ها به آقا هدیه بدهد، آقا باید رفتاری عاطفی‌تر و بیش از یک تشکر ساده از خود بروز دهد که طبیعتاً نمی‌تواند. لذا آقای بروجرودی اول دست آقا را بوسید و هدیه را در دست ایشان گذاشت و سپس آقا صورت او را بوسید. یکی از نوه‌ها گفت: «امروز روز زن است، آقا باید به خانم هدیه بدهد، نه بالعکس. خانم گفت: علاوه بر اینکه امروز روز تولد آقا هم هست، آقا اولین روحانی است که زنان را به صحنه آورده و ارزش و مقام زن را خوب می‌شناسد. تمام زنان ایران باید به ایشان هدیه بدهند که آقا آن‌ها را رهبران نهضت می‌داند.» (قادری، ۱۳۹۴: ۴۰۰ - ۳۹۹).

منابع

۱. علی داستانی بیرگی، علی ثقفی. بانوی انقلاب. مؤسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س). تهران چاپ اول، ۱۳۹۴.
۲. سید علی قادری، یک قرن زندگی پرماجرا. جلد دوم. مؤسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س). تهران. چاپ اول، ۱۳۹۴.

هدیه‌ی روز زن

تقدیم به تمام مادران و زنان آموزگار

زهره پیرهادی

بی‌شک ارزش و جایگاه والای زنان و مادران در جامعه‌ی ما شناخته شده است. از همین رو مطالعه‌ی منش، زندگی و خاطرات آنان نیز می‌تواند شیرین و نافذ باشد.

یکی از این زنان اثرگذار خانم **خدیجه ثقفی** (قدس ایران)، همسر گرامی امام خمینی (ره)، بود.

به اذعان حضرت امام و وابستگان، خانم ثقفی در زندگی و مبارزات امام و تربیت فرزندان و ارتباط با اطرافیان نقش بسیار سازنده و کارآمدی داشت. «ایشان علاوه بر این که در خصوصیات فردی و آراستگی به فضایل و کمالات نمونه بود، در برخورداری از آگاهی‌های اجتماعی و شناخت زمانه‌ی خویش نیز از نوادر روزگار به شمار می‌رفت» (داستانی بیرگی و ثقفی، ۱۳۹۴: ص الف).

جا دارد یکی از نمونه رفتارهای خانم ثقفی را به نقل از کتاب «یک قرن زندگی پرماجرا» و در ارتباط با «هدیه‌ی روز زن» بخوانید.

تقویت املا در پایه‌ی اول

جمال کیانی

دبستان انقلاب اسلامی روستای گاگل، مریوان

ف



د



ح

درس املا، دانش‌آموزان پایه‌ی اول مشغول تمرین و کلمه‌سازی شوند و آموزگار فعالیت آموزشی پایه‌ی دیگر را دنبال کند. همچنین، می‌توان از این فعالیت به‌عنوان مسابقه و سرگرمی در فصل زمستان و در ساعت ورزش که دانش‌آموزان به علت برودت هوا و یخبندان نمی‌توانند در حیاط مدرسه فعالیت ورزشی داشته باشند، برای کلمه‌سازی و جمله‌سازی استفاده کرد. این فعالیت که با شور و شوق ویژه‌ای همراه است، سبب می‌شود دانش‌آموزان با دقت بیشتری به حروف و نشانه‌های الفبای فارسی نگاه کنند، شکل ظاهری و نحوه‌ی تلفظ آن‌ها را به‌خاطر بسپارند و یاد بگیرند در کلمه کدام شکل حروف و نشانه‌ی غیر آخر یا آخر حروف الفبا را به‌کار ببرند.

خوانندگان محترم مجله می‌دانند که برنامه‌ی درسی هر پایه لازم‌الاجراست، اما در منطقه‌ی ما گاهی سرما و بارندگی زمستانی موجب می‌شود نتوانیم به ورزش بپردازیم. در این هنگام، چنین فعالیت‌هایی می‌توانند کلاس را به جنب و جوش وا دارند.

یکی از اختلالاتی که در املا نویسی دانش‌آموزان به چشم می‌خورد، نشناختن صداها و مصوت‌هاست. استفاده از حروف الفبای مغناطیسی یا چسب‌دار به دانش‌آموزان و معلمان در برطرف کردن این ضعف، کمک قابل توجهی می‌کند و گنجینه‌ی لغات آنان را می‌افزاید. وسایل مورد نیاز: ۱. حروف الفبای فارسی چاپ شده؛ ۲. آهن‌ربای نازک (آهن‌ربای در یخچال)؛ ۳. چسب مایع؛ ۴. مقوا یا صفحه‌ای فلزی.

ابتدا یک یا دو مجموعه از حروف الفبای فارسی را با فونت بزرگ و مطابق رسم‌الخط فارسی چاپ کنید. سپس آن‌ها را با قیچی از هم جدا کنید و هر کدام را با چسب به مقوا بچسبانید. آهن‌رباها را قطعه‌قطعه کنید و با چسب به پشت مقواها بچسبانید. با کنار هم قرار دادن حروف می‌توان کلمات جدیدی با معانی متفاوت درست کرد. هدف از این فعالیت ترکیب درست صداها با مصوت‌ها و ساختن و قرائت کلمات جدید هر درس است. همچنین، دانش‌آموز قادر خواهد بود با کنار هم قرار دادن کلمات جمله‌های ساده بسازد. این فعالیت برای کلاس‌های چندپایه فرصت مناسبی ایجاد می‌کند که در ساعت



هدف گذاری برای سواد حرکتی

کیفیت بخشی برنامه‌ی درسی تربیت بدنی

غلامرضا سراج زاده

اشاره

تلاش برای تدوین و اجرای درس تربیت بدنی در مدارس کشور از مهم ترین و اساسی ترین مأموریت های تربیت بدنی وزارت متبوع محسوب می شود. در نظام تعلیم و تربیت کشور تدوین برنامه‌ی درسی تربیت بدنی به عهده‌ی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی و به طور مشخص واحد تربیت بدنی دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی آن سازمان، با همکاری تربیت بدنی وزارت متبوع، گذاشته شده است.

وجود برنامه‌ی درسی در کنار تأمین مؤلفه‌های در نظر گرفته شده برای اجرای آن، نه تنها برای کیفیت بخشی هر درس اهمیت بسیاری دارد، بلکه برای کیفیت هر مدرسه و نظام تعلیم و تربیت مدرسه‌ای نیز ضروری است.

همان طور که اشاره شد برای کیفیت بخشی آموزشی، علاوه بر تدوین برنامه‌ی درسی، باید مؤلفه‌های در نظر گرفته شده برای هر درس را، که معمولاً در راهنمای برنامه‌ی درسی ذکر شده است نیز تأمین کرد. تأمین مؤلفه‌های برنامه‌ی درسی به عهده‌ی بخش اجرایی تشکیلات آموزش و پرورش و برای درس تربیت بدنی، به طور مشخص بر عهده‌ی معاونت تربیت بدنی و سلامت و زیرمجموعه‌ی آن یعنی معاونت های تربیت بدنی در استان هاست. در این مقاله ضمن بررسی ملزومات کیفیت بخشی آموزشی درس تربیت بدنی در دوره‌ی ابتدایی، به توضیح شرایط استاندارد اجرای برنامه‌ی درسی خواهیم پرداخت.

کلیدواژه‌ها: کیفیت بخشی درسی

تربیت بدنی، نیروی انسانی، فضای آموزشی

ملزومات کیفیت بخشی آموزشی

راهنمای برنامه‌ی درسی

قبل از تدوین مواد آموزشی برنامه‌ی درسی، ابتدا سند مهمی به نام «راهنمای برنامه‌ی درسی» تهیه می شود که نقشه‌ی

ملاحظات اجرایی برنامه‌ی درسی

تربیت بدنی

- با توجه به ضرورت و اهمیت نقش نیروی انسانی در اجرای برنامه‌ی درسی تربیت بدنی دوره‌ی ابتدایی، لازم است معلمان واجد شرایط در برنامه‌ای پنج ساله تأمین شوند یا آموزش های تخصصی لازم را بر اساس دستورالعمل های مربوط گذرانده باشند.

- تجهیزات و وسایل مورد نیاز متناسب با استانداردهای لازم تهیه و در اختیار واحدهای آموزشی قرار گیرد.

- در طراحی و ساخت واحدهای آموزشی، فضای آموزشی مورد نیاز در نظر گرفته شود. به منظور ساده سازی مراحل اجرایی این طرح و با عنایت به این موضوع که سه پایه‌ی اول تحصیلی دوره‌ی ابتدایی تأمین کننده‌ی سواد حرکتی جامعه‌ی هدف است و نسبت به مراحل تحصیلی بعدی از شرایط استاندارد ساده تری برخوردار است، در مرحله‌ی اول، به مطالعه‌ی نیازهای این بخش از دوره‌ی ابتدایی پرداخته می شود و بدیهی است که در مراحل بعدی، به ترتیب، دوره‌های تحصیلی دیگر در اولویت قرار می گیرند.

راه و سطح استاندارد اجرایی برنامه‌ی درسی است. با نگاهی به این سند مشخص می شود که در سال های پس از تدوین و تصویب برنامه‌ی درسی، به دلیل استناد نشدن به سند مذکور، با وجود تلاش ها برای اجرای آن، فاصله‌ی معناداری بین استانداردهای تدوین شده و شرایط اجرایی فعلی به وجود آمده است.



با تعیین سهمیه‌ی استانی و دعوت برای شرکت در کلاس‌های تربیت مدرس انجام شود. مدرسان نیز در شهریور ماه و قبل از آغاز سال تحصیلی ۹۶-۹۵ باید به آموزش معلمان استان بپردازند.

ب. فضای آموزشی: در راهنمای برنامه‌ی درسی دوره‌ی ابتدایی، علاوه بر تأکید بر تأمین فضای ورزشی به عنوان یکی از اساسی‌ترین بخش‌های استانداردسازی اجرای ساعت درس تربیت‌بدنی، بر وجود فضای ورزشی به شکل زیر تأکید شده است: با توجه به وجود سه دسته حرکات غیرانتقالی، انتقالی و دست‌ورزی که در پایه‌های اول، دوم و سوم ابتدایی و همچنین بازی‌های ورزشی که به تحرک و جابه‌جایی و پرتاب و دریافت توپ و غیره نیاز دارند، تعیین تکلیف حداقل فضای آموزشی مورد نیاز درس تربیت‌بدنی به عهده‌ی مسئولان تدوین برنامه‌ی درسی و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور گذاشته شده است. این فضا پس از بحث و بررسی فراوان، فضایی سرپوشیده با متراژ ۱۸×۱۰ متر مربع و دارای یک رختکن، انبار وسایل ورزشی و دست‌شویی در یک مدرسه‌ی ۱۲ کلاسه‌ی دوره‌ی ابتدایی تعیین شده است.

در حال حاضر مدارس جدیدالتأسیس ۱۲ کلاسه باید دارای فضای ورزشی مذکور باشند، ولی سابقه‌ی موجود با واقعیت مغایرت دارد. بسیاری از مدارس برای اجرای درس تربیت‌بدنی حیاط سنتی دارند و کمتر از یک درصد از کل مدارس ابتدایی کشور سالن ورزش همجوار مدرسه دارند.

(پ) ابزارها و وسایل آموزشی: آنچه در

سایر مواد آموزشی با تربیت‌بدنی و برعکس در این بخش، در چند سال گذشته، تلاش مؤثری صورت گرفته و تعداد ۱۵۰۰۰ نیروی متخصص با اولویت جذب در دوره‌ی ابتدایی به کار گرفته شده‌اند. بدیهی است طرح حاضر در مدارسی اجرا می‌شود که معلم تربیت‌بدنی دارند.

تذکره ۱. انطباق وظایف شغلی با ارزشیابی مدیران مدارس از معلمان تربیت‌بدنی: انطباق شرایط کاری با ارزشیابی قطعاً انگیزه‌ی نیروی انسانی را برای انجام کار افزایش می‌دهد. در این مورد ضروری است که درس تربیت‌بدنی در نظام یکپارچه‌ی ارزشیابی معلمان سهم مناسبی را به خود اختصاص دهد و این درس جایگاه مناسب خود را از نقطه نظر اهمیت برای مدیران مدارس به دست آورد.

تذکره ۲. پوشیدن لباس کار: داشتن لباس کار مناسب در مشاغل عملی ضرورت به حساب می‌آید. در درس تربیت‌بدنی به معلمان توصیه می‌شود در کلاس درس با لباس ورزشی مناسب حاضر شوند تا ضمن تأمین شرایط کاری لازم، به عنوان الگویی در پوشیدن لباس ورزشی در کلاس درس تربیت‌بدنی مطرح باشند.

تذکره ۳. تربیت مدرس: با توجه به گذشت بیش از هشت سال از صدور مجوز اجرای برنامه‌ی درسی تربیت‌بدنی و وقفه‌ی حاصل در اجرای آن، برگزاری کلاس‌های توجیهی برای مدرسان و معلمان ضروری است. این کار باید در مرداد ماه سال جاری

شرایط استاندارد اجرای برنامه‌ی درسی مورد تأکید راهنمای برنامه‌ی درسی در برابر شرایط موجود و راهکارهای اجرایی (تأمین مؤلفه‌های برنامه)

الف) نیروی انسانی

در راهنمای برنامه‌ی درسی دوره‌ی ابتدایی، ویژگی‌های اختصاصی معلم تربیت‌بدنی چنین درج شده است:

۱. داشتن حداقل مدرک لیسانس

تربیت‌بدنی

تبصره: در صورت نبود لیسانس تربیت‌بدنی، به کارگیری معلم فوق‌دیپلم تربیت‌بدنی یا معلم لیسانس غیر مرتبط، با گذراندن دوره‌های تخصصی مربوط، بدون مانع است.

۲. آشنایی با محتوای برنامه‌ی درسی دوره‌ی ابتدایی

۳. نداشتن نقص عضوی که مانع از انجام وظیفه باشد.

۴. توانایی فنی لازم برای نشان دادن مهارت‌های پایه و فعالیت‌های بدنی

۵. داشتن تناسب اندام و وزن مطلوب

۶. اعتقاد به اثربخشی فعالیت‌های بدنی و آمادگی جسمانی در بهداشت و تندرستی.

۷. اعتقاد به فعالیت‌های بدنی به عنوان راهی برای ابراز وجود دانش‌آموزان، تکامل و بهبود یادگیری آن‌ها.

۸. داشتن دانش و توانایی لازم در تلفیق



سفر به اعماق زمان

دیدار از باغ‌های مینیاتوری و تاریخ طبیعی

شهلا فهیمی



اشاره

آموزگاران و پدر و مادرها می‌دانند دیدار از پارک‌ها یا بوستان‌های شهری برای دانش‌آموزان خالی از لطف نیست. هر چند با ذکر نام پارک به یاد فضای سبز، تاب و سرسره و تفریح می‌افتیم، اما امروزه استفاده‌هایی متنوع و متمایز از فضای پارک‌ها می‌شود. مانند استفاده از باغ‌موزه‌ها یا پارک‌های فناوری و پارک‌های کودک. علاوه بر جنبه‌ی تفریحی و در کنار نشاط و سرگرمی، ابعاد آموزشی نیز در بوستان‌ها مورد توجه بوده است؛ مثلاً پارک‌های مینیاتوری و تاریخ طبیعی یا ژوراسیک نیز آماده‌سازی شده‌اند.

در واقع، آشنایی با علوم و همچنین حفظ و شناسایی میراث گذشتگان به نسل بعد چنان مهم است که در این مسیر از روش‌های جذاب بهره گرفته می‌شود. یکی از این شیوه‌ها ساخت بناهای تاریخی یا اشکال سه بعدی در ابعاد کوچک و در محلی دیگر است که به معرض دید گذاشتن آن‌ها بیننده را به حیرت وا می‌دارد.

ماکت پارک‌ها

کشور ما آثار زیادی دارد که آشنایی مردم و به‌ویژه کودکان و نوجوانان با آن‌ها ضروری است.

دیدار از باغ‌موزه‌ی مینیاتور را در برنامه قرار دهید

پارک یا باغ‌موزه‌ی مینیاتور اولین پارک ماکتی کشور است که چندین اثر تاریخی کشورمان که در فهرست یونسکو به ثبت رسیده‌اند، در آن به نمایش

زیر ارائه می‌شود، حداقل نیازهای اساسی برای اجرای یک ساعت برنامه‌ی درسی تربیت‌بدنی در دبستان است. مقدار و تنوع وسایل به تعداد نفرات کلاس بستگی دارد:

- توپ مینی بسکتبال استاندارد و لاستیکی؛
- توپ مینی والیبال استاندارد و لاستیکی؛ ● توپ مینی هندبال استاندارد و لاستیکی؛ ● توپ تنیس؛
- توپ فوتبال؛ ● توپ لاستیکی در اندازه‌های متفاوت؛ ● طناب انفرادی بلند در اندازه‌های ۱۹۰، ۲۲۰، ۲۵۰ سانتی‌متر؛ ● طناب بلند در اندازه‌های ۳۸۰، ۴۶۰، ۵۴۰، ۷۲۰ سانتی‌متر؛ ● کش به طول ۱۱۰ سانتی‌متر؛ ● طناب سقفی؛ ● انواع راکت ورزشی؛ ● انواع تور؛ ● انواع سبد؛ ● کیسه‌های لوبیای ۱۵×۱۵ و تعدادی تابلو برای هدف‌گیری (می‌توان داخل کیسه را از شن پر کرد)؛ ● چوب در اندازه‌های ۹۰ سانتی‌متری و چوب امدادی؛ ● حلقه‌های هولاهوپ؛ ● جعبه‌ی ابزار؛ ● مانع ۳۵، ۴۵، ۵۰ سانتی‌متری؛ ● جعبه‌ی چرخ‌دار برای حمل و نقل وسایل ورزشی؛ ● تشک ژیمناستیک ۱۰۰×۱۰۰ سانتی‌متر.

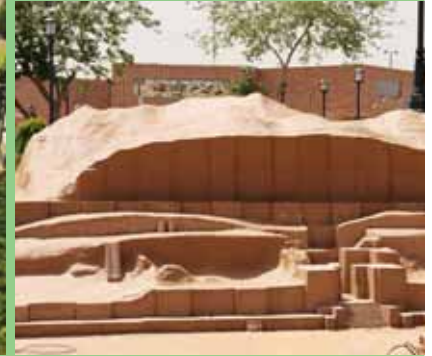
تذکر: تهیه‌ی بسیاری از وسایل فوق با استفاده از وسایل معمولی و بقایای وسایل مصرف شده نیز امکان‌پذیر است و طرز تهیه‌ی آن‌ها از مواد قابل بازیافت و بدون استفاده آموزش داده می‌شود. اصولاً در برنامه‌ی درسی سه پایه‌ی اول ابتدایی از وسایل ورزشی گران‌قیمت استفاده نمی‌شود.

ت نظارت و ارزشیابی از اجرای درس تربیت‌بدنی

دفتر تربیت‌بدنی و فعالیت‌های ورزشی، به همراه دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی، باید به شکل مستمر و مداوم در زمینه‌ی جمع‌آوری اطلاعات از شیوه‌ی اجرای درس تربیت‌بدنی در کشور فعال باشد و با فراهم آوردن بازخوردهای مناسب در خصوص تغییرات احتمالی در شیوه و محتوای برنامه‌ی درسی در بازه‌های زمانی قانونی مورد نظر سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی اقدام کند.

منابع

۱. اصول اساسی برنامه‌ریزی درسی و آموزشی. رالف وینفرد تایلور. ترجمه‌ی علی تقی‌پور ظهیر. آگاه. تهران. ۱۳۸۴.
۲. برنامه‌ریزی درسی (راهنمای عمل). دکتر حسن ملکی. پیام اندیشه. تهران. ۱۳۸۲.
۳. اصول برنامه‌ریزی درسی. کوروش فتاحی و اجارگاه. ایران‌زمین. تهران. ۱۳۷۷.
۴. اسناد برنامه‌ریزی درسی تربیت‌بدنی (دوره‌ی ابتدایی).



کودکان، نوجوانان و حتی بزرگ‌ترها از نزدیک با ماکت‌هایی از دنیای ماقبل تاریخ آشنا شوند. پارک ژوراسیک محیطی پرنشاط و هیجان‌انگیز برای خانواده‌ها، به‌ویژه کودکان و نوجوانان، فراهم آورده است که بازدید از آن را توصیه می‌کنیم.

هم‌اکنون در شهرهای تبریز و مشهد نیز پارک‌های مینیاتوری به بهره‌برداری رسیده‌اند. ایام نوروز و سال نو بهترین فرصت برای دیدن این باغ‌موزه‌ها و فرصتی استثنایی برای کشور است تا با این آثار حجمی آشنا شوند. آموزگاران ما با این اقدام روش‌های ساختن‌گرا در آموزش را تجربه خواهند کرد. آیا دانش‌آموزان خود را در مشکل‌یابی و ساخت دانش مورد نیاز از طریق یادگیری تلفیقی آماده کرده‌اید؟

این ماکت‌ها با آخرین روش‌های نقشه‌برداری سه‌بعدی و به روش‌های ماشینی و دستی به اجرا درآمده‌اند.

باغ‌موزه‌ی مینیاتور فرصتی برای آشنایی شهروندان، جهانگردان و به‌ویژه آموزگاران و دانش‌آموزان با میراث فرهنگی و تاریخی کشورمان است. به راستی نمی‌توان در آموزش جغرافیا و تاریخ یا مطالعات اجتماعی و حتی متون خواندنی از این نمونه‌ها استفاده کرد! محیطی پرنشاط و آزاد برای ایجاد حس وطن‌دوستی و هویت‌یابی آماده است.

سفر به دنیای دایناسورها در تهران

پارک ژوراسیک تهران نیز واقع در منطقه‌ی سعادت‌آباد تهران، با ماکت ۳۰ دایناسور کوچک و بزرگ، مجالی را فراهم کرده است تا

گذاشته شده‌اند. آموزگاران می‌توانند آثاری همچون تخت جمشید، چغازنبیل، میدان نقش جهان اصفهان، ارگ بم، پاسارگاد، تخت سلیمان، گنبد سلطانیه و ... را در اندازه‌ی بیست و پنج برابر کوچک‌تر مشاهده و آن‌ها را به شاگردان خود معرفی کنند. فناوری ساخت این ماکت‌های کوچک فضای باز، برای اولین بار در کشور ممکن شده است.

گزارش نویسی

چگونه رخدادهای را به اطلاع دیگران برسانیم؟

ناصر نادری

اشاره

فرض کنید قرار است همایشی علمی با عنوان «دلایل بدخطی دانش آموزان» در اداره‌ی آموزش و پرورش محل کارتان برگزار شود. آیا دوست دارید از این همایش «گزارش» تهیه کنید تا دیگران هم از یافته‌های علمی و تجربه‌های زیسته‌ی کارشناسان و سخنرانان همایش استفاده کنند؟

بنابراین، این قسمت از هنر نوشتن را که به «گزارش نویسی» اختصاص دارد، به دقت بخوانید. شاید شما هم یکی از گزارش نویسان مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی شوید!

گزارش چیست؟

گزارش^۱ در لغت به معنی «خبر» و «اطلاع» است و هدف از آن، انتقال پاره‌ای اطلاعات به افرادی است که از آن بی‌اطلاع هستند؛ مثل گزارش رخداد یا حادثه، گزارش عملکرد و گزارش سفر.

معمولاً گزارش به نقل رویدادهایی می‌پردازد که به تازگی رخ داده باشند یا در آینده‌ی نزدیک روی می‌دهند. این قالب نوشتاری بر پایه‌ی «مشاهده» و «پژوهش» یا هر دوی این‌ها بنا می‌شود. غالباً در گزارش تخیل و احساس و عواطف گزارشگر در بیان و توصیف رخدادهای دخالت ندارد؛ البته به جز گزارش‌های عاطفی و انسان محور. در گزارش، نه از آن بررسی عمیق و جامع مسئله در مقاله خبری است و نه از آن روش محکم منطقی و استدلالی آن.

گزارش قصد اثبات یا تحلیل مسئله‌ای را ندارد.

نثر گزارش بسیار معمولی است و شکل بیان آن مستقیم و صریح است و بر بیان تشریحی و توصیفی استوار است. گزارش‌های روزنامه‌ای (ژورنالیستی) زود کهنه می‌شوند و به قولی «تاریخ مصرف» دارند، اما گزارش‌های رسمی، مانند گزارش وزارتخانه‌ها، به هیئت دولت یا گزارش‌های علمی در محافل علمی این گونه نیستند و عمق و پایداری بیشتری دارند.

گزارش و گزارشگر از نگاه چند صاحب‌نظر

• **دکتر کاظم معتمدنژاد:** گزارشگر از طرف و به جای مخاطبان، آنچه را آنان امکان دیدن ندارند، می‌بیند و برایشان بازگو می‌کند. این فرایند از یک نظر به معنای احساس همراهِ مخاطبان در همه‌ی لحظه‌های گزارش است.

• **دکتر محمدمهدی فرقانی:** گزارش، تلفیق خبر و تحقیق به اضافه‌ی بازسازی هنرمندانه‌ی صحنه‌ها، موضوعات، حوادث و واقعیات اجتماعی است.

• **علی اکبر قاضی‌زاده:** گزارش روایتی است از موضوع‌های جالب برای مخاطب، که بر مبنای کشف‌ها، دیده‌ها، شنیده‌ها و تجربه‌های مستقیم گزارشگر، با نگارشی پرکشش، نوشته می‌شود.

گزارش نویسی و گفت‌وگو (مصاحبه)

یکی از راه‌های کسب اطلاعات برای گزارش نویسی، انجام گفت‌وگو (مصاحبه) است. مصاحبه جریانی خلاق، پویا و زنده است. مصاحبه گزارش را جذاب‌تر و مستندتر می‌کند و ضمن دور کردن گزارش از تک‌گویی گزارشگر، بخشی از مسئولیت‌های متن گزارش را از دوش او بر می‌دارد.

اگر مصاحبه‌کننده به موضوعی که مطرح می‌کند، آگاه و مسلط و از توانایی تفکر، استدلال و تعامل و ارتباط برخوردار باشد، مصاحبه‌شونده را سر ذوق می‌آورد.

گاهی متن پرسش‌ها برای مصاحبه‌شونده ارسال و مدتی بعد پاسخ‌ها از او دریافت می‌شود. این نوع مصاحبه مکتوب و دقیق است، اما خلاقانه و جذاب نیست. بنابراین توصیه نمی‌شود.

شرط اصلی موفقیت گفت‌وگو، تسلط دو طرف به سوژه (موضوع) است.

تشابه و تفاوت داستان با گزارش عاطفی

در گزارش‌های عاطفی و انسان‌محور تقریباً همه‌ی هنرها و مهارت‌های داستان‌نویسی دیده می‌شود؛ چه در محتوا و چه در ساختار؛ مهارت‌هایی مثل: روایتگری، گره‌افکنی، گره‌گشایی، تعلیق، توصیف و استعاره.

ولی تفاوت عمده‌ی این دو حوزه‌ی ادبی در دو زمینه است:

- داستان‌نویسی به ذهنیت‌ها و خلاقیت‌های ذهنی

(صورت‌های خیال) وابسته است، ولی گزارش به عینیت‌ها و واقعیت‌های بیرونی نظر می‌کند.

- موضوع گزارش از رخداد‌های جاری برگزیده می‌شود و تجلی کامل زندگی واقعی است، اما در داستان‌نویسی لزوماً همه‌ی حوادث مطابق واقعیت نیست، بلکه برخی سوزنه‌ها با تخیل داستان‌نویس عجین می‌شود.



● به هنر و مهارت نوشتن مسلط است.

● می‌داند از کجا پاسخ پرسش‌های خود را بیاید و روحیه‌ی پرسشگری و پژوهش دارد.

● دارای روحیه‌ی تعامل با دیگران است.

● از نظر جسمی سالم است.

● از نظر روحی انعطاف‌پذیر و در عین حال مقاوم و جسور است.

● به دانش و اطلاعات روز مسلط است.

ایجاد کند؛ برای نمونه:

«شده است به نسخه‌ی پزشکی برخورد کرده باشید که خوش خط و خوانا باشد! راستی فکر کرده‌اید چرا خط بیشتر قدیمی‌ها زیباتر از خط تحصیل کرده‌های امروز است؟ اگر شک دارید به نسخه‌های خطی قدیمی - که یادگار دیروز فرهنگ ماست - نگاه کنید!»

● **ورودی نقلی:** گاهی نقل قول از یک مصاحبه شونده، راه مناسبی برای ورود به متن گزارش است؛ برای نمونه:

«این گفته‌ی استاد فرشچیان که «میناتور عمر را می‌گیرد تا زندگی ببخشد»، حالا در برابر تابلوی «ظهر عاشورا» معنا می‌یابد.»

۲. متن (بدنه)

بخش اصلی ارائه‌ی گزارش در متن است و به نحوی هنرمندانه به همه‌ی اطلاعات دریافت شده از طریق گفت‌وگو و پژوهش می‌پردازد. در ضمن، اطلاعات جانبی به شکل جدول و آمار در متن می‌آید.

۳. پایان‌بندی

گزارشگر پس از بیان همه‌ی نکته‌های لازم، بدون گفتن پند و اندرز، داوری، پیش‌بینی و پرسش مکرر، سعی می‌کند با پایان‌بندی جذاب، حوصله‌ی مخاطب را رعایت کند.

● موضوعی مهم به نام تیتیر

تیتیر گزارش‌مانند همه‌ی نوشته‌های مطبوعاتی اهمیت ویژه‌ای دارد. تیتیر گزارش باید:

- جالب و خواندنی باشد (پركشش و جذاب)

- ترکیب موزون داشته باشد (خوش آهنگ)

- به موضوع ربط داشته باشد (دعوت کننده به موضوع)

پی‌نوشت

I.report

مراحل تهیه‌ی گزارش

● انتخاب موضوع (سوزه)

گزارشگر باید به جامعه و رخداد‌های آن حساس باشد و با نگاه تیزبین در پی کشف سوزه‌ها و شکار لحظه‌ها باشد. سوزه‌ها نباید غیرملموس، بسیار کلی، تکراری و خارج از دایره‌ی نیازهای مخاطبان باشند.

● گردآوری اطلاعات

گزارشگر می‌تواند از سه شیوه اطلاعات لازم را کسب کند:

- مشاهده و حضور در عمق حادثه
- گفت‌وگو (مصاحبه) و نقل قول از شاهدان عینی یا صاحب‌نظران
- مطالعه و پژوهش از منابع موجود (مکتوب و غیرمکتوب)

مشاهده



پژوهش

گفت‌وگو

● تدوین و نگارش

گزارشگر با گردآوری اطلاعات آماده‌ی نگارش گزارش می‌شود. ساختار همه‌ی گزارش‌ها سه بخش دارد:

۱. ورودی

در جذب خواننده و مخاطب نقش اساسی و حساس دارد. ورودی باید حس علاقه و کنجکاوی مخاطب را برانگیزد و به اهمیت و چرایی پرداختن به موضوع گزارش اشاره کند. ورودی به شکل‌های متفاوت ارائه می‌شود:

● ورودی پرسشی (کنجکاواکننده): گاهی یک پرسش

درگیرکننده در ورودی می‌تواند فضای پرسش در شروع گزارش

یادگیرنده حق انتخاب دارد

یادگیری مبتنی بر مغز

زری آقاجانی
فاطمه رضاپور

کلیاتی از مغز

مغز انسان از سه بخش اصلی تشکیل شده است: مغز پسین (مسئول فرایندهایی مانند تنظیم تنفس و ضربان قلب)، مغز میانی (پل ارتباطی نورون‌های حرکتی و پردازش‌های عالی مغز) و پیش‌مغز (مرتبط با رفتار، حل مسئله، حافظه، مهارت‌های حرکتی و دیداری و شنیداری). مغز انسان به‌طور مساوی دو نیمکره‌ی چپ و راست دارد. عملکرد نیمکره‌ی راست در پردازش کل‌نگر و شهودی است، در حالی که نیمکره‌ی چپ در پردازش تحلیلی و جزئی دخیل است. اما در کل همه‌ی قسمت‌های مغز عملکرد واحدی دارند. روی نیمکره‌ها لایه‌ای از پوسته‌ی چین‌دار و سلول‌های عصبی خاکستری وجود دارد که به آن قشر مخ می‌گویند. جالب است بدانید که لایه‌ی زیرین مغز سفید رنگ است و اطلاعات برای پردازش به این قسمت وارد می‌شوند.

یادگیری مبتنی بر مغز

یادگیری بر اساس مغز، دانشی است که فرایند چگونگی دریافت، پردازش، ذخیره‌سازی، یادآوری و سامان‌دهی اطلاعات را بررسی می‌کند. این رویکرد یادگیرنده محور است و بر این باور استوار است که افراد به‌طور فعال در موقعیت و شرایط گوناگون یادگیری، دانش خود را می‌سازند. یادگیری مبتنی بر مغز که یکی از رویکردهای آموزشی مانند یادگیری فعال، هوش چندگانه و ... است، مؤثرترین روش‌های سازوکار یادگیری مغز را بیان می‌کند.

مؤلفه‌های اساسی آموزش مغز محور عبارت‌اند از:

- هوشیاری همراه با آرامش (ایجاد فضای عاطفی خوشایند برای یادگیری)؛
- غوطه‌ورسازی هماهنگ (ایجاد فرصت‌های چالش‌برانگیز برای یادگیری)؛
- پردازش فعال تجارب (استفاده از روش‌های مناسب و مؤثر برای تحکیم یادگیری).

اشاره

خیلی وقت‌ها آموزگاران راهکارهای آموزشی زیادی را امتحان می‌کنند تا دانش‌آموزان درس‌ها را بهتر درک کنند. شاگردان نیز گاهی خیلی درس می‌خوانند، اما چرا معمولاً به اندازه‌ی تلاشی که دو طرف به خرج می‌دهند، بازدهی به دست نمی‌آید. خیلی وقت‌ها از اولیای دانش‌آموزان می‌شنویم که با وجود تلاش فرزندان‌شان و تمرین‌های تکلیفی معلم، بچه‌ها پیشرفت لازم را ندارند. خود دانش‌آموز هم پس از تلاش بسیار ناامید می‌شود و می‌پذیرد که بی‌استعداد است! خوشبختانه با پیشرفت‌های اخیر در علوم تربیتی و مطالعات میان‌رشته‌ای، متخصصان علوم شناختی و اعصاب به کمک آموزش آمده‌اند و پرده از حقایق برداشته‌اند که علاوه بر شگفت‌انگیز بودن خلقت آدمی و سپاس‌گزاری از لطف خالق به بشر، خیلی از مشکلات یاددهی - یادگیری را برطرف می‌سازد. با آگاهی از عملکرد مغز در هر یک از حیطه‌های یادگیری، معلم و شاگرد به نقطه‌ی عطفی در آموزش می‌رسند که محل این تلاقی را می‌توان موفقیت همراه با لذت از آموختن تلقی کرد. هدف از این مقاله، آشنایی

آموزگاران با یادگیری مبتنی بر مغز و یا مغز یادگیرنده است که امید است با مطالعه و کاربرد آن، چندی از گره‌های آموزشی گشوده شود.





❖ یادگیری باعث تغییر در ساختار مغز می‌شود. طبق بررسی پژوهشگران، مغز انسان اولیه از نظر ساختاری (سخت‌افزاری) با انسان امروز هیچ تفاوتی ندارد، اما این دو از نظر فراگیری مطالب آموزشی و تربیتی (نرم‌افزاری) تفاوت‌های زیادی با هم دارند. لازم به ذکر است که برخی مغز و ذهن را یکسان در نظر می‌گیرند. در تفاوت مغز و ذهن باید گفت، مغز چیزی است که آن را در اختیار داریم، اما ذهن نحوه‌ی استفاده‌ی ما از مغز است. هر چه تجربیات یادگیری یادگیرندگان بیشتر باشد، مغز آن‌ها متفاوت‌تر و در نتیجه حجم یادگیری آنان متمایزتر می‌شود. بنابراین، نمی‌توان از یک روش و عملکرد برای آموزش همگان استفاده کرد و ارائه‌ی مطالب متنوع نیاز است.

❖ پژوهشگران بیان می‌کنند، آگاهی مریبان از مبانی زیستی هیجان، برای سامان‌دهی محیط مدرسه به‌منظور بهبود یادگیری سودمند است. نحوه‌ی برانگیختن هیجان‌ات مثبت دانش‌آموزان، از مبانی یاددهی - یادگیری محسوب می‌شود. چنانچه دانش‌آموزان به درس نگرش مثبتی داشته باشند و به اهمیت آن در زندگی واقف باشند، به‌طور قطع با علاقه و انگیزه تحصیل خواهند کرد.

منابع

۱. خرازی، سید کمال (۱۳۹۰) مبانی آموزش و پرورش شناختی، سمت، تهران.
۲. تلخایی، محمود (۱۳۸۷). برنامه‌ی درس مبتنی بر مغز: فصل‌نامه‌ی نوآوری‌های آموزشی. شماره ۲۶.
۳. سیفی، سمیه و همکاران (۱۳۸۹). بررسی تأثیر آموزش یادگیری مغز محور بر درک مطلب و سرعت یادگیری دانش‌آموزان سوم ابتدایی. فصل‌نامه‌ی نوآوری‌های آموزشی. شماره‌ی ۳۴.
۴. محمدی مهر، مژگان (۱۳۸۹). مطالعات یادگیری مبتنی بر مغز. مجله‌ی پیراپزشکی ارتش جمهوری اسلامی ایران. شماره‌ی ۲.

محیط یادگیری مغز محور

آموزگاران باید بدانند که محیط یادگیری کم‌بضاعت ظرفیت مغز را هدر می‌دهد و عوارضی چون دل‌زدگی و بی‌زاری از آموختن را در بر دارد. از تبعات آن می‌توان به افت تحصیلی و ترک تحصیل اشاره کرد. برای استفاده از این خلقت بی‌مانند، باید ابزارهای لازم در اختیار آموزگاران قرار بگیرد و این ابزار چیزی جز آگاهی نیست. آگاهی از نحوه‌ی یادگیری سازگار با مغز و یادگیری سازگار با مغز، در شناخت قواعد و مقررات یادگیری معنادار در مغز و انتخاب روش تدریس مناسب به معلمان کمک می‌کند. برخی از ویژگی‌های محیط یادگیری سازگار با مغز عبارت‌اند از:

- * تغذیه‌ی مناسب که شامل مواد مغذی مثل پروتئین‌ها، ویتامین‌ها، مواد معدنی و کالری کافی باشد.
- * تحریک و برانگیختگی همه‌ی حواس
- * ایجاد فضای یادگیری بدون تهدید و استرس
- * استقلال کودکان در انتخاب فعالیت یادگیری مورد نظر خود
- * لذت‌بخشی فضای آموزش برای کودکان و امکان شناخت و کشف برای کودک

- * محیط مساعد برای رشد مهارتی و ذهنی و زیبایی شناختی و رشد فیزیکی در کودکان و فرصت حل مسئله
- * فعال بودن کودکان در کنار مشارکت آن‌ها با یکدیگر

ویژگی‌های محیط یادگیری غنی

* در این محیط:

- * یادگیرنده احساس امنیت می‌کند
- * محرک‌های محیطی متنوع وجود دارند. بدین ترتیب، مغز اطلاعات گوناگونی در خود ایجاد می‌کند و ظرفیت یادگیری افزایش می‌یابد.
- * ایجاد فرصت‌های یادگیری جدید که با مطالب چالش‌برانگیز همراه است.

- * باز خورد ارائه می‌شود. در اصل مغز بنا بر باز خورد عمل می‌کند.
- * تمرین‌هایی برای خواندن ارائه می‌شوند. باین کار، دایره‌ی واژگان یادگیرندگان افزایش می‌یابد و این باعث توسعه‌ی مغز می‌شود.
- * تحرکات حرکتی صورت می‌گیرد. با انجام حرکات بدنی مغز رشد بهتری می‌کند.

- * تفکر و حل مسئله آموزش داده می‌شود. این روش از بهترین شیوه‌ها برای رشد مغز است.

* انعطاف وجود دارد و یادگیرندگان حق انتخاب دارند.

چند نکته برای تأمل بیشتر

❖ تغذیه و خواب از عوامل اثرگذار در یادگیری هستند. تغذیه‌ی مناسب به یادگیری و یادآوری کمک می‌کند و نوشیدن آب کافی از کاهش آب خون می‌کاهد. این امر باعث افزایش نمک خون و افزایش فشار خون و فشارهای روانی می‌شود.

آزمون‌های عملکردی

هدی هدایتی



اشاره

در مباحث پیش به معرفی آزمون‌های عملکردی و انواع آن، با ذکر مثال‌هایی برای درس‌ها و پایه‌های دبستان، پرداختیم. همان‌گونه که ذکر شد، یکی از انواع آزمون‌های پیشرفت تحصیلی، آزمون‌های عملکردی هستند. هدف از آزمون‌های عملکردی سنجش عملکرد دانش‌آموزان به‌طور مستقیم و در تکالیف زندگی واقعی است. آزمون‌های عملکردی در چهار دسته طبقه‌بندی می‌شوند: ۱. آزمون کتبی عملکردی که در آن بر کار بست علم و دانش و مهارت در موقعیت‌های عملی یا شبیه‌سازی شده با موقعیت‌های عملی تأکید می‌شود؛ ۲. آزمون شناسایی که در آن فراگیرنده از طریق شناسایی عیب و اشکال وسیله، توانایی و مهارت عملی خود را آشکار می‌سازد؛ ۳. آزمون انجام عملکرد در موقعیت‌های شبیه‌سازی شده، که در آن از یادگیرنده خواسته می‌شود در یک موقعیت شبیه‌سازی شده یا مصنوعی، همان اعمالی را انجام دهد که در موقعیت‌های واقعی انجام می‌گیرند. ۴. آزمون نمونه‌ی کار، که شبیه‌ترین روش به موقعیت واقعی در زندگی طبیعی افراد است و در واقع ارائه‌ی حاصل فعالیت‌های عملی دانش‌آموزان خواهد بود. در این شماره، دسته‌بندی دیگری از آزمون‌های عملکردی را بررسی خواهیم کرد که سنجش عملکرد از طریق کارپوشه نیز در آن جای می‌گیرد. به دلیل اهمیت این نوع از سنجش عملکرد، به شرح کامل آن می‌پردازیم.

انواع آزمون‌های عملکردی

دسته‌بندی دیگری از روش‌های سنجش عملکرد، علاوه بر آنچه ذکر شد، وجود دارد که بر چهار محور زیر استوار است: ۱. سنجش ساختارمند یا کنترل شده؛ ۲. سنجش در موقعیت‌های طبیعی؛ ۳. پروژه‌های طولانی‌مدت؛ ۴. کارپوشه. در ادامه هر یک از این محورها را بررسی خواهیم کرد.

سنجش ساختارمند

در این روش، سنجش‌گر هم تکالیف سنجش و هم شرایطی را که در آن دانش‌آموز باید پاسخ دهد کنترل می‌کند. یعنی آموزگار معلوم می‌کند که از چه موادی و چه موقع استفاده شود. همچنین راهنمایی عملکرد دانش‌آموز و نوع بازده یادگیری او را نیز مشخص می‌کند. سنجش ساختارمند، بسته به تکالیف مورد استفاده، دو نوع است:

۱. تکالیفی که به مداد و کاغذ نیاز دارند و در واقع همان آزمون‌های تشریحی یا انشایی هستند.
۲. تکالیفی که به منابع و تجهیزاتی فراتر از مداد و کاغذ نیاز دارند. به‌طور مثال، زمانی که از دانش‌آموز خواسته می‌شود نه تنها پاسخ

کتبی را بنویسد، بلکه درباره‌ی آن توضیح دهد، از نوع اول سنجش ساختارمند استفاده شده است. حل کردن معماهای داستانی، تحلیل نمودارها و ارائه‌ی راهبردهایی درباره‌ی نمودار، از دیگر مثال‌های سنجش ساختارمند نوع اول هستند.

اما زمانی که از دانش‌آموز می‌خواهیم مثلاً با شکل‌های هندسی در اختیار طرح یک مزرعه را درست کند، از نوع دوم سنجش ساختارمند استفاده کرده‌ایم. انجام آزمایش‌های عملی درس‌هایی مثل علوم توسط دانش‌آموزان، از دیگر مثال‌های این دسته است.

سنجش در موقعیت‌های طبیعی

در این روش، آموزگار منتظر می‌ماند عملکرد در شرایط عادی کلاس روی دهد و آن‌گاه به سنجش آن اقدام می‌کند. چون در این روش رفتارهای معمولی یا نوعی دانش‌آموز سنجیده می‌شوند، به آن روش تکالیف عملکرد نوعی نیز گفته می‌شود.

جمع‌آوری مطالبی که دانش‌آموز در زمینه‌های گوناگون نوشته است، تصحیح آن‌ها از لحاظ غلط‌های دستوری، املائی و انشایی، یا مشاهده‌ی رفتار یک دانش‌آموز در زمین بازی و در ارتباط با دوستانش، مثال‌هایی از سنجش در موقعیت‌های طبیعی هستند.

پروژه‌های طولانی مدت

پروژه‌های طولانی مدت دو گروه پروژه‌های فردی و پروژه‌های گروهی را در برمی‌گیرند.

پروژه‌ی فردی به فعالیت طولانی مدت دانش‌آموز گفته می‌شود که به نوعی فرآورده یا محصول، مانند الگو، گزارش، ساخت وسیله یا تهیه‌ی مجموعه (کلکسیون) می‌انجامد. ویژگی پروژه‌های فردی دانش‌آموزی این است که در آن‌ها چند فعالیت با هم ترکیب می‌شوند تا یک فرآورده به وجود آید. برای مثال، انجام یک تحقیق کتابخانه‌ای به‌عنوان پروژه‌ی دانش‌آموزی، مستلزم انجام فعالیت‌هایی شامل استفاده از منابع تحقیقی موجود در کتابخانه، خلاصه‌برداری از مطالب، تهیه‌ی طرح گزارش، تدوین مطالب جمع‌آوری شده، تفسیر منابع، سازمان‌بندی مطالب و تهیه‌ی گزارش

نهایی است.

در پروژه‌های طولانی مدت گروهی، دانش‌آموزان بعد از فرار گرفتن در گروه، فعالیت خواسته شده را انجام می‌دهند. تهیهی روزنامه‌ی دیواری، نمایش‌نامه‌خوانی و اداره‌ی بخشی از کلاس توسط گروه، از جمله‌ی این پروژه‌هاست. از جمله ویژگی‌های پروژه‌های گروهی طولانی مدت می‌توان به افزایش روحیه‌ی کار تیمی، توانایی تطابق دادن خود با نظرات مختلف تقسیم کار، افزایش نظم و ایجاد تعهد در قبال مسئولیت پذیرفته شده اشاره کرد.

کارپوشه

کارپوشه مجموعه‌ای از فعالیت‌های هر دانش‌آموز است که کوشش، پیشرفت و موفقیت تحصیلی او را در زمینه‌ای خاص نشان می‌دهد. در روش کارپوشه، دانش‌آموز برای نشان دادن توانایی‌ها و پیشرفت خود نمونه‌هایی از کارهایی را که در طول یک مدت معین، مثل نیم سال تحصیلی انجام داده است، با خود به کلاس می‌آورد و برای ارزشیابی در اختیار آموزگار قرار می‌دهد. چون محتوای کارپوشه جنبه‌ی تراکمی اجزای مربوط به هم دارد و از طرفی در طول دوره‌ای زمانی انجام گرفته است، برخلاف ارزیابی‌های مختلف و مستقلی که از آزمون‌های هفتگی و ترمی به دست می‌آیند، می‌تواند چگونگی پیشرفت یادگیرنده در طول دوره‌ی تحصیلی را به نمایش بگذارد. کارپوشه حاوی منتخبی از کارهایی است که دانش‌آموز در مدتی معین انجام داده است، نه تمامی کارهای او.

از روش کارپوشه هم می‌توان ارزشیابی تکوینی به عمل آورد و هم ارزشیابی تراکمی. کارپوشه‌هایی که در طول یک سال یا یک ترم تحصیلی گردآوری می‌شوند، برای مقاصد سنجش تکوینی مناسب‌اند. برای مثال، مقایسه‌ی بین انشاهای یک دانش‌آموز که در ماه‌های متفاوت سال نوشته شده است، می‌تواند شاهدی عینی بر پیشرفت کردن یا پیشرفت نکردن او باشد. کارپوشه‌هایی که برای سنجش تراکمی به کار می‌روند و هدف آن‌ها دادن نمره و صدور گواهی‌نامه‌ی تحصیلی است، مستلزم استفاده‌ی هم شکل و یکنواخت در میان دانش‌آموزان و کاربرد یک نظام داوری دقیق‌اند از نتایج این کارپوشه‌ها معمولاً همراه سایر روش‌های سنجش، مانند آزمون‌های کتبی، استفاده می‌شود.

اجزای کارپوشه

محتوای کارپوشه به‌طور کلی تمامی اسنادی است که کوشش‌ها، داوری شخصی و غیرشخصی درباره‌ی وضعیت درسی دانش‌آموز و روند پیشرفت او را نشان می‌دهند. بهتر است محتوای کارپوشه را با مشارکت دانش‌آموز فهرست کنیم. برای تنظیم و نگهداری اسناد و اجزای آن، دستورالعمل مشخصی تدوین کنیم و برای قضاوت درباره‌ی وضعیت درسی دانش‌آموز معیاری در نظر بگیریم. نمونه‌ای از اجزای کارپوشه در زیر آمده است:

تکالیف انفرادی مدرسه، تکالیف گروهی و خودآزمایی‌ها و مسائل؛ گزارش علمی، یادداشت‌های کلاسی یا خارج از کلاس دانش‌آموزی؛ پروژه‌های گروهی خارج از مدرسه و گزارش مصاحبه‌ها؛ ثبت پرسش‌ها و اظهارنظرها در رفتارهای قابل توجه دانش‌آموز؛ یادداشت‌ها، فهرست‌های ارزشیابی آموزگار از دانش‌آموزان یا گروه‌های دانش‌آموزی (چک لیست‌ها)؛ خلاصه‌ی داستان، فیلم، بازدید و نمونه‌کارهای هنری حاصل از کارهای پروژه‌ای؛ کارهای ابتدایی از طراحی تحقیق تا مواردی که حاصل تحقیق را به‌صورت فرایندی نشان می‌دهند.

به‌طور کلی، داده‌های زیر در کارپوشه قرار می‌گیرند: کار عملی، مصاحبه، گزارش کار تحقیق، خودارزیابی، عرضه‌ی مطلب در کلاس و نتایج آزمون.

ویژگی‌های ارزشیابی پوشه‌ای

کارپوشه علاوه بر تقویت یادگیری خودمحور و نشان دادن پیشرفت یادگیرنده به معلم، روشی برای ارزشیابی دانش‌آموز از خود است. همچنین، امکان ارزشیابی مسواری نظیر مهارت‌های ارتباطی، اخلاقی حرفه‌ای و نگرش را ایجاد می‌کند. از دیگر فواید کارپوشه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: معلم و دانش‌آموز در تعامل با یکدیگر قرار می‌گیرند. معلم فرصت اصلاح و شناخت اشتباه را به دانش‌آموز می‌دهد، دانش‌آموز بین اطلاعات قبلی و بعدی ارتباط برقرار می‌کند، به والدین امکان داده می‌شود در جریان پیشرفت دانش‌آموز قرار بگیرند و نقاط قوت و ضعف را بشناسند و نقش مثبت، سازنده و فعالی در هدایت تحصیلی او داشته باشند، هم‌کلاسی‌ها یکدیگر را ارزیابی می‌کنند و اخلاق حرفه‌ای را یاد می‌گیرند.



سرمشق زندگی

شکوه تقدیسبان

در دوره‌ی دبستان، مهم‌تر از برنامه‌های آموزشی و شناختی، روش یادگیری چگونگی رو به رو شدن با هنجارها و ناهنجاری‌های جامعه در گروه‌های متفاوت سنتی است؛ مشابه همان مسائلی که امروزه کم و بیش با آن روبه‌رو هستیم؛ مانند بی‌مه‌ری و بی‌تفاوتی نسبت به محیط زیست، اسراف، حقوق شهروندی و اعتیاد. با ذکر موارد فوق، این سؤال گاهی پیش می‌آید که آیا با هدایت دانش‌آموزان از راه نوشته‌ها، سخنرانی‌ها و توصیه‌های کتبی و شفاهی و با آزمون آنان در پایان هر سال، می‌توان به میزان رشد اخلاقی و رَسش شخصیتی آنان پی برد؟

بعد از خانواده، مدرسه مکانی عمومی است که بچه‌ها در آنجا مصداق تقلید کردن و الگو گرفتن را به فراوانی پیدا می‌کنند. اگر قبلاً در بازی‌های کودکی، خاله‌بازی یا رانندگی می‌کرده‌اند، با ورود به مدرسه، معلم‌بازی و مدیربازی و فروشندگی و پلیس‌بازی می‌کنند. الگوهای کودکان در اکثر بازی‌ها از راه مشاهده، در ذهنشان به نقش‌هایی تبدیل می‌شود که بعدها در نوع شخصیت و هویت اجتماعی آنان بروز می‌کند.

قبلاً مادران همگی در خانه بودند. دختران کنار آن‌ها بزرگ می‌شدند، رشد می‌کردند و ریزه‌کاری‌های زندگی را در حد لزوم و در همه‌ی ابعاد از رفتار مادر می‌آموختند. پسران هم غالباً رفتارهای شغلی پدران را تقلید می‌کردند و اکثراً جانشین آن‌ها می‌شدند. بدین گونه، سنت‌ها و آداب اجتماعی را در تعاملات روزانه رعایت می‌کردند. اما امروزه شرایط به گونه‌ای دیگر است. پراکندگی افراد خانواده، حتی در سنین پایین، در بسیاری از خانواده‌ها اتفاق می‌افتد. در این شرایط، نوجوانان ناگزیر جذب الگوها و جاذبه‌های دیگر می‌شوند. به این ترتیب نقش مدرسه و معلم و مربیان در مسئولیت تربیت اجتماعی دانش‌آموزان پررنگ‌تر می‌شود. یادگیری آداب حضور در جامعه و رعایت ارزش‌ها و هنجارها، صرفاً با خواندن کتاب‌های درسی و موعظه و اندرز محقق نمی‌شود، مشاهده‌ی الگوهای مناسب رفتاری در مدرسه، متضمن انتقال فرهنگ ملی و دینی مناسب جنس و طبقه‌ی اجتماعی

اشاره

این مقاله به نقش مهم مدرسه در تربیت اجتماعی دانش‌آموزان اشاره دارد و سرمشق‌پذیری بچه‌ها را فرصتی آسان و هموار برای جامعه‌پذیر شدن آنان می‌داند. نقش مدارس برای کاهش کاستی‌های تربیتی اجتماعی بی‌بدیل است. فقط کافی است مدرسه مبدع برنامه‌های هدف‌دار برای تربیت اجتماعی دانش‌آموزان باشد. یکی از مهم‌ترین این برنامه‌ها شیوه‌ی خاص اداره کردن مدرسه است که جو مدرسه را می‌سازد و بچه‌ها در آن فضا سرمشق‌های خود را انتخاب می‌کنند. بیشترین مزیتی که این‌گونه یادگیری دارد، این است که یادگیرنده مصداق عملی رفتارهای پسندیده را عملاً در فضایی مهرآمیز و واقعی مشاهده می‌کند و توالی آن را می‌بیند و تجربه می‌کند.

تجربه‌های همکاران نشان داده است، مقدار نسبتاً زیادی از ویژگی‌های محسناتی که هر آموزگار می‌تواند در دانش‌آموزان ایجاد کند، به سرمشق‌هایی وابسته است که او از خود و دیگران برای بچه‌ها می‌سازد. این سرمشق‌ها به‌طور قابل توجهی در جامعه‌پذیری آنان و داشتن نقش‌های مثبت در جامعه تأثیر دارند.

آزمون‌های کتبی

و شفاهی که شامل رفتارهای شناختی دانش‌آموزان می‌شوند، از ضروریات آموزش بوده و هستند. این آزمون‌ها اکثراً سنتی و هنجار مرجع‌اند و در آن‌ها خواه ناخواه دانش‌آموزان با هم مقایسه می‌شوند. آموزگاران معمولاً طرح‌های آموزشی و برنامه‌های خود را بر پایه‌ی تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان تهیه می‌کنند. در این راستا، ارزیابی آموزگار از یافته‌ها، قابل رؤیت و توضیح و اندازه‌گیری است و در نهایت در فرایندی نه ماهه، دانش‌آموزان حاصل زحمات خود را می‌بینند و به انتظارات دستگاه آموزشی پاسخ می‌دهند. ولی آیا به این ترتیب انتظارات تربیتی و پرورش‌ی نظام هم تأمین می‌شود؟ پاسخ به این سؤال زمان‌بر است. زمانی که کودک دبستانی، نوجوانی برنا و برومند می‌شود، دوست دارد خارج از دایره‌ی قراردادی خانه و مدرسه، استقلال و توان ذاتی خود را در رویارویی با فرصت‌ها و تمایلات و معضلات بروز دهد. او این کار را به کمک تجربه‌ها، آموخته‌ها و مشاهداتش انجام می‌دهد و به این طریق جایگاه خاص خود را در جامعه تعیین می‌کند.



«بیشتر نظریه‌های یادگیری اجتماعی ادعا می‌کنند که همانندسازی یا تقلید، فرایندی مرکزی در تعیین رفتار است. اساساً تقلید یا یادگیری مشاهده‌ای متضمن (الف) سرمشقی است که رفتاری را انجام می‌دهد؛ و (ب) مشاهده‌کننده‌ای است که در اثر مشاهده‌ی سرمشق، رفتاری مشابه، ولو نه الزاماً یکسان انجام دهد» (همان، ص ۱۵۶).

مدرسه برای تأثیرگذاری بیشتر یادگیری مشاهده‌ای، در ارتباط با تقویت مبانی دینی و اخلاقی بهتر است برنامه‌های مناسبی داشته باشد تا بتواند از جاذبه‌ی جادویی فناوری‌های جدید، تا حد لازم، بکاهد. برای مثال، برای پیشگیری از تحمل‌سنایی و مصرف‌گرایی، شیوه‌ی رفتاری بزرگ‌ترها در مدرسه حائز اهمیت است.

در روزهای به‌خصوص که فضای مدرسه تغییر می‌کند و مدرسه حال و هوای شاد یا غمگین دارد، بچه‌ها همدلی و هم‌بانی و هم‌صدایی بیشتری با گروه پیدا می‌کنند. در این روزها، برگزاری ساده‌ی مراسم با توجه به اهداف تعیین شده، بیشتر از ده‌ها سخنرانی و شعار و توصیه، در روح و ذهن پاک بچه‌ها نقش می‌بندد.

گردش‌های علمی هدف‌دار و مناسب، موجب شناخت بیشتر محیط زیست و شناخت اهمیت ماهوی آن است. در جشن‌ها رعایت سلیقه در عین سادگی، و پرهیز از اسراف در عین برخورداری از مواهب خداوند و جلوگیری از ریخت و پاش‌های غیرضروری، به شاهدان مراسم یاد می‌دهد به جای گستردن سفره‌هایی برای به رخ کشیدن امکانات و چشم و هم‌چشمی، لذت گفت‌وگو و مصاحبت یکدیگر را تجربه کنند.

در روزهای تقدیر از معلمان و مربیان و مسئولان، با حذر از تعیین نرخ و احترام به شأن والای آنان، دانش‌آموزان شیوه‌ی تکریم و ارج نهادن به خادمان جامعه را می‌آموزند. آن‌گونه که می‌توانند احساسات قلبی و سپاسگزاری خود را فراتر از بده‌بستان‌های مادی و فراقکنی‌های زبان‌آور، با خلوص و صداقت به خدمت‌گزاران جامعه نشان دهند، بده‌بستان‌هایی که ریشه‌های خلاف را در جامعه آبیاری می‌کنند و زمینه‌ی تفرعن می‌شوند.

جامعه‌پذیری و رعایت هنجارها و شناخت بایدها و نبایدها معمولاً در دوران مدرسه شکل می‌گیرند. یادمان باشد که انسان در بدو تولد موجودی معصوم است. اگر خوب تربیت نشود و الگوهای مناسبی داشته باشد، کمتر دچار انحراف و کج‌روی می‌شود، ولی اگر منحرف شد احتمالاً الگوهای بد جامعه را کپی کرده است و سرمشق‌های خوبی در زندگی‌اش نبوده‌اند.

«رشد فرایند بسیار پیچیده‌ای است که از طریق آن انسان‌های کوچک در تلاش برای کسب سازگاری کافی با جهان در آن پیشروی می‌کنند و از آنجا که بخش زیادی از یادگیری اجتماعی در نتیجه‌ی مشاهده‌ی سرمشق‌ها به‌وجود می‌آید، آگاهی از تأثیر تقلید برای آموزگاران و مربیان مهم است» (همان، ص ۲۸۹).

منبع

گای، آر، لفرانکوئیس. روان‌شناسی برای آموزش. ترجمه‌ی دکتر منیجه شهینی بیلاق. ۱۳۷۰. صفحه ۱۴۰.

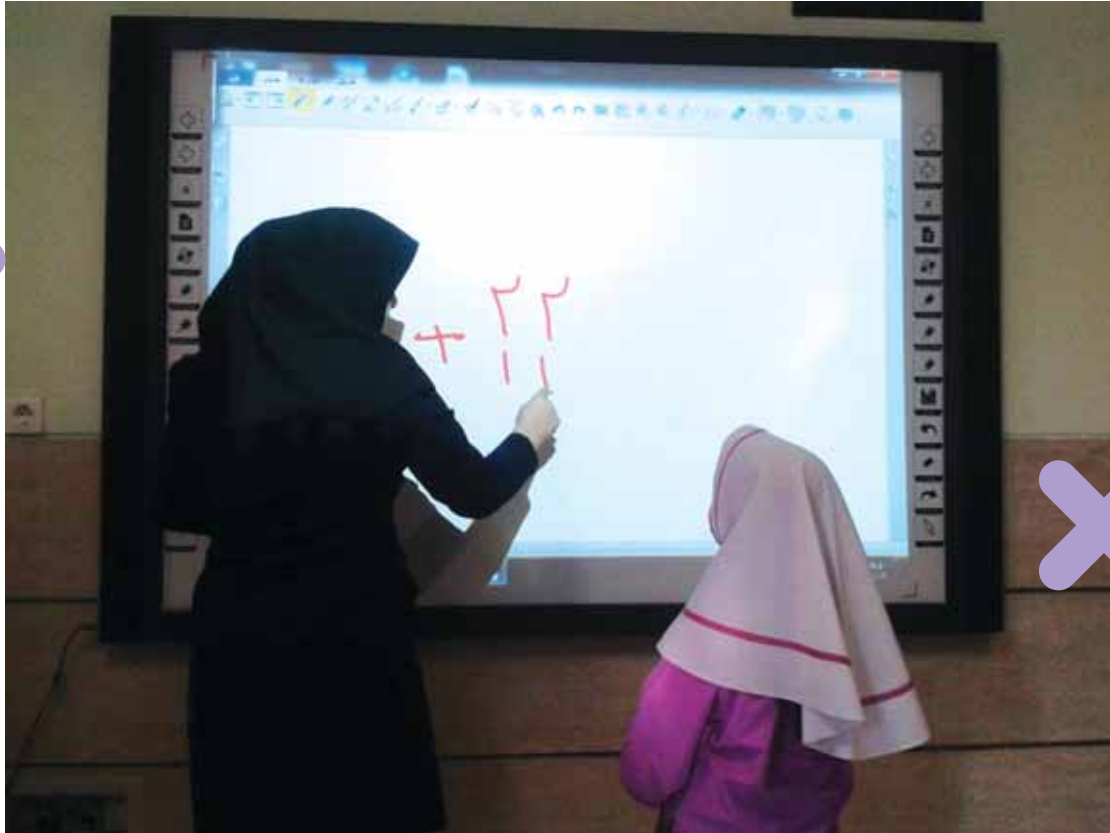
دانش‌آموز است.

کودکان از طریق

مشاهده بسیار می‌آموزند و می‌توانند

با دیدن رفتارهای مهرآمیز واقعی، رفتارهای نامناسب خود را تغییر دهند. مشاهده‌ی رفتارهایی مانند نوع دوستی، کمک به دیگران، احترام به حق و حقوق شهروندان، محترم شمردن اعتقادات مذهبی، رعایت صرفه‌جویی در مصرف، داشتن رفتار محبت‌آمیز و مسئولانه نسبت به طبیعت و منابع طبیعی، محترم شمردن کسانی که برای رفاه و امنیت کشور زحمت می‌کشند و قدردانی از کسانی که خدماتی هر چند کوچک نسبت به او و جامعه ارائه می‌دهند، به افزایش مهارت‌های دانش‌آموز در زندگی اجتماعی کمک می‌کنند. کودک در بدو ورود به مدرسه با مشاهداتش، که احتمالاً با شگفتی، هیجان و ترس همراه است، سعی می‌کند حضور خود را با مقررات دبستان تطبیق دهد. در این موقعیت، رفتارهای هوشمندانه‌ی کارکنان مدرسه، بهترین و آسان‌ترین راه برای ایجاد نگرش مثبت و تحکیم اولین قدم‌ها برای ورود به جامعه است؛ مکانی که در آن جا کودک فرصت تقلید کردن و الگو گرفتن از رفتار بزرگ‌ترها را تجربه می‌کند و این تجربه در ذهنش ماندگار می‌شود.

«به زبان ساده یادگیری از راه تقلید که گاهی از آن به‌عنوان یادگیری مشاهده‌ای یاد می‌شود، مستلزم فراگیری پاسخ‌های جدید یا تغییر پاسخ‌های قدیم در نتیجه‌ی مشاهده‌ی سرمشق در حین کار است» (گای آر، سال ۱۳۷۰: ۱۴۰). اکثر دانش‌آموزان از دوره‌ی ابتدایی تا سال‌ها بعد به راحتی می‌توانند رفتارهای تصنعی و اغراق‌آمیز را از رفتارهای طبیعی و صادقانه‌ی افراد تشخیص دهند. آنان از رفتارهایی الگو می‌گیرند که صداقت و خلوص آن را (در شرایط متفاوت) مشاهده کرده باشند.



حل مسئله در ریاضیات

دب‌راسل / مترجم: نسرين امامی‌زاده

این دیده‌اید. اگر چنین است، چه وجه تشابهی در مورد آن‌ها وجود دارد؟

- چه چیزی برای انجام دادن لازم دارید؟
- چه حقایقی برای شما روشن می‌شود؟ و چه نیازی دارید؟

۲. طرح بازی

- طرح بازی خود را تعریف کنید:
- آیا قبلاً مسئله‌ای شبیه به این دیده‌اید؟
- آنچه را انجام داده‌اید، شناسایی کنید.

که بعد از آن کار شده‌اند، تاکنون تداوم داشته‌اند. مراحل زیر به موارد بیان شده در کتاب پولیا بسیار شبیه‌اند. حل مسئله به عنوان هنری تمرینی، نیازمند عمل، گسترش عمل و ماهر شدن است. فرایند حل مسئله به چهار مرحله تقسیم می‌شود:

۱. سرخ

- مسئله را با دقت بخوانید.
- زیر کلمات خط نشان بکشید.
- از خود بپرسید آیا مسئله‌ای مشابه

یادگیری چگونگی حل مسئله در ریاضیات، مستلزم درک موضوع مورد مسئله است. مسائل ریاضی غالباً نیاز به بنا نهادن نحوه‌ی عملکرد و دانستن این دارند که چه چیزی و چه هنگام قابل اجراست. برای شناخت رویه‌ی عمل، شما باید با موقعیت مسئله آشنا باشید و در جمع‌آوری اطلاعات مناسب، تشخیص یک یا چند راهبرد و استفاده از راهبرد مناسب قادر باشید. جورج پولیا کتابی با عنوان چگونگی حل مسئله در سال ۱۹۵۷ نوشت. بسیاری از ایده‌هایی

آموزش ریاضیات در دبستان



مؤلف: رویبن یورگنسن، شلی دال

مترجم: امیرحسین آشنا

ناشر: بینش‌نو (تهران ۰۲۱-۲۲۸۹۱۳۱۵)

نوبت چاپ: اول، بهار ۱۳۹۳

قیمت: ۲۸۰۰۰۰ ریال

صاحب‌نظران بر این باورند که ریاضی جریان تفکر بشری است. کودک نیز از همان زمان که با شعف الگوی ساده‌ای را در حین بازی تشخیص می‌دهد و حدس‌هایی می‌زند، در واقع به تجربه‌هایی از درک ریاضی رسیده است. بنابراین، به این ضرورت می‌رسیم که روش‌های جدیدی برای آموزش ریاضیات در دوره‌ی ابتدایی لازم‌اند. زیرا نیاز است تجربه‌ها و درک‌های تازه‌ای از ریاضی به دست آید تا آن را برای دوره‌ی دبستان جذاب و فراگیر سازد. آموزگاران نیز از این ضرورت بی‌نیاز نیستند و حتی بیشتر نیازمند آشناسدن با شیوه‌های جدید آموزش هستند. چون آن‌ها دانش‌آموزانی گریزپا دارند که با کمترین اشتباه در آموزش، دچار نارسایی‌های یادگیری می‌شوند. کتاب «آموزش ریاضیات در دبستان» در ۱۵ فصل به چهره‌ی در حال تغییر ریاضیات مدرسه‌ای، نظریه‌های یادگیری ریاضیات، زبان و ریاضیات، تنوع و تساو، برنامه‌ریزی برای تدریس و دیگر سرفصل‌ها پرداخته است. با مطالعه‌ی کتاب می‌توانید در پایان هر فصل، با «پرسش‌های فصل» که با محتوای آن مرتبط است، به جواب سؤالات احتمالی خود برسید. اگر در حل مسئله و درگیر کردن دانش‌آموزان در مجموعه‌ای از مسائل جدید محاسبه و تخمین ذهنی، کسرها و مدل‌های کسری، مقسوم‌علیه‌ها و تدریس چنین مواردی دنبال نمونه هستید، مؤلف و مترجم، در کتاب حاضر، انواعی از آن‌ها را برای مطالعه عرضه کرده‌اند.

- راهبردهای خود را برای حل این مشکل بیان کنید.
- راهبردهای خود را آزمایش کنید (با استفاده از فرمول، ساده کردن، استفاده از طرح، حدس و بررسی، جست‌وجوی الگو و ...)

۳. حل

• از راهبردهای خود برای حل مسئله استفاده کنید.

۴. بازتاب

- این بخش بسیار مهم است. راه‌حل‌های خود را بگویید.
- آیا این به نظر محتمل می‌رسد؟
- آیا شما به این سؤال پاسخ خواهید داد؟ مطمئن هستید؟
- آیا به صورت کلامی به این سؤال پاسخ خواهید داد؟
- واحدهای مشابه چه هستند؟

کلمات سرنخ

هنگام تصمیم‌گیری در مورد روش یا روش‌های مورد استفاده برای حل مسئله، اولین کاری که باید انجام دهید، جست‌وجوی سرنخ‌هاست که یکی از مهم‌ترین مهارت‌ها در حل مسائل ریاضیات است. ضمن جست‌وجوی کلمات سرنخ، متوجه خواهید شد کدام «کلمات» غالباً بر عملکرد اشاره دارند.

برای مثال:

کلمات سرنخ برای جمع



- مجموع
- کل
- در کل

کلمات سرنخ برای تفریق



- تفاوت
- چه‌قدر بیشتر یا کمتر

کلمات سرنخ برای ضرب



- محصول
- مساحت
- تقارن

اندازه‌گیری

مریم احمدی

اشاره

بنابر اهمیت تدریس درس ریاضی در دوره‌ی ابتدایی، ما در این زمینه مطالب متنوعی درج کرده‌ایم. در این شماره نیز همراه سایر مقالات و معرفی کتاب، به اندازه‌گیری و اعداد اعشاری می‌پردازیم.

اندازه‌گیری در برنامه‌ی درسی ریاضیات نقش مهمی دارد. این مبحث ارزیابی و سنجش مقدار عددی ویژگی یک شیء یا رخداد را دربرمی‌گیرد. اندازه‌گیری با مبحث اعداد ارتباط محکمی دارد. سایر حوزه‌های ریاضیات نیز به‌طور مستقیم و غیرمستقیم با اندازه‌گیری مرتبط هستند.

اندازه‌گیری عبارت است از فرایندی که در آن عددی را به صفتی از یک شیء یا حالت نسبت می‌دهیم.

فرایند اندازه‌گیری برای درک هر یک از صفات به‌قرار زیر است:

۱. تشخیص صفات با استفاده از مقایسه‌ی اشیا. این تشخیص به‌طور محسوس، غیرمستقیم و مستقیم صورت می‌گیرد.
۲. انتخاب یک واحد اندازه‌گیری. مراحل آن به‌صورت غیراستاندارد و دلخواه و سپس به‌صورت استاندارد صورت می‌گیرد.
۳. مقایسه‌ی شیء مورد نظر با واحد اندازه‌گیری.
۴. شناخت دفعات تکرار واحد اندازه‌گیری که از طریق شمارش، استفاده از ابزارها و در آخر استفاده از فرمول صورت می‌گیرد.

لازمه‌ی آموزش و یادگیری دانش‌آموز در بحث اندازه‌گیری، توجه به موارد زیر است:

۱. دانش‌آموز مفهوم تجسم فضایی را تا حدودی درک کرده باشد.
۲. کمتر بودن و بیشتر بودن را در مقایسه‌ی دو کمیت بداند.
۳. مفهوم فاصله و مفهوم بقای طول را بداند.

مهم این است که آموزگاران باید موارد فوق را انجام دهند. در واقع، این نوعی سنجش است که پیش‌دانسته‌های دانش‌آموزان را برای اندازه‌گیری ارزیابی می‌کند.

مفاهیمی که در بحث اندازه‌گیری مطرح می‌شوند، عبارت‌اند از: طول (محیط)، حجم، مساحت، جرم، زاویه، دما، ارزش (پول)، زمان، وزن تخمینی و کاربرد روابط.

چیدمان اندازه‌گیری در کتاب‌های درسی از آموزش غیراستانداردها شروع می‌شود، مانند اندازه‌گیری گیره، پاک‌کن و

مدادهای پایه‌ی اول. سپس بر استانداردها وارد می‌شود. در نهایت هم معرفی واحدها و کاربرد آن‌ها در ریاضی مطرح است. رایج‌ترین شیوه‌ی آموزش اندازه‌گیری، بر حفظ کردن طوطی‌وار فرمول‌ها تمرکز دارد و تکرار و تمرین و فرمول‌گویی ابزاری برای آموزش تبدیل واحدها و مباحث اندازه‌گیری شده است، در صورتی که دانش‌آموزان در حل مسئله‌های مربوط به آن با مشکل اساسی مواجه هستند.

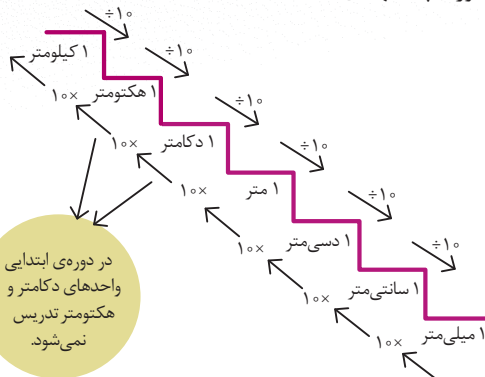
یکی از بدفهمی‌های دانش‌آموزان کشف روابط بین واحدهای اندازه‌گیری و تبدیل آن‌ها به یکدیگر است.

در اولین قدم برای رفع این چالش، باید پنج مرحله‌ی آموزش اندازه‌گیری را مدنظر داشت:

۱. شناسایی ویژگی و مشخصه‌ی یک صفت
۲. مقایسه و مرتب کردن
۳. اندازه‌گیری غیررسمی؛ با استفاده از واحدهای غیراستاندارد
۴. اندازه‌گیری رسمی با استفاده از واحدهای استاندارد
۵. کاربرد اندازه‌گیری در زمینه‌ی حل مسئله

دومین راه مفهوم‌سازی هر یک از واحدها در زندگی واقعی دانش‌آموزان است. مثلاً برای آموزش میلی‌متر اول نگوییم، یک قسمت از ۱۰ قسمت سانتی‌متر، بلکه باید بگوییم میلی یعنی کوچک. سومین راه، استفاده از مبنای ده دهی در تبدیل واحدها به یکدیگر و تشکیل واحدهای جدید است.

برای مثال، استفاده از مبنای ده به شکل زیر خواهد بود که به‌صورت پیشنهادی است.



۳۰۱

اعداد اعشاری

بهزاد قباخلو

۲۴/۱۰

۵۰۰۰

یکی از مباحث پایه‌ای در ریاضیات مدرسه‌ای، اعداد اعشاری هستند

سه نظریه مبنای شناخت اعداد اعشاری را تشکیل می‌دهند:
- اعداد اعشاری اعدادی هستند که می‌توان آن‌ها را روی خط مدرج نشان داد.

- اعداد اعشاری کسرهایی با مخرج توان 10^n هستند (دهم، صدم و ...)

- ارزش مکانی ارزش اعداد اعشاری را به شکل نمادین نشان می‌دهند (آشنا، ۱۳۹۲: ۲۷۱ - ۲۶۷).

آنچه مبنای آموزش اعداد اعشاری در ریاضیات مدرسه‌ای به‌ویژه در ابتدایی به حساب می‌آید، آموزش آن از طریق کسر است. بنابراین، شناخت دقیق مفاهیم کسر، کمک بزرگی به شناخت اعداد اعشاری، ارزش مکانی و محاسبات آن خواهد کرد. در گذر از آموزش کسرهایی متعارفی، در نهایت به کسرهایی اعشاری و سپس اعداد اعشاری خواهیم رسید (عزت‌خواه، ۱۳۷۱: ۱۸۸ - ۱۷۹).

کسرهایی اعشاری دقیقاً نمایش دیگری برای یک‌دهم‌ها، یک‌صدم‌ها و سایر توان‌های ده به‌عنوان بخشی از واحد به‌شمار می‌روند. بنابراین، مسئله‌ی اساسی در اعداد اعشاری عبارت است از درک این بخش‌های جزء کسری (نوروزیان، ۱۳۷۹: ۲۵۰ - ۲۳۵).

چند نکته‌ی مهم درباره‌ی اعداد اعشاری

- علامت ممیز در نمایش اعداد اعشاری مرتبه‌ی یکان را نشان می‌دهد.

- در عدد صحیح، هر تعداد صفر جلوی عدد قرار بگیرد، عدد جدیدی را می‌سازد و ارزش آن را بالاتر می‌برد. اما در اعداد اعشاری، هر تعداد صفر بعد از علامت ممیز و قبل از عدد قرار بگیرد، ارزش عدد را کمتر می‌کند.

- در ابتدایی، اعداد کسری با مخرج توان 10^n که نمادی از اعداد

اعشاری هستند، به دهم، صدم، هزارم و ده‌هزارم ختم می‌شوند.
- بهترین روش برای آموزش اعداد اعشاری، استفاده از اندازه‌گیری طول و آموزش واحدهای طولی است.
- استفاده از تجربه‌های قبلی دانش‌آموزان برای آموزش اعداد اعشاری بسیار مهم است و باید مورد توجه قرار گیرد.
- جدول ارزش مکانی اعداد اعشاری در کنار جدول ارزش مکانی اعداد صحیح بسیار توصیه می‌شود.

با این حال، اندازه‌گیری و آماده کردن دانش‌آموزان برای یادگیری معنادار، نسبت به مفهوم اعداد اعشاری، استفاده از تجربیات و واقعیات زندگی روزمره‌ی دانش‌آموزان، بسیار مهم است. برخی از این فعالیت‌ها به‌عنوان تکالیف روز قبل از تدریس، به‌صورت پیشنهادی ارائه می‌شود:

۱. دانش‌آموز عزیز، در ماشین حساب، یکی از علامت‌های روی صفحه (نقطه) است. تحقیق کنید کاربرد آن در محاسبات چیست و چه اسمی دارد؟
۲. تاریخ تولد خود، پدر و مادرتان را به فارسی بنویسید و بگویید چندم برج یا ماه بوده است؟ (برای هماهنگی گفتاری و نوشتاری در عبارت دهم و صدم)
۳. آیه‌های «الفجر و لیل عشر» در چندمین سوره‌ی قرآن آمده است و معنی آن چیست؟
۴. روز عاشورا چندمین روز ماه محرم است؟

منابع

۱. روبین بورگنسن، شلی دال (۱۹۹۵). آموزش ریاضیات در دبستان. ترجمه‌ی امیرحسین آشنا، (۱۳۹۲). تهران: بیش نو.
۲. عزت‌خواه، کریم (۱۳۷۱). آشنایی با مفاهیم و روش تدریس ریاضی. چاپ اول. دانشگاه پیام نور. تهران.
۳. ای ریس، رابرت، سایدام مرلین، ن. لیندکوئیست مری. کمک به کودکان در یادگیری ریاضیات. ترجمه‌ی مسعود نوروزیان (۱۳۷۹). چاپ اول. انتشارات مدرسه. تهران.

خلاقیت محمّدی

دکتر مهدی چوبینه

سرعتی، خون بیشتری به مغزم رسید و فهمیدم که خلاقیت یعنی همین. یعنی بتوانی در هر زمانی و برای هر مسئله‌ای راه حلی پیدا کنی؛ آن هم راه‌حلی که شاید تا به حال به ذهن کسی نرسیده باشد. خلاقیت را نمی‌توان به‌وجود آورد، اما می‌توان علائم آن را شناخت و فرصتی فراهم کرد تا رشد کند و شکوفا شود. خوشا به حال کسانی که معلمان خوبی دارند که نشانه‌های خلاقیت را به‌درستی تشخیص می‌دهند. خلاقیت محصول دو موضوع است. وجود بذر اولیه در نهاد آدم‌ها و محیطی که در آن رشد می‌کنند. مسلماً انسان‌ها با یکدیگر تفاوت دارند و محیط زندگی نیز همچنین. گاهی فرد با استعدادی در محیط نامناسبی قرار می‌گیرد و گاهی فرد نامناسبی در محیط مساعدی جای می‌گیرد. در هر دو حالت، اتفاق خاصی نخواهد افتاد و تنها در صورتی که فرد مستعدی در محیط خلاق پروری قرار بگیرد، احتمالاً خلاقیت در او بروز می‌کند. اتفاقاً محیط‌های محروم و جاهایی که امکانات کمتری دارند، محیط‌های مناسب‌تری برای پرورش خلاقیت هستند. رفتار بچه‌های محروم را با بچه‌های برخوردار مقایسه کنید؛ کدام یک بهتر و بیشتر از وسایل بازی‌شان استفاده می‌کنند؟ بچه‌ای که با یک چوب ساده اسب خیالی خودش را سوار می‌شود، بچه‌ای که از زبان حیوانات می‌تواند داستانی بسازد و بگوید، بچه‌ای که با استفاده از تکه‌های آینه و نور خورشید، سوراخ مورچه‌ها را روشن می‌کند و... شاید به نظر ما بزرگ‌ترها کار خاصی انجام نداده باشد، اما این فعالیت‌ها در دنیای ذهنی او شروعی برای انجام کارهای مهم‌تر خواهد بود. بیاییم بعد از این، بیش از عجله در داوری‌ها نسبت به واکنش بچه‌ها یا بی‌توجهی به کارهای به ظاهر ساده‌ی آن‌ها، از منظر دیگری به این موضوع نگاه کنیم.

این روزها گاهی آدم‌های نیم‌چه مشغول کاری را می‌بینی که یک کلمه را زیاد تکرار می‌کنند. همه دم از خلاقیت می‌زنند و معتقدند که معلمان ابتدایی باید از همان روز اول بذر خلاقیت را در ذهن بچه‌ها بکارند و آن را آبیاری کنند و اگر چنین کنند، تعداد زیادی نونهال در حد و اندازه‌ی **بوعلی سینا** و **محمد زکریای رازی** پرورده می‌شوند که در دوره‌ی بعد، در اختیار تعدادی باغبان کار آزموده قرار می‌گیرند.

خلاصه، این باغبان‌ها این گل‌های خندان را به بهترین شکل تربیت می‌کنند و می‌فرستند به مرحله‌ی بعد. در آنجا هم تعدادی آقا و تعداد بیشتری خانم محترم منتظر این نونهالان نوشکفته هستند تا کله‌هاشان را پر کنند از مطالب عجیب و فرمول‌های مختلف.

خب حالا اگر از هر کدام از این کشاورزان دوره‌ی ابتدایی بپرسیم خلاقیت چی هست، فوراً به شما خواهند گفت خلاقیت یعنی ... و من می‌بینم که چه تفاوتی میان این تعریف‌ها هست! سپس از خودم پرسیدم: «اصلاً تفاوت بچه‌ای که خلاق است با آنکه خلاقیت کمتری دارد در چیست؟ آیا با شمردن تعداد موهای سر یا تعداد پلک زدن‌ها، می‌شود آن‌ها را تشخیص داد؟»

القصه. در یک صبح خنک اول بهار، در حالی که بدنم می‌لرزید و کله‌ام از شدت خلاقیت در حال دود کردن بود، با خودم گفتم: ای جان، بیا تا با سیاه کردن چند صفحه کاغذ سفید بی‌گناه، به این کشاورزان نخستین بگویم که خلاقیت چیست؟ بعد در حالی که انگشت اشاره‌ی دست راستمان را تا نزدیکی گوشه‌ی ابروی راستمان روی شقیقه گذاشته بودیم، رفتیم برای شنا در بحر تفکر.

وقتی در ساحل زیبای تفکر دراز کشیدیم، تازه آنجا بود که فهمیدیم خودمان هم نمی‌دانیم خلاقیت چی هست^۱. یعنی نه اینکه ندانیم، اصلاً بعضی چیزها را فقط می‌شود توصیف کرد. در همین حین، از خواب جستمیم و دیدیم ای دل غافل، دست و پاهایمان خواب رفته است. با جابه‌جا شدن جای سر و پا در اثر یک معلق زدن

پی‌نوشت

۱. ساده‌ترین توضیحی که می‌توان برای خلاقیت داد این است که: خلاقیت یعنی داشتن توانایی یافتن سؤالات و ایده‌ها و ابتکارات نو و ارائه‌ی راه‌حل‌های مناسب برای آن‌ها.

صمیمی و جدی

با آموزگار نمونه‌ی کشوری، سیده معصومه میرحسینی

نصرالله دادار

اشاره

پشتکار و دوست‌داشتن بچه‌ها، عوامل اصلی موفقیت هر آموزگار است و معلم خوب و موفق، هم صمیمی است، هم جدی و هم به‌روز.

این ویژگی‌ها در سیده معصومه میرحسینی، معلم نمونه‌ی کشوری در سال تحصیلی ۹۳-۹۲ وجود دارد.

میرحسینی در سال ۱۳۵۰ در روستای گلینگ طالقان متولد شده است. کارشناس آموزش ابتدایی و در حال حاضر معاون آموزگار دبستان «شهیدسیدخلیل حسینی» روستای زیدشت طالقان است. گفت‌وگوی کوتاهی با او داشته‌ایم که در ادامه ملاحظه می‌کنید.

خانم میرحسینی! با توجه به اینکه معلم نمونه‌ی کشوری شده‌اید، مهم‌ترین ویژگی‌های آموزگار موفق را چه می‌دانید؟

من معتقدم، عاشقی رمز موفقیت در هر کاری، از جمله کار معلمی است. آموزگار در درجه‌ی اول باید عاشق کارش باشد و دانش‌آموزان را دوست داشته باشد. زیرا در چنین شرایطی است که انسان می‌تواند بر همه‌ی مشکلات و موانع کاری مانند کمبود حقوق و دستمزد، مشکلات مالی، برخوردهای غلط غلبه کند و اجازه ندهد این مسائل مانع کار او شوند.

ویژگی دوم معلم ابتدایی موفق، به روز بودن اوست. من خودم با روش‌های قدیم بزرگ شده‌ام. بنابراین، با روش‌های قدیم آموزشی آشنا بودم، ولی روش‌های جدید را دنبال کردم و آن‌ها را هم آموختم؛ طوری که در کارهایم از آن‌ها استفاده کردم و بهره بردم.

علاوه بر ویژگی‌هایی که به آن‌ها اشاره کردم، توصیه‌ای هم برای همکاران عزیزم دارم و آن این است که از درس هنر برای آموزش سایر درس‌ها استفاده کنند. متأسفانه، گاهی اوقات برخی از معلمان می‌گویند درس هنر را کنار بگذاریم و به جای آن درس‌های دیگری مانند ریاضی را تدریس کنیم، در حالی که آن‌ها می‌توانند درس هنر را با درس‌های دیگر تلفیق کنند و به قول معروف با یک تیر چند نشان بزنند.

خودتان را آدم موفق می‌دانید؟

وقتی آموزگار شدم قصد نداشتم برای همیشه معلمی کنم، چون درسم خوب بود و می‌خواستم در رشته‌ی پزشکی ادامه‌ی تحصیل دهم. اما کم‌کم به معلمی علاقه‌مند شدم و حالا خیلی خوشحالم که خداوند مرا معلم کرد و پزشک نشده‌ام. من بسیار خوشحالم

که با کسانی کار و زندگی می‌کنم که همه‌ی وجودشان را تقدیم دانش‌آموزان می‌کنند.

من موفقیت هر کس را در احساس رضایت از خویش می‌دانم و به نظر من هر کسی که از کار و موقعیتش راضی است، آدم موفق است.

شما بر اساس چه معیارها و ضوابطی به عنوان معلم نمونه‌ی کشوری انتخاب شده‌اید؟

به دلیل فعالیت‌های آموزشی و علمی پژوهشی من بیش از ۵۰ امتیاز به خاطر طراحی آموزشی، درس پژوهی، اجرای طرح جابریان و اقدام پژوهی (معلم پژوهنده) گرفتم. ۱۴ تا ۱۵ سال مدرس دوره‌های ضمن خدمت کشوری بودم. حدود ۱۱ سال سرگروه پایه‌ی پنجم منطقه و ۱۲ سال داور طرح‌های اقدام پژوهی، جابریان و جشنواره‌ی الگوهای برتر تدریس بودم. معلم نمونه‌ی منطقه و استان شدم. در منطقه یا استان رتبه‌ی اول معلم پژوهنده، رتبه‌ی دوم طراحی آموزشی، رتبه‌ی سوم مستندسازی و تجربه‌های برتر، رتبه‌ی اول جشنواره‌ی طراحی الگوهای برتر تدریس را کسب کردم. پژوهشگر برتر منطقه و استان هم شدم.

عضویت در کمیته‌ی علمی پژوهشی، چاپ چندین مقاله در زمینه‌ی آموزش ابتدایی، تدوین و چاپ جزوات کمک‌آموزشی، روش‌های تدریس ریاضی پایه‌ی پنجم ابتدایی، بخش دیگری از فعالیت‌های من در ۲۶ سال گذشته بوده است.

در بخش فرهنگی، کسب رتبه‌های منطقه‌ای و استانی تفسیر قرآن و نهج‌البلاغه و قرائت قرآن را داشتم. همه‌ی این فعالیت‌ها موجب شد به لطف خدا در سال تحصیلی ۹۳-۹۲ به عنوان معلم نمونه‌ی کشوری انتخاب شوم.

چه کسانی در کسب این موفقیت‌ها تأثیرگذار بودند؟

بعد از لطف و یاری خدا، همراهی، همکاری و پشتیبانی همسر و فرزندانم در کسب این موفقیت‌ها بسیار مؤثر بوده است که از آن‌ها تشکر می‌کنم.



در این کلاس شاد باشید

نتایج اقدام پژوهی درباره‌ی جذاب‌تر کردن ساعت درس قرآن

اختر سعادت
فاطمه اسماعیل پور

اشاره

پس از انتشار مطالبی دربارۀ درس قرآن و اهمیت تدریس و شیوه‌های ارائه‌ی این درس در مجله، خانم اختر سعادت، گزارش اقدام پژوهی در زمینۀ جذاب‌سازی کلاس قرآن در دبستان را برای ما فرستاد. او که منطقی ۱۳ تهران شاغل است، با همکاری خانم فاطمه اسماعیل پور، این فعالیت را انجام داده است.

سعادت می‌گوید: «تدریس و آموزش قرآن برای کودکان ضروری است. اگر آموزگار بکوشد انگیزه‌های درونی را در جان شاگرد به‌وجود آورد، در آینده‌ای نزدیک فعالیت‌های دانش آموز خودجوش می‌شود و او دیگر نیازی به تشویق نخواهد داشت. ما با ذکر خلاصه‌ای از این اقدام پژوهی، مختصری از پیشنهادهای این آموزگار برای ایجاد کلاس قرآنی شاد و مؤثر را، البته در پایۀ ششم، در پی می‌آوریم.

دانش‌آموزان ما از نظر اعتقادی مشکلی با درس قرآن ندارند، ولی یکنواخت بودن کلاس آن‌ها را خسته می‌کند. پس سعی کردیم به‌عنوان افراد مورد توجه بچه‌ها، احساسمان را نسبت به زنگ قرآن جدی‌تر کنیم و با روحیای شاد وارد کلاس شویم.

برای اینکه رابطۀ آموزگار با شاگرد دوستانه و در عین حال محترمانه باشد، او باید به نیازهای دانش‌آموزان خود پی ببرد و در دل آن‌ها جای گیرد. رابطۀ آموزگار و دانش‌آموز هنگامی به هم پیوند می‌خورد که آرزو و علاقه‌های مشترک وجود داشته باشند.

کار بعدی انجام فعالیت‌های شادی‌آفرین بود. مثلاً در یک ساعت مشخص به آن‌ها اجازه بدهیم هر فعالیتی را که دوست دارند انجام بدهند (البته حساب‌شده)؛ مثل نقاشی کشیدن، درست کردن کار دستی و نمایش بازی کردن. با این کار خستگی را از آن‌ها دور کرده‌ایم.

آشنایان تعلیم و تربیت بهترین روش چینی‌سندلی‌ها را به‌صورت دایره‌ای یا «U» شکل پیشنهاد می‌کنند؛ خصوصاً در درس‌هایی که بحث و بررسی فعالیت‌های گروهی برای حل مسئله یا انجام آزمایش پروژه نیاز باشد. اگر فضاسازی مناسبی در مدارس انجام شود، بی‌گمان به شادزیستن فرزندان خود کمک بسیار بزرگی خواهیم کرد.

شناسایی عوامل مؤثر بر شادی، موجب تقویت عوامل مثبت و کاهش عوامل منفی مؤثر بر شادی می‌شود.

نظرات همکاران

پس از اظهار نظر دانش‌آموزان و نظرسنجی از آن‌ها، در جلسۀ مشترک بین معلمان و مدیر محترم، عملکرد خود را به اطلاع رساندیم و از آن‌ها خواستیم اگر روش بهتر و کاربردی‌تری به نظرشان می‌رسد بگویند. آن‌ها هم همکاری لازم را در این زمینه داشتند و خواستار بهبود طرح شدند. پس ما باز هم اقداماتی را شروع کردیم، از جمله اینکه:

- آیات را روی مقوا نوشتیم و از بچه‌ها خواستیم باهنر دست خودشان آن‌ها را تزئین کنند و بعد به‌صورت پلاکاردی زیبا روی دیوار کلاس و نمازخانه نصب کردیم.

- برای موضوعات مختلف درسی نمایش نامه نوشتیم و دانش‌آموزان آن‌ها را در کلاس اجرا کردند.

این تحقیق هم تلاشی است در راستای آموزش دانش‌آموزان برای آشنایی با چگونگی استفاده و احترام به کتاب درسی قرآن خود، برای به‌وجود آوردن شرایط مؤثر در هر چه بهتر استفاده کردن از زنگ قرآن. در ابتدا، با تغییر شرایط و امکانات موجود زمانی و مکانی به‌کار بردن ذوق و خلاقیت در شکوفایی استعداد فراگیرندگان، راهکارهایی ارائه دادیم. با همکاری همکاران مشورت کردیم، از کمک آن‌ها بهره جستیم و خواستیم هر فکر و نظری که به موفقیت این طرح کمک می‌کند، پیشنهاد بدهند. از کتاب‌ها و منابع هم اطلاعاتی جمع‌آوری کردیم، نظرات بچه‌ها را شنیدیم و با دسته‌بندی آن‌ها، مطالب را اصلاح و طرح را پیاده کردیم.

چینش کلاسی و نقش آموزگار

آیا برای هر چه علاقه‌مندتر کردن بچه‌ها به درس قرآن روشی را پیشنهاد می‌کنید؟

در پرسشی که از دانش‌آموزان به عمل آمده بود، نتیجۀ جواب‌ها این بود که: آموزگار می‌تواند نقش بسزایی در شادی و نشاط در کلاس قرآن داشته باشد.

پس از بررسی و تجزیه و تحلیل یافته‌ها به این نتیجه رسیدیم که

بچه‌ها را گروه‌بندی کردیم و کتاب را طوری بین آن‌ها تقسیم کردیم که هر قسمت از آن متعلق به یک گروه باشد و هر گروه در مورد قسمت خودش شروع به تحقیق و جست‌وجو کند. احادیث، اعجازها، داستان‌ها و هر چیزی را در مورد سوره‌ی مورد نظر جمع‌آوری و قبل از شروع کلاس قرآن، به صورت تابلوهایی، روی دیوار قرار دهد.

این شیوه توجه بقیه را به خود جلب و به نوعی در آن‌ها ایجاد انگیزه می‌کند. قبل از شروع کلاس، هر یک از اعضای گروه به ترتیب فعالیت‌ها و اطلاعات خود را برای دانش‌آموزان توضیح می‌دهند. این باعث شادابی می‌شود و کلاس را از حالت یکنواخت به کلاسی فعال تبدیل می‌کند. برای آنکه کلاس تنها به روش سخنرانی اداره نشود، با به کارگیری تخته، اشکال متنوعی در زمینه‌ی موضوع می‌کشیدیم و با کمک آن‌ها سؤال و جواب را آغاز کردیم.

در کلاس، روی میز آموزگار جعبه‌ای قرار دادیم و اسم آن را نامه‌های آسمانی گذاشته‌ایم. به بچه‌ها ۵ دقیقه وقت داریم تا احساس خود را از سوره‌ی جدیدی که یاد گرفته‌اند، در برگه بنویسند و در جعبه بیندازند. در این فعالیت هم درس انشای بچه‌ها تقویت می‌شود و هم رابطه‌ی آن‌ها با خداوند و قرآن دوستانه‌تر می‌شود.

نظر همکاران منتقد

نظر ایشان این بود که هر قدر هم آموزگاران به روش‌های آموزش و تدریس قرآن تسلط داشته باشند، اگر خودشان با خواندن قرآن انس دائمی نداشته باشند و نسبت به صحیح‌خوانی آیات کتاب درسی مهارت نداشته باشند، خواسته و ناخواسته از آموزش مهارت روخوانی و روان‌خوانی قرآن شانه خالی می‌کنند و به موضوعات فرعی دیگر و حتی آموزش سایر درس‌ها می‌پردازند.

بنابراین مناسب است، در کنار ارتقای خودشان، به ارتقای صلاحیت عمومی قرآنی بیندیشند و در این زمینه دقت کافی داشته باشند و توسعه‌ی سواد قرآنی را مبنای فلسفه‌ی آموزش قرآن بدانند و خواندن قرآن را هدف اصلی بدانند.

پیشنهادهایی برای داشتن کلاس قرآنی شاد

- در ابتدا آموزگار با هماهنگی قبلی از یک دانش‌آموز می‌خواهد آیه‌ای را بخواند و سایر دانش‌آموزان آن آیه را در درس پیدا کنند و با صدای بلند بخوانند.
- آماده‌سازی فضای فیزیکی شامل رنگ، نور، چینش نیمکت‌ها، تهویه و تعداد دانش‌آموزان و استفاده از رنگ‌های مناسب لازم است. تمایل ناخودآگاه ما به یک یا چند رنگ خاص می‌تواند ما را در شاداب‌سازی کلاس یاری دهد. برای مثال، رنگ نارنجی

گرم و صمیمی است و پرتوهای شادی‌آفرینی از خود ساطع می‌کند که موجب رفع خستگی می‌شود و رنگ سبز انرژی‌زا و آرامش‌بخش است و اضطراب را از انسان دور می‌کند.

- لحن و کلام آموزگار در شادی نقش و جایگاه خاصی دارد. تکیه کلام‌های مناسب با حفظ وقار و متانت روحیه‌ی شادی و سرسبزی و طراوت را در کودکان زنده نگه می‌دارد. کودکان به دنبال لبخندهای شاد و کودکانه‌ی پنهان شده در بزرگ‌ترها هستند. استفاده از جزئیات درسی و پارامترها و مؤلفه‌های موجود در تدریس می‌تواند فضا را برای شاد کردن کودکان هموار سازد.

- آموزگار می‌تواند با ارائه و تنظیم فعالیت‌هایی متناسب با موضوع درس و همچنین ارائه‌ی چیستان، جو آموزشی کلاس را ضمن حفظ کردن انضباط، شاد و با نشاط سازد.

- وضع نکردن مقررات دست و پاگیر و خشک کلاسی، از خستگی آموزگار و دانش‌آموز در کلاس می‌کاهد. مهم‌ترین این است که دانش‌آموزان را از آموزگار و کلاس دل‌زده نمی‌کند.

- بردن روزنامه به کلاس، حتی دو سه هفته یکبار، و اختصاص دقایقی به ذکر چکیده‌ی مطالب مرتبط با درس مفید است.

- هر دو ماه یکبار به صورت غیرمستقیم نظر دانش‌آموزان خود را در مورد شیوه‌ی تدریس و کلاس‌داری و برنامه‌ی آن بسنجید. آن‌ها مطالبی را به شما خواهند گفت که بی‌گمان تعجب خواهید کرد! (شنیدن یا خواندن انتقادات دانش‌آموزان جرئت خاصی می‌خواهد) و شما باید برای رفع نقایص روش خود اقداماتی بیندیشید یا از رضایت آنان مطلع شوید.

- یکی از راه‌های علاقه‌مند کردن شاگردان به کلاس و درس و آموزگار و همچنین رفع کدورت‌های احتمالی طرفین، بردن دانش‌آموزان به گردش علمی کلاسی است. حتی بازدید از نمایشگاه‌های کتاب، صنایع دستی، جشنواره‌های دانش‌آموزی، حضور در مزار شهدا، و بازدید از سازمان هواشناسی و غیره، با هماهنگی دفتر مدرسه و اداره‌ی متبوع، فواید زیادی دارد.



یادگیری از کلاس درس تا باغچه

نگاهی بر تأثیر محیط متنوع یادگیری

دکتر لیلا سلیمه‌دار

مهر آور گودرز

آموزگار پایه‌ی اول دبستان جوادالائمه، منطقه‌ی چهار تهران

اشاره

در سند برنامه‌ی درسی ملی، اشاره‌ی ویژه به محیط یادگیری، نشان از اهمیت این موضوع در فرایند یاددهی - یادگیری دارد. در این بخش از برنامه‌ی درسی ملی، محیط یادگیری به گونه‌ای ترسیم شده است که در آن بهره‌گیری از ظرفیت‌های نظام هستی، محیطی امن، منعطف، پویا، برانگیزنده و غنی را برای پاسخگویی به نیازها، علاقه‌ها و ویژگی‌های دانش‌آموزان تدارک ببیند. در این نگاه می‌توان به گستردگی محیط یادگیری و محدود نشدن آن به کلاس درس و مدرسه پی برد. آیا برای چنین بهره‌گیری، نیازمند منابع معینی هستیم؟ به کارگیری مناسب محیط‌های یادگیری به چه ویژگی‌های مشخصی نیاز دارد؟ نمونه‌های دستیابی به استفاده از ظرفیت‌های نظام هستی کدام‌اند؟ این پرسش‌ها محور بحث نوشته‌ی پیش‌رو هستند که با نگاهی کاربردی و از نگاه یک معلم در کلاس درس بدان پرداخته می‌شود.

جذابیت یادگیری

هجوم بی‌امان اطلاعات از طریق شبکه‌های گوناگون، به ویژه شبکه‌های مجازی که در اختیار دانش‌آموزان قرار دارند، باعث شده است دیگر چهار دیواری کلاس و کتاب‌های درسی جذابیت چندانی برای آن‌ها نداشته باشند. در این میان، تنها راه ایجاد جذابیت برای دانش‌آموزان در مسیر یاددهی - یادگیری، متوسل شدن به شیوه‌های نوینی است که فرصت‌های بیشتری برای به کارگیری اذهان دانش‌آموزان و جذب تمایل آنان برای یادگیری فراهم کنند.

این موضوع، علاوه بر شیوه‌های تدریس، با دیگر موارد مهم و مؤثر در فرایند یاددهی - یادگیری، مانند فرصت‌های مرتبط با تمرین، تکلیف، فعالیت‌های جمعی، اردو و بازدید و دیگر فعالیت‌هایی از این دست نیز مرتبط است. به این ترتیب، محیط یادگیری می‌تواند علاوه بر کلاس درس، مرکز یادگیری، آزمایشگاه و دیگر فضاهای

موجود در مدرسه، فضاهای دیگر خارج از مدرسه را نیز شامل شود. اما چنین بهره‌گیری از محیط‌های متنوع و متفاوت در یادگیری، به شایستگی‌های حرفه‌ای معلمان و نیز خلاقیت آنان وابسته است تا بتوانند به درستی محیط‌های یادگیری مؤثر را شناسایی و از آن‌ها استفاده کنند.

در کلاس من

بدیهی است که درس علوم را نمی‌توان در چهار دیواری کلاس محبوس کرد. به همین دلیل، از دیدن کتاب‌ها و جزواتی که می‌خواهند چنین متونی را در قالب سؤال و جواب به دانش‌آموزان تفهیم کنند، متعجب می‌شوم. از جمله فعالیت‌هایی که در جذاب شدن این درس در بین دانش‌آموزان مؤثر بوده است، فعالیت انتخاب موضوع توسط دانش‌آموزان است. برای این فعالیت، در ابتدای سال از دانش‌آموزان می‌خواهم با مروری بر فصل‌های کتاب و در زمان تعیین شده که

گاهی تا یک یا دو هفته نیز به طول می‌انجامد، موضوعی مرتبط با یک فصل را انتخاب کنند. این موضوع می‌تواند مورد علاقه یا سؤال آن‌ها باشد. سپس در مدت تعیین شده‌ی دیگر که ممکن است تا حدود دو ماه نیز به‌طول بینجامد، تلاش کنند هر اطلاعاتی درباره‌ی موضوع انتخابی خود می‌شنوند یا می‌خوانند جمع‌آوری کنند. در هر فصل، به فراخور تعداد دانش‌آموزانی که موضوعات مرتبط با آن فصل را انتخاب و آماده کرده باشند، زمانی را به هر یک از آن‌ها اختصاص می‌دهم تا بتوانند یافته‌های خود را به هر وسیله، اعم از توضیح شفاهی یا ساخت وسیله و نیز دیگر راه‌ها از جمله درج بر روزنامه دیواری، به کلاس ارائه دهند. داشتن زمانی برای ارائه‌ی نظرات خود، دریافت رهنمودهای مسوردی در زمینه‌ی چگونگی تهیه‌ی مطالب یا نوع ارائه‌ی آن و نیز همیاری خانواده‌های دانش‌آموزان، از جمله مواردی هستند که به جذابیت این فعالیت برای آن‌ها منجر شده‌اند.

سنگ‌های دوست داشتنی

یکی از فعالیت‌های اثرگذار در فرایند یاددهی - یادگیری که می‌تواند محیط یادگیری مناسبی در اختیار دانش‌آموزان قرار دهد، بهره‌گیری از خانواده‌های دانش‌آموزان است. هر چند ممکن است به ظاهر ورود خانواده‌های دانش‌آموزان به مسیر یاددهی - یادگیری آنان با مشکلات فراوانی به نظر آید، اما اگر این حضور با هدایت و رعایت موارد

مرتبط همراه باشد، می‌تواند خانواده را به محیط یادگیری مؤثر و مناسبی تبدیل کند. برای نمونه، بسیاری از تکالیفی که دانش‌آموز ناچار است در خانه انجام دهد، نیازمند همراهی والدین و آگاهی آنان است تا بتوانند این مسیر را دلنشین‌تر و در عین حال با چالش‌های ایمن همراه کنند.

در کلاس من

فرستادن دانش‌آموزان برای جمع‌آوری سنگ‌ها و نیز همراه کردن آن‌ها با اطلاعات مناسب و در خور ذهن آن‌ها کاری بود که همراهی خانواده را ضروری می‌ساخت. به همین دلیل، برای هر گروه از دانش‌آموزان فعالیتی خاص تعیین کردم تا همراه خانواده‌ی خود انجام دهند. برخی باید سنگ‌های ارزشمندی را که در خانه به آن‌ها دسترسی داشتند معرفی و در مورد آن‌ها مطالعه‌ی مختصری انجام می‌دادند. برخی دیگر باید به جمع‌آوری سنگ‌های ساختمانی خانه‌ی خود یا اطرافشان، همراه با اطلاعات ساده‌ای از آن می‌پرداختند. به این ترتیب، هر دانش‌آموز با موضوعی روبه‌رو بود. در نهایت، فرصت‌های کوتاهی را برای ارائه‌ی کار دانش‌آموزان اختصاص دادم که شاید این زمان‌های کوتاه تا مدتی هم ادامه داشتند.

یکی از دانش‌آموزان لازم بود با کمک والدینش، از کنار رودخانه و کوه سنگ‌هایی را جمع‌آوری کند. او با زبان کودکانه اما بسیار با هیجان، سنگ‌ها را در اختیار دوستانش قرار داد و در مورد تفاوت‌ها و شباهت‌های ظاهری آن‌ها صحبت کرد. برای فعالیت دانش‌آموز دیگر به حیاط رفتیم تا او در مورد سنگ‌نمای ساختمان صحبت کند. در آخر هم نوبت به سنگ‌های قیمتی رسید که با توضیح دانش‌آموز مسئول آن معرفی شد. در نهایت هم یک انگشتری عقیق پاداش این همه تلاش بود که به آن‌ها اهدا شد تا با دیدن آن، موضوع سنگ‌ها را یادآوری کنند.

اسباب‌بازی‌های ارزشمند

محیط‌های یادگیری صرفاً محیط‌ها

و فرصت‌هایی رسمی نیستند که امکان بهره‌گیری از آن‌ها تنها به شرایط خاصی محدود باشد. در بسیاری موارد، ایجاد زمینه‌های مورد علاقه‌ی دانش‌آموزان و در عین حال در دسترس آن‌ها می‌تواند زمینه‌ساز خوبی برای یادگیری باشد. ممکن است امکان بهره‌گیری از اسباب‌بازی‌های رایج کودکان نمونه‌ای از این دست باشد به شرط آنکه این بهره‌گیری، مدبرانه، با برنامه و با موضوع یادگیری مرتبط باشد و انجام این فعالیت با سمت و سوی آموزشی و تربیتی همراه باشد.

در کلاس من

برای یادگیری موضوع آهن‌ربا از دانش‌آموزان خواستم ماشین‌های کوچک اسباب‌بازی خود را به کلاس بیاورند. کوچک بودن ماشین‌ها شرط لازم بود. قرار شد هر گروه دو ماشین داشته باشد تا همه مجبور نباشند در صورت نداشتن آن، چنین چیزی را تهیه کنند. حالا هر گروه دست کم دو ماشین و تعدادی آهن‌ربا داشت که باید فکر می‌کردند چگونه می‌توانند با این وسایل کاری کنند که هر ماشین به دنبال ماشین دیگر حرکت کند یا از آن دور شود. آن‌ها با کمک مفاهیم قطب آهن‌ربا و نیز آزمایش و خطا موفق شدند آهن‌رباها را به ماشین‌ها وصل کنند. بچه‌ها دیدند که در اثر همسانی و یا غیر همسانی قطب‌های آهن‌ربا، گاهی ماشین‌ها از هم دور می‌شوند و گاهی با هم برخورد می‌کنند. دست آخر هم مسابقه‌ای اتومبیل‌رانی در حیاط مدرسه برگزار کردیم که با استقبال بسیار دانش‌آموزان روبه‌رو شد.

باغچه‌ی کوچک

گاهی تنها جابه‌جایی دانش‌آموزان از فضای همیشگی کلاس درس به فضای دیگر، برای ارائه‌ی درس و هدایت یادگیری در جذابیت یادگیری برای دانش‌آموزان مؤثر است. هنگامی که این تغییر با انتخاب هوشمند فضای سبز نیز همراه می‌شود، دانش‌آموزان باهوش یادگیری طبیعت‌گرا

از این محیط تازه بهره می‌گیرند و یادگیری لذت‌بخشی را تجربه می‌کنند. بنابراین، گاهی استفاده از باغچه‌ی کوچک مدرسه به عنوان محلی برای قرارگیری دانش‌آموزان در کنار آن به جای کلاس درس، مؤثر است. بدیهی است در چنین مواردی رعایت موارد ایمنی و بهداشتی و نیز توجه به حفظ محیط زیست از موارد ضروری است.

بازی، بازی و باز هم بازی

در برخی مباحث مربوط به درس گوناگون، امکان به کارگیری بازی‌های آموزشی مهیاست. در عین حال، بازی‌ها می‌توانند محیط یادگیری مؤثر و قابل توجهی را برای دانش‌آموزان فراهم آورند. برای تعدادی از موضوع‌های درسی، بازی‌هایی آموزشی وجود دارند که سازمان‌ها تهیه و تولید کرده‌اند و در بازار قابل خریداری هستند. اما بسیاری دیگر از این بازی‌ها را معلمان طراحی و تولید می‌کنند که ممکن است با کمترین وسایل در دسترس هم ساخته شوند.

بازی‌های آموزشی از جمله‌ی گسترده‌ترین محیط‌های یادگیری هستند که همواره از پرطرفدارترین و در عین حال مؤثرترین شیوه‌ها در فرایند یاددهی-یادگیری محسوب می‌شوند.

در کلاس من

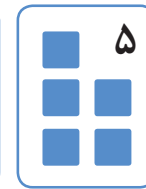
در درس ریاضی، بعضی دانش‌آموزان برای انجام عملیات جمع و تفریق‌های ساده و زیر ۱۰ مشکل دارند. برای رفع این اشکال، کارت‌هایی با شکل و عدد طراحی کرده‌ام. دانش‌آموزان در گروه‌های دو یا سه نفره قرار می‌گیرند. هر دانش‌آموز ابتدا سه کارت به‌صورت تصادفی در اختیار دارد. سه کارت هم روی زمین یا میز گذاشته می‌شود. حالا برای مثال عدد ۹ به عنوان پاسخ انتخاب می‌شود. دانش‌آموزان باید به ترتیب یکی از کارت‌های دست خود را روی زمین بگذارند. اگر حاصل جمع و تفریق شماره کارتشان با یک یا دو کارت روی زمین، با عدد خواسته شده یعنی

۹، یکی باشد، آن کارت را برمی دارند و عبارت جمع یا تفریق آن را روی کاغذ می نویسند. در غیر این صورت، باید منتظر نوبت شوند. در پایان، فردی که بیشترین عبارت درست را نوشته باشد، برنده است.

بعد از چند بار که به توانایی یادگیری دانش آموزان بستگی دارد، چندین بار در روزهای گوناگون، بازی تکرار می شود. با این تفاوت که این بار کارت‌ها بدون شکل و فقط عددی هستند و آن‌ها همین بازی را انجام می دهند. نمونه کارت‌های این بازی:



$$1+8=9$$
$$1+3+5=9$$



مهمان مدرسه

وجود افرادی مطلع در کلاس که مطابق برنامه‌ی معینی بتوانند به اجرای فعالیتی بپردازند یا به سؤالات دانش آموزان پاسخ دهند، از دیگر فرصت‌هایی است که می‌تواند محیط یادگیری نوینی را مقابل دید دانش آموزان قرار دهد. برای این منظور، گاهی وابسته به موضوع درسی، افرادی که تخصصی دارند دعوت می‌شوند تا اطلاعات خود را در قالب سؤالات تعیین شده و نیز به زبان متناسب، برای درک دانش آموزان مخاطب خود بیان کنند. گاهی نیز استفاده از خانواده‌های دانش آموزان یا حتی معلمان دیگر کلاس‌ها، برای اجرای برنامه‌های آموزشی در کلاس، بسیار سودمند و مؤثر است.

در کلاس من

به منظور آشنایی بیشتر دانش آموزان با متون فارسی و نیز افزایش علاقه‌مندی آن‌ها، طرحی با عنوان «شهرزاد قصه گو» را با

همه‌انگهی مدرسه اجرا کردیم. به این ترتیب که هفته‌ای یک بار یکی از مادران با کمک فرزند خود داستانی را که ترجیحاً قدیمی است و کمتر کسی شنیده است برای کلاس اجرا می‌کند. بیشترین قصه‌ها از افسانه‌های محلی انتخاب می‌شوند. به همین دلیل، گاهی بعضی از مادران و دانش آموزان راوی با پوشیدن لباس محلی آن را اجرا و نقل می‌کنند. در حین انجام این فعالیت، هیجان و علاقه‌ی آن‌ها بسیار دیدنی است.

نوبت مسابقه

از دیگر فرصت‌های مناسب برای یادگیری، برگزاری مسابقات علمی و آموزشی است که دانش آموزان بتوانند از این طریق و با قرارگیری در گروه، به بررسی دانش و اطلاعات خود مشغول شوند و از دیگر هم‌سالان خود بیاموزند. در این فعالیت، معین بودن منابع و متناسب بودن سطح مسابقات با توانایی دانش آموزان، از جمله مواردی هستند که می‌توانند به تأثیرگذاری این فعالیت بر یادگیری دانش آموزان بیفزایند.

در کلاس من

یکی از متون مشترک که در اختیار همه‌ی دانش آموزانم قرار دارد، مجلات رشد هستند که خوشبختانه در اغلب موارد با سطح یادگیری دانش آموزان هر پایه نیز تناسب دارند. به همین دلیل، از متن این مجلات استفاده کردم تا با برگزاری مسابقه، آن‌ها را به خواندن ترغیب و به نوعی مواجه کنم. در این فعالیت، ابتدا دانش آموزان را در گروه‌هایی قرار می‌دهم و از هر گروه می‌خواهم در طی مطالعه‌ی مجله، که هر قسمت آن در کلاس و با مشارکت دانش آموزان انجام می‌شود، سؤالی را طراحی کنند که به نظر آن‌ها دانستن آن برای هم‌کلاسی‌هایشان سودمند است. سپس سؤال را روی یک برگه بنویسند و پاسخ را در برگه‌ی دیگری بنویسند که نام گروهشان در بالای آن دیده شود.

در روزی که خواندن مجله تمام شده است، سؤالات که درون یک صندوق ریخته شده‌اند باز می‌شوند و به هر گروه یک سؤال

داده می‌شود. آن‌ها باید بتوانند به آن سؤال پاسخ دهند و گروهی که آن را طرح کرده بود، درستی یا نادرستی پاسخ را بررسی کند. در این مسابقه که دانش آموزان طراح، مجری و در عین حال داور آن هستند، توانایی درک و نیز خواندن آن‌ها نشانه‌گیری می‌شود و غالباً با وجود وقت‌گیر بودن، نتایج بسیار ارزشمندی حاصل می‌شود.

من ساختم!

از دیگر فرصت‌ها که به تعمیق و ماندگاری بیشتر یادگیری کمک می‌کند، برگزاری نمایشگاه‌ها یا بازدید از آن‌هاست. در این فعالیت که گاهی آثار به نمایش گذاشته شده‌ی آن را دانش آموزان می‌سازند و ارائه می‌کنند، تلاش می‌شود موضوع مهمی که یادگیری آن به تلاش بیشتر و مواجهه‌ی پرتکرارتر دانش آموزان با آن وابسته است، انتخاب شود. بدیهی است تنها نمایشگاه‌های دست‌ساخته‌ی تأثیر بیشتر و عمیق بر یادگیری دارند که دانش آموزان توان و امکان تهیه‌ی آثار آن‌ها را داشته و موضوع برایشان مفهوم و قابل درک باشد.

در کلاس من

در بحث فایده‌های گیاهان، به منظور آشنایی دانش آموزان با خواص گیاهان دارویی، طرح «عطاری‌باشی» را اجرا می‌کنیم. برای این منظور، با توجه به فضای مناسب در مدرسه، تعدادی غرفه پیش‌بینی می‌شود و به تعدادی از والدین و دانش آموزان داوطلب غرفه‌ای اختصاص داده می‌شود تا با ارائه‌ی اطلاعات، دمنوش‌های مربوط به یک یا چند گیاه را در اختیار دانش آموزان قرار دهند. آیا محیط‌های یادگیری مناسب یادگیری دانش آموزان شما در این دسته‌بندی یافت می‌شوند؟ آیا می‌توانید به دیگر فضاهای یادگیری اشاره کنید که توانسته باشد در یادگیری دانش آموزان شما مؤثر باشد؟ با اطمینان از مثبت بودن پاسخ‌هایتان، از شما دعوت می‌کنیم تجربه‌های خود در این زمینه را برای دفتر مجله بفرستید تا ما آن‌ها را با دیگر معلمان به اشتراک بگذاریم.

جعبه‌ی امانت

تمرین امانت‌داری در کلاس

پرستو توانا
آموزگار، قروه

اشاره

از تأکیدات دینی و اجتماعی ما مسلمانان باز پس دادن امانت به صاحب آن است. خداوند در آیه‌ی ۲۸۳ سوره‌ی بقره می‌فرماید: «اگر یکی از شما دیگری را امین دانست، پس آنکه امین شمرده شده است، باید امانت وی را باز پس دهد».

همکاران خوب من به این نکته آگاه هستند که ما نیز به نوعی امانت‌دار هستیم. کودکان امانتی در دستان والدین و سپس آموزگاران هستند. پس اگر پروا و نگرانی داریم، باید در حفظ امانت بکوشیم.

تمرین در کلاس

چگونه امانت‌داری و حس خوب امین بودن را به دانش‌آموزانم منتقل کردم؟

فضای کلاس محل مناسبی برای تمرین این ویژگی انسانی است. در واقع، جا ماندن لوازم تحریر دانش‌آموزان در کلاس مرا واداشت به این مهم بپردازم. یک جعبه تهیه و آن را با کاغذ کادو تزئین کردم. لوازم‌التحریرهایی را که در کلاس جا مانده بودند داخل جعبه قرار دادم.

وقتی با جعبه وارد کلاس شدم، بچه‌ها با کنجکاوی به آن نگاه کردند و پرسیدند که خانم، این جعبه چیست؟!

با بیان یک سؤال شروع کردم: «بچه‌ها می‌دانید چرا به پیامبر ما محمد امین می‌گفتند؟» هریک از بچه‌ها چیزی گفت. من هم داستانی درباره‌ی امانت‌داری پیامبر(ص) برای آنان بازگو کردم. در آن زمان، وقتی مردم به مسافرت می‌رفتند، امانت‌های خود را نزد پیامبر(ص) می‌گذاشتند. می‌دانستند که پیامبر(ص) از آن‌ها به خوبی نگهداری می‌کند. به همین دلیل به ایشان محمد امین می‌گفتند.

پس از من، بچه‌ها هر کدام مثال‌هایی زدند که از فلان امانت در فلان روز به خوبی نگهداری کرده‌اند!

بعد از بیان داستان‌ها و صحبت درباره‌ی امانت و امانت‌داری، جعبه‌ی امانت و لوازم‌التحریر موجود در آن را به دانش‌آموزان معرفی کردم و از آن‌ها خواستم هر وقت لوازم نوشتن خود را فراموش کردند، بدون آنکه از من اجازه بگیرند، از جعبه‌ی امانت که همیشه روی میز است، شبیه آن را بردارند و دوباره سر جای خود بگذارند.

نتیجه‌گیری

نتیجه‌ای که از اجرای این طرح گرفتم بسیار مثبت بود. رفتارهای نادرستی که قبل از اجرای طرح در دانش‌آموزانم مشاهده می‌کردم، دیگر در آن‌ها بسیار کم‌رنگ شد و یا اصلاً دیده نمی‌شد. قبلاً بچه‌ها اعتراض می‌کردند که مثلاً مدادشان را به دوستشان داده‌اند که آن را گم کرده است، اما بعد از اجرای طرح، چنین مواردی در کلاس مشاهده نشد. دانش‌آموزان نسبت به وسایل جعبه‌ی امانت و وسایلی که از دوستانشان می‌گرفتند بسیار احساس مسئولیت می‌کردند. به این ترتیب، به هدف دیگرم که جلوگیری از مختل شدن فعالیت‌های کلاسی دانش‌آموزان، به‌خاطر نداشتن وسیله بود، رسیدم.



عبور از بحران

صفوره قرشی خامنه

ساعت دو و نیم شب مطالعه می‌کردم و برای هر درس، طرح درسی جداگانه می‌نوشتیم.

مثلاً در درس هدیه‌های آسمانی بچه‌ها را گروه‌بندی کرده بودم. گروه‌ها درس‌ها را به صورت نمایشی اجرا می‌کردند و از اجرای آن‌ها لذت می‌بردند. گروه دیگر مسئول جمع‌آوری اطلاعات بیشتر درباره‌ی درس بودند. بعد از اجرای نمایش و دادن اطلاعات بیشتر، سؤال و جواب گروه‌ها از یکدیگر شروع می‌شد. به این ترتیب، بچه‌ها بر درس اشراف پیدا می‌کردند و در آخر از روی درس می‌خواندند و من نیز کل درس را ارائه می‌دادم و بدین ترتیب ساعت درسمان پایان می‌یافت.

درس‌های دیگر را هم به صورت نمایشی، کنفرانسی، بارش مغزی و استفاده از پاورپوینت پیش می‌بردیم. گروه‌ها کلاً درگیر مباحث درسی بودند. فعالیت هر گروه در چارت کلاسی ثبت می‌شد و در آخر با ارزشیابی به عملکرد گروهی و شخصی دانش‌آموزان امتیاز داده می‌شد.

اولین سال را بدین ترتیب به پایان رساندم. در آخر سال به بچه‌ها گفتم، بچه‌ها بخشید، من مدرس دوره‌ی ابتدایی نبودم ولی تمام تلاشم را کردم تا شما تا شما به بهترین نحو یاد بگیرید. بچه‌ها باورشان نمی‌شد که من به این خوبی، درس‌ها را، مخصوصاً درس ریاضی را، به آن‌ها تدریس کرده باشم.

خلاصه اولین سال تدریس دوره‌ی ابتدایی، آن هم پایه‌ی ششم، با موفقیت به پایان رسید. البته یک سال تمام من نه مهمانی رفتم نه مهمان دعوت کردم و نه فرصت خرید داشتم. یعنی کل زندگی‌ام شده بود مطالعه‌ی درس‌ها به بهترین نحو ممکن. از این فعالیت نتیجه گرفتم، طوری که سال بعد کاملاً به کتاب‌ها مسلط شده بودم و به راحتی انواع سؤالات را با بچه‌ها کار می‌کردم.

هدف من از نوشتن این تجربه این بود که بگویم تغییر دوره فوق‌العاده سخت است. ما عادت داشتیم فقط در یک رشته‌ی درسی تدریس کنیم، اما در دوره‌ی ابتدایی مجبوریم انواع درس‌ها را تدریس کنیم. با همه‌ی این‌ها، من توانستم با این بحران کنار بیایم و خودم را به روزرسانی کنم و همگام با همکاران ابتدایی حرکت کنم. هیچ‌گاه با دید منفی به این موضوع نگاه نکردم، تلاش کردم

و موفق شدم.

چند سال پیش همسرم بهترین شرایط شغلی را داشت و من در بهترین مدرسه‌ی شهر تدریس می‌کردم. از سکونت در ارومیه و داشتن همکاران خوب و همسایه‌های عالی لذت می‌بردیم و غریب بودن اذیتان نمی‌کرد، تا اینکه به خاطر پدر و مادر همسرم که با به سن گذاشته بودند و نیازمند مراقبت بودند، تصمیم گرفتیم به تبریز بیاییم. همسرم با وجود اینکه چند سالی از بازنشستگی‌اش مانده بود تصمیم گرفت خودش را بازخرد کند و من نیز به شرط تدریس در دوره‌ی ابتدایی به تبریز انتقال یابم. یک ماه مانده به بازگشایی مدارس، از یک طرف من و همسرم کارهای اداری را انجام می‌دادیم و از طرف دیگر، من در دوره‌ی ضمن خدمت زبان انگلیسی پایه‌ی هفتم شرکت می‌کردم و اسباب و اثاثیه را به کمک فرزندانم جمع می‌کردم. بالاخره من به ناحیه یک تبریز انتقالی گرفتم و خوشبختانه در سازمان‌دهی ناحیه یک شرکت و پایه‌ی ششم را انتخاب کردم. بعد از آن شروع کردم به مطالعه‌ی کتاب‌های ششم که دومین سال اجرای آن‌ها بود. از همکاران ابتدایی ارومیه کتاب‌های راهنما را تهیه و تا شروع سال تحصیلی آن‌ها را مطالعه کردم. آن سال تحصیلی بدترین سال عمرم بود. هر آن احتمال سخته را در خودم می‌دادم و از خدا می‌خواستم یاری‌ام کند تا به سلامتی و سربلندی پایه‌ی ششم را که برای بچه‌ها سرنوشت‌ساز بود به پایان برسانم. هر روز به محض برگشتن از

مدرسه، کارم شده بود مطالعه‌ی انواع کتاب کارها و در آوردن سؤالاتی در حیطه‌ی کتاب، نمونه دولتی و تیزهوشان. هر روز تا



مدرسه‌ی عشق

حبیب‌اله طالب احمدی

معاون آموزگار دبستان ۱۵ خرداد روستای کشکک تربت جام

ماجرا را از پدرشان پرسیدم. نفس عمیقی کشید. گفت: «این دو دختر یکی‌شان هجده‌سال و دیگری دوازده سال دارد از خدا که پنهان نیست از شما هم پنهان نباشد. با هر ناله‌ی این دو، اگر لقمه‌ای در سفره باشد، به کاممان زهر می‌شود.»

از او پرسیدم، آیا از خیرین کسی به شما کمک نمی‌کند؟ لبخندی پرمعنا زد و گفت: «توی این کوره روستا که همه مثل هم هستیم. از خارج روستا هم که ما را نمی‌شناسند.» و در حالی که گلویش را بغض گرفته بود، دستان دختر معلولش را در دست گرفت و دیگر هیچ نگفت.

من نیز متأثر از اینکه در آن روستا خدمت می‌کردم، ولی این قدر دیر به مشکلات دانش‌آموزم پی برده بودم، از خانه بیرون شدم. همین‌که به مدرسه رسیدم، با خود گفتم، با این غمسرای که طیبیه در آن زندگی می‌کند، همین‌که او با هم‌کلاسی‌های خود می‌خندد و بازی می‌کند، مرا کفایت است، چرا که او جدای از کلاس من، زندگی را در مدرسه‌ی عشق می‌آموزد؛ عشق به خانواده و خواهران بیمارارش. شاید بیان این دردنامه برایمان یادآور این باشد که ما معلم هستیم و معلم خوب زمانی می‌تواند درس مطلوبی ارائه دهد که دانش‌آموز خود را از همه‌ی زوایا بشناسد و انتظارات خود را با توجه به توانایی‌های وی تبیین کند. معلم درآشنا، درس خویش را مرهمی می‌سازد برای التیام درد دانش‌آموز خویش و چنانچه فراگیرنده احساس کند معلم او را می‌فهمد، او نیز معلم را بیگانه نمی‌داند و بی‌پرور مشکل خویش را با او در میان می‌گذارد و از او چاره می‌جوید. اینگونه است که مدرسه و معلم به کانونی امن برای دانش‌آموزان مبدل می‌شوند و جدا از محفوظات، درس زندگی می‌آموزند.

شاید به قول بعضی از دنیامداران، ما معلمان بچه‌های روستایی، دست‌مایه‌ی چنددانی از دنیا فراچنگ نداشته باشیم. اما یقین بدانید که ارمغان دنیا بی‌ارزش است و به قول قرآن کریم، دنیا مطاعی است قلیل. در اینجا یاد می‌گیریم که داشته‌هایمان را قدر بدانیم و بر نداشته‌هایمان حسرت نخوریم و همیشه شاکر باشیم. لیکن ما در برخورد با کودکان معصوم روستایی، توشه‌ای گرانقدر، و رای دنیای دون، به‌دست آورده‌ایم که تصورش برای خاکیان ناممکن است و آن عشق است که آسمانی می‌کند آدمی را. باشد که به توفیق حق معلم بنامیم و با معلم بشریت حضرت محمد (ص) محشور گردیم!

طیبیه دانش‌آموز کلاس پنجم دبستان روستای کشکک از توابع تربت‌جام در خراسان رضوی بود. او خوب درس نمی‌خواند و در کلاس حواسش جمع نبود. پدرش را به مدرسه خواستیم، اما او نیامد؛ او مشغول کاهگل کردن پشت بام خانه‌ی محقرشان بود. مادر طیبیه با رخسار و چشمانی بی‌رمق به مدرسه آمد. علت درس نخواندن طیبیه را از او پرسیدم آهی کشید و گفت: «من به جز طیبیه دیگر دست کمکی ندارم. یک فرزند شش‌ماهه و دو دختر بیمار دارم که در گوشه‌ی خانه افتاده‌اند.

از آنجا که من معلم بودم و باید مشکلات دانش‌آموزان را ریشه‌یابی می‌کردم، بعد از تعطیلی مدرسه به خانه‌ی طیبیه رفتم. پدر دستان پرگلش را در بشکه‌ی آبی که در حیاط بود، شست و با روی خوش مرا به خانه دعوت کرد. مادر نیز با ظرف‌های آبی که در فرغون بود و از فئات می‌آورد، سررسید.

خانه‌ی آن‌ها دو اتاق تو در تو با دیوارهایی که قسمتی از کاهگل آن ریخته بود. بوی رطوبت و بیماری فضای خانه را پر کرده بود. کودکی چند ماهه بی‌امان می‌گریست. در وسط اتاق قابلمه‌ای کوچک بر چراغی زنگار گرفته قل‌قل می‌کرد. پنجره‌ای کوچک، اندکی از نورخورشید را به درون خانه هدایت می‌کرد. در گوشه‌ای از اتاق، گهواره‌ی پارچه‌ای با وصله‌های فراوان، با دو میخ بزرگ، به دیوارها نصب شده بود و در طرف دیگر تشکی پهن بود که به ظاهر دو کودک بر آن افتاده بودند و فقط چشمانشان به طرف من برق می‌زد. طیبیه نیز سر آن دو را در بغل گرفته بود، کتاب فارسی‌اش را روی پاهایش گذاشته بود و بلند بلند می‌خواند تا سرگرمشان کند.

رشد و پژوهشگری

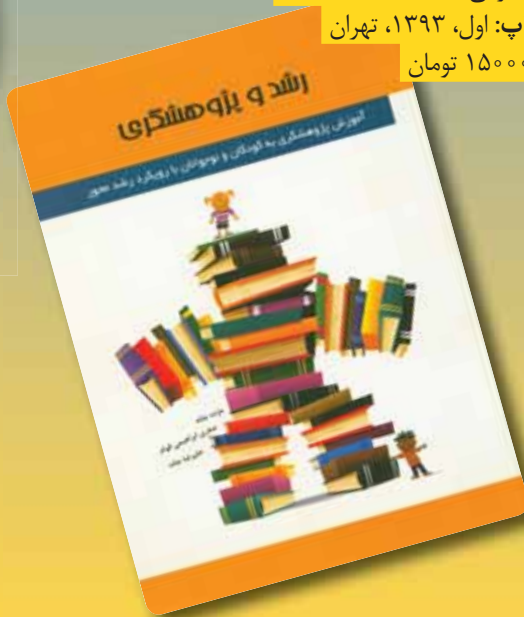
منصوره محمدی پرفکر

مؤلف: مژده جان، صغری ابراهیمی قوام، علیرضا جان

ناشر: جارمی (۶۶۹۷۳۸۲۱-۰۲۱)

نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۳، تهران

قیمت: ۱۵۰۰۰ تومان



دانستن مفهوم رشد، راهکارهای پربار کردن جنبه‌های رشد، سیر رشد کنجکاو و آگاهی، از نظریه‌های آموزشی مبتنی بر روند رشد یا مراحل آموزشی روش‌های پژوهشگری در این زمینه، برای بزرگسالان مهم است. حال زیر ذره‌بین گذاشتن این مفاهیم و پرسش کردن در اطراف آن‌ها می‌تواند برای کودکان و نوجوانان نیز جذاب باشد.

روان‌شناسان و صاحب‌نظران تعلیم‌وتربیت بر اینکه شکل‌پذیری شخصیت در دوران کودکی رخ می‌دهد، متفق‌اند.

اطرافیان کودک در این شکل‌پذیری و پیش‌آمدن «پرسش» نقش بزرگی دارند. اما رشد چگونه اتفاق می‌افتد و پژوهش در این زمینه به چه صورت است؟ کتاب رشد و پژوهشگری در پنج بخش به بحث‌هایی درباره‌ی موارد ذکر شده و همچنین به مباحثی از قبیل پژوهشگری با رویکرد تحولی، عوامل مؤثر بر پرورش روحیه‌ی پژوهشگری و ماهیت پژوهش می‌پردازد. هر فصل نیز شامل جدولی است برای بیان اهداف فصل، مهارت‌ها و پیوندهای رشدی. برای درک عمیق‌تر مطالب کتاب می‌توان به هریک از بازتاب‌های کلیدی ۱۵ گانه‌ی آن مراجعه کرد. بازتاب فصل سوم، با در نظر گرفتن مراحل رشد شناختی و آمادگی کودکان برای کسب مهارت‌های پژوهشی، می‌گوید: «تفکر کودکان با راهنمایی درست، از واکنش‌های ذهنی تا استدلال عینی و تا تفکر فراشناختی یا انتقادی و حل مسئله تحول می‌یابد. دو عامل انگیزه و هوش هیجانی در هدفمندی یادگیری کودکان و نوجوانان نقش مؤثری ایفا می‌کند.»

همراهان

دوستان عزیز که نام

آن‌ها در این صفحه آمده است، از

آموزگاران و پژوهشگران فعالی هستند

که آثار تألیفی و تحقیقی خود را به مجله

می‌فرستند. اگر آثار این دوستان چاپ نشده

است، به دلیل صفحات محدود مجله و چگونگی

تدوین و تنظیم آثار ارسالی است. با دقت در

انتخاب شیوه‌ی نوشتن، ما را در انتخاب

مقالات مناسب یاری کنید. منتظر آثار

خوب شما هستیم.

پاسخ به نامه‌ها و نوشته‌های خوانندگان

عامری، اردستان: «عوامل یادگیری در مدرسه»

تهران

مرضیه رحیمی بسابی، دبستان عماربن یاسر، منطقه‌ی ۱۰: «تأثیر خوردن صبحانه بر یادگیری»

اعظم چهرقانی، منطقه‌ی ۱۶: «چگونه بنیهِ علمی دانش‌آموزان را تقویت کنیم؟»

رقیه مکاری، آموزگار دبستان شهید باکری، اسلامشهر: «آموزش مهارت‌های زندگی به دانش‌آموزان»

فرزانه خدای، دبستان عماربن یاسر، منطقه‌ی ۱۰: «تأثیر بازی در یادگیری کودکان دبستانی»

سمانه رضازاده، دبستان شهید مطهری، منطقه‌ی ۱۵ تهران: «بررسی نقش مسابقات فرهنگی، ورزشی و هنری در ایجاد شادی ...»

مریم شفیعی، شهره سلیمی، فاطمه رجبی، ساجده احمدپور، پژوهش‌سرای محمدبن زکریای رازی، ناحیه‌ی ۱ شهرری: «مقایسه‌ی آموزش درس ریاضی به روش سنتی و استفاده از نرم‌افزار آموزشی»

زهرا براتی، آموزگار، شهرری: «از سیستم نمره تا توصیف»

زهرا رضایی، دبستان نیکا، منطقه‌ی ۷ تهران: «تجربه‌ی شیرین عروسک بازی»

زهرا رضایی، دبستان نیکا، منطقه‌ی ۷ تهران: «تجربه‌ی شیرین عروسک بازی»

آذربایجان شرقی

سعیده طاهری خسروشاهی، آموزگار، ناحیه‌ی ۳ تبریز: «مهربان‌ترین معلم دنیا»

آذربایجان غربی

صدیقه علی‌پور اصل، آموزگار، دبستان شهید یکانی قشلاق، خوی: «طرح ارتقای قرآن»، «ارزشیابی»، «راهکارهای کاهش اثر منفی دوزبانگی بر نوشتن انشا»

حسین محمدیان، دبستان شهید فتاحی، سردشت: «جدول ضرب تازه»

اصفهان

کبری فتحی‌پور، رضا رئیسی اردلی، فلاورجان: «راهکارهای ارتقا و ترویج تفکر انتقادی در مدارس»

زهرا اولیایی، شهرضا: «کلاسی بسیار فعال، اما آرام»، «روش‌های انضباطی و مدیریتی در کلاس ...»

حسین صنعتی محمدآبادی، آران و بیدگل: «فواید بازی برای کودکان و دانش‌آموزان»

سکینه فصیحی، اصفهان: «عددنویسی روی ماسه»

مینا یزدانی، دبستان پسرانه‌ی

چهارمحال و بختیاری

مژگان مهران‌فرد، آموزگار،



منطقه‌ی خانمیرزا: «فضاوت با شماست»

خراسان رضوی

مهدی امیراحمدی آهنگ، ناحیه‌ی ۲، مشهد: «اهداف رفتارهای ناسازگارانه»، «انتظارات معلم و نقش پنهان آن در پیشرفت تحصیلی»، «افزایش مقاومت در مقابل خشونت»
رقیه رهبر، آموزگار دبستان نقره، بجستان: «آمریکا به ما رحم ندارد»
زهره زیرجانی، نیشابور: «روش‌های نوین در تدریس ادبیات ابتدایی»

نسیم لطفی احمدی، تربت‌جام، باخرز: «هدیه‌ی روز معلم»، «پروژه‌ی سازه‌های لیوانی»

زنجان

سلیمان دویران: «تجربه، تفکر و تحقیق گام به گام در زنگ علوم»
تبارک رجیبی، دبستان کوشش، خرم‌دره: «هویت فرهنگی»

فارس

سعید شایگان دوست، سرگروه آموزشی، آموزشگاه سیدمصطفی خمینی، بوانات: «فرهنگ‌سازی و نهادینه‌سازی درس پژوهی...»

قزوین

آمنه عزیزی، قزوین: «مقایسه‌ی سطح اضطراب و افسردگی معلمان مدارس عادی و استثنایی قزوین»

کردستان

جوان درخشانی، آموزگار،

دبستان فجر: «راهکاری برای خوش‌خط‌نویسی دانش‌آموزان»
یوسف منتشلو، قروه، دلبران: «از خنده‌ی دیگران نهراسیم»، «گر خواهی نشوی رسوا»

سیداحمد موسوی، معاون آموزگار دبستان نیگی آباد، کرانی: «جزوه فارسی اول»

ناصر مرادی، دبستان دکتر حسابی، مریوان: «فرزندان طلاق»

حسن صالحی، مریوان: «مدرسه‌ی خوب»

نادره مرادی، دبستان رام‌الدوله، مریوان: «خاطرات آموزشی»

هاله سورانی، مریوان: «تأثیر ماهواره بر تمرکز دانش‌آموزان»

مختار خسروزاده، مریوان: «اختلال املا»

لیلا اشکوتی، لاله حسن‌ریحانی، مهاباد: «تحلیل محتوای کتاب‌های پایه‌ی ششم»

کهگیلویه و بویر احمد

عبدالحمید محمودی، دهدشت: «مهارت هر دو دست‌نویسی...»

گیلان

منصوره موسی‌پور، دبیر، رودسر: «برنامه‌ریزی برای پس‌انداز کردن و علاقه‌مندی به ریاضی»

لرستان

سعید چگنی، آموزگار، بروجرد: «بازی درمانی»، «فرایند شناخت و روش‌های خلاقیت»، «چگونه نیازهای درونی و بیرونی بر انگیزش دانش‌آموز...»

رضا امیدعلی، آموزگار، بروجرد: «آموزش مهارت‌های زندگی»، «نگاهی به مسئولیت عاطفی»

لیلا علیزاده، آموزگار، بروجرد: «روان‌شناسی ریاضی»

معصومه حدادی قره‌قیه، بروجرد: «درخت حافظه»

علی اصغر خانی‌پور، نادر حاتمی، نورآباد: «بخش‌نامه‌های مدیر و مدیر بخش‌نامه‌ها»

مازندران

محمد نیکویی، چمستان، «شادی هدفمند»، «چهار قدم در جذب دانش‌آموز»، «هوای تازه»، «مدیریت نتایج ارزشیابی توسط والدین»

زینب مسلمی، دانشجوی دانشگاه فرهنگیان، قائمشهر: «و همین نزدیکی»

حسن کاظمی، آموزگار، دبستان شیخ عطار، زاغمرز، بهشهر: «نقش معلم در همکاری با اولیا»

محمد احمدی خورشیدی، کارشناس آموزش ابتدایی: «ارتباط مؤثر»

معصومه تیموری، آموزگار، ناحیه‌ی ۲ ساری: «تربیت دینی کودک»

مرکزی

مهین باقری‌زاده، آموزگار ناحیه‌ی ۲، بندرعباس: «بررسی چگونگی پرورش شایستگی‌های اجتماعی کودکان»

همدان

محمد عابدی موحد، کبودآهنگ، روستای دادقاق آباد: «پیشداوری چیست؟»

یزد

صاهره سادات جزایری، میبد: «ضرب ۹ را با بازی بهتر یاد بگیریم»

فاطمه دهقانی، میبد: «مگر می‌شود رادیو با نفت کار کند؟»

آثارشما عزیزان رسید:

جلال عرب‌اسدی، آموزشگاه یاسر، مهدی آباد: «دلایل ترس دانش‌آموزان از درس ریاضی و راه‌حل‌های کاربردی برای کاهش این ترس»
سیدرضا تولایی‌زاده، آموزگار: «شعر حرف دل» و «روزی که بیاید»

شیلان شریفی: «کاهش مشکلات رفتاری دانش‌آموزان»
حسین کمری: «رابطه‌ی غلط‌های املایی دانش‌آموزان کرد زبان...» به دلیل تخصصی بودن و تعدد صفحات در این مجله قابل استفاده نیست. آن را به مجله‌ی رشد ادبیات فارسی فرستادیم تا در صورت نیاز استفاده کنند.

رقیه زارعی، آموزگار: «املا»
محمد نجفی‌آنانی: «چه کنیم تا کودکی باهوش داشته باشیم»
محبوبه راموز: «پرورش ذهن خلاق»

یعقوب سیف‌پناهی، دبیر تربیت‌بدنی: «اصول مطالعه، مزیت‌ها و شرایط آن»

زهره مالمیر: «راه‌های آموزش مهارت‌ها برای معلمان علوم»

مجید امیری: «معجزه محبت در تعلیم و تربیت»

زهره صفار، دبیر اعزامی به رومانی: «فعالیت‌هایی برای شناخت بهتر سطح و حجم»

مصطفی اسکندری

سبزی، آموزگار چندپایه: «تأثیر عوامل فیزیکی کلاس بر پیشرفت تحصیلی»

آموزش حجم‌های هندسی و سطح جانبی

زهرایات

آموزگار پایه‌ی ششم، روستای زمان‌آباد، همدان



اشاره

نظرات و ایده‌های هم‌باخبر می‌شوند و به صحبت‌های همدیگر گوش می‌دهند. همچنین، از یکدیگر انتقاد و نقشی کار خویش را آماده می‌کنند. تمام این موارد در کنار نظارت آموزگار صورت می‌پذیرد که هدایتگرانه به حرف‌ها، نظرات و کارها جهت صحیح می‌دهد.

شرح فعالیت

ابتدا حجم‌های مورد نظر را به دانش‌آموزان معرفی می‌کنم، زیرا بچه‌ها باید درباره‌ی آن‌ها اطلاعاتی مانند معرفی وجه، ارتفاع و قاعده داشته باشند.

- با توجه به تعداد گروه‌ها، اندازه و سایزها را به دانش‌آموزان می‌دهم و برای هر گروه ساختن یک حجم را مشخص می‌کنم. دانش‌آموزان با کمک معلم و با استفاده از مقواهای در دسترس، شروع به ساختن حجم‌ها می‌کنند تا نمونه‌های دقیق‌تری ساخته شود.

- پس از پایان کار، بچه‌ها از دیدن اثر خود و مقایسه‌ی آن با دیگر کارها لذت می‌برند. سپس آن‌ها را از دیوار می‌آویزم. کلاس زیباتر می‌شود و حجم‌ها جلوی چشم دانش‌آموزان قرار می‌گیرد. همچنین گروه‌ها با ساخته‌های هم آشنا می‌شوند. در کلاس درس ریاضی (مربوط به آموزش حجم و سطح جانبی و محاسبه‌ی سطوح جانبی) از اعضای گروه‌ها می‌خواهم حجم خود را از دیوار پایین بیاورند و وجه‌های رنگی را محاسبه کنند. دانش‌آموزان با توجه به توانایی محاسبه‌ی مساحت اشکال به راحتی از عهده‌ی این مهم برمی‌آیند.

برای مدتی فکرم درگیر آموزش و تفهیم هر چه بهتر حجم‌ها، تماس دست دانش‌آموزان با حجم و در واقع تجسم بعد سوم بود. اگر این آموزش در قالب حجم‌های ملموس صورت گیرد، بهتر در ذهن دانش‌آموزان نقش می‌بندد و البته هوش انتزاعی دانش‌آموزان ارتقا می‌یابد. همچنین، تجسم هندسی آنان بهتر می‌شود و پیش‌زمینه‌ی خوبی برای فراگرفتن هندسه و هندسه‌ی فضایی می‌شود. با توجه به ضرورت دادن تکلیف کمتر به دانش‌آموزان و البته وقت کم کلاس‌ها و تعداد زیاد دانش‌آموزان، متأسفانه دانش‌آموزان زمان کمتری را به دست‌ورزی اختصاص می‌دهند و اکثر آن‌ها مچ‌های ضعیفی نیز دارند. به همین دلیل، شروع به فعالیتی کردم تا در کنار ایجاد نشاط و تقویت جسمی، دانش‌آموزان با برخی مهارت‌ها و دانسته‌های آشنا شوند. در ادامه و در این ارتباط جزئیاتی را بیان کرده‌ام که ملاحظه می‌کنید.

به سوی حجم و سطح

با معرفی این فعالیت جنب‌وجوش بسیاری میان دانش‌آموزان برپا شد. کاغذ رنگی بود که در کلاس به چشم می‌خورد. مچاله کردن کاغذهای رنگی و درست کردن گلوله‌های کاغذی با آن‌ها، نه تنها لذت بخش و هیجان‌انگیز است، بلکه موجب ورزش انگشتان دست و نیز تقویت مچ دست‌ها می‌شود.

بچه‌ها هنگام درست کردن گلوله‌ها با یکدیگر صحبت می‌کنند و در مورد کاری که قرار بود انجام شود، با هم مشورت می‌کنند. از

گنجشک و عقاب

سمانه رضازاده

آموزگار دبستان شهید مطهری، منطقه ۱۵ تهران



بود. احساسم را با آن‌ها در میان گذاشتم و گفتم که چقدر توانمند هستند و دقیقاً به همان هدف استاد اشاره کرده‌اند. از آن روز تصمیم گرفتم محور دانایی و دانش را سرلوحه‌ی کارم قرار بدهم و مهم‌تر از همه بدانم که من نسبت به تمام دانش‌آموزانی که دارم و خواهم داشت مسئولم؛ مسئول نحوه‌ی درس خواندن، احساسات، روند تفکر، مسئول تشویق بیشتر آن‌ها به دانایی، مسئول دادن اعتماد به نفس و نگرش امیدوارانه به آن‌ها، و مسئول واداشتن آن‌ها به تفکر؛ جدای از حفظ طوطی‌وار و آماده کردن درس‌هایشان!

از روزی که این اتفاق تکان‌دهنده در کلاس افتاد، حس شیرین آموزگاری در من شیرین‌تر، جذاب‌تر و البته پرمسئولیت‌تر شده است.

اوایل زمستان سال گذشته بود. من و برخی از همکارانم از طرف مدرسه‌ای به یک سمینار دعوت شدیم. استادی که برای سخنرانی آمد، در همان ابتدا جمله‌ای روی تخته نوشت و از آموزگاران حاضر خواست معنی و مفهومی را که از آن برداشت می‌کنند، بنویسند. آن جمله که دیدم نسبت به دانش‌آموزانم عوض کرد، این بود: «گنجشکی که به دنبال عقاب پرواز می‌کند، گمان می‌کند عقاب از او می‌گریزد.» این جمله و اتفاقات بعد از آن، برای من که تازه سه سال از تدریس و دوران خدمتم گذشته است، یک تلنگر بود؛ تلنگری برای اینکه دانش‌آموزانم را باور کنم.

فرزاد آن روز تصمیم گرفتم جمله‌ی استاد را برای دانش‌آموزانم مطرح کنم و نظرات آن‌ها را بخواهم. من به آن‌ها، نظرات خوب و توانایی‌هایشان ایمان داشتم و همیشه سعی می‌کردم سر کلاس ذهنشان را درگیر مسائل کنم تا خودشان به فکر کردن وادار شوند. قبل از ورود به کلاس، ذهنم بسیار درگیر بود. با خود می‌گفتم شاید این عنوان برای دانش‌آموزان پایه‌ی چهارم کمی سنگین باشد، شاید آن‌ها نتوانند درک کنند و شاید...

غالباً بعد از گفتن املا، موضوعی را روی تخته می‌نویسم و از بچه‌ها می‌خواهم نظرشان را در مورد آن بنویسند. این کار باعث می‌شود ترس آن‌ها از نوشتن ریخته شود و گامی در جهت پیشرفت بردارند. جمله را روی تخته نوشتم و از آن‌ها خواستم بعد از املا نظرانشان را برایم بنویسند. در حین نوشتن بچه‌ها تمام فکر من این بود که آن‌ها چه خواهند نوشت.

املاً که تمام شد، دفترها را یک به یک تصحیح کردم. واقعاً شگفت‌انگیز بود. اکثر دانش‌آموزانم (۲۰ نفر از ۳۴ نفر) به همان نظر استاد اشاره کرده بودند: **دانایی!** اینکه گنجشک نمی‌داند و گمان می‌کند عقاب از او می‌گریزد. آن قدر خوشحال شده بودم که فضای کلاس برای فریاد از سر شادی کافی نبود. دانش‌آموزانم به دانش و دانایی، که امروزه محور اساسی کار ما معلمان است، اشاره کرده بودند. برای من، نگرش دانش‌آموزانم به این موضوع عالی

